

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشریه پژوهشی
روش
با رویکرد به خانواده اسلامی

نشریه داخلی مدرسه علمیه آیت‌الله ابروآنی قم
شماره دوم، بهار ۱۳۹۹

مدیر مسئول: کبری محمدی
سردبیر: فهیمه نجف‌پور
مدیر داخلی: فرحناز قاسمی سراب
ویراستار: فرحناز قاسمی سراب
اعضای هیئت تحریریه: فاطمه قنبری، شمسی کرمی، مرضیه بابا خان، فرحناز
قاسمی و طاهره حیاتی
فهیمه نجف‌پور، معصومه علیزاده

فهرست مطالب

سخن سردبیر	۴
مقالات علمی	۶
شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی	۶
محبوبه عباسعلی پور عزیزی	۶
بررسی عوامل تضعیف اقتدار مرد و ارائه راهکارهای تحکیم آن	۲۸
فهیمة نجف پور	۲۸
راههای کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده	۵۰
سمانه شیروانی	۵۰
مصادیق حسن معاشرت در خانواده با تأکید بر آیات قرآن	۷۳
اعظم عزیزی پشت‌ریزه	۷۳
راهکارهای تقویت روابط عاطفی خانواده در برابر مشکلات از منظر آیات و روایات	
.....	۹۰
سمیه رضایی	۹۰
ساختار یک مقاله علمی شمسی گرمی	۱۰۷
معرفی پژوهشگر زن و خانواده	۱۱۷
درسنامه های خانواده اسلامی	۱۱۸
معرفی مرکز مطالعات زنان و خانواده قم طاهره حیاتی	۱۲۱
معرفی کتاب مرضیه باباخان	۱۲۳
موضوعات پیشنهادی مقالات پایانی خانواده اسلامی	۱۲۶
چکیده مقالات	۱۲۸

سخن سردبیر

با لطف خداوند و استمداد از حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام دومین شماره «نشریه پژوهشی روش با محوریت خانواده اسلامی» مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته الله علیه قم منتشر می شود.

خانواده همیشه در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اساسی ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشاء فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. بحث از خانواده در احادیث و روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. پرداختن به این بنای مقدس بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. انسان‌ها در زندگی خود، از دیگران تأثیر می‌پذیرند و بر آنها تأثیر می‌گذارند. در یک خانواده، اعضای آن مجموعه از والدین گرفته تا فرزندان، در شکل‌گیری شخصیت و خلق و خوی یکدیگر نقش مؤثری دارند. محیط اجتماعی جامعه، رسانه‌ها، مطبوعات و همه اعضا و عناصر حاضر در صحنه اجتماع که در ارتباط با فردند، در پرورش روحیه و شخصیت وی تأثیر دارند. بنابراین این نشریه با محوریت خانواده اسلامی درصدد این است تا جهت تحقق اهدافی همانند: ۱. توصیف خانواده اسلامی با حفظ ارزش‌های آن ۲. آشنایی با سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی ۳. اصول و معیارهای لازم خانواده اسلامی ۴. شاخصه‌های مدیریت اقتصادی در سبک زندگی اسلامی ۵. راهکارهای مناسب برای استحکام روابط خانواده و... گامی بردارد.

به همین منظور در راستای این هدف، بخش‌های متنوع علمی برای نشریه در نظر گرفته شده است تا طلاب با هر توان و سلیقه علمی بتوانند در آن قلم بزنند؛ از جمله این

بخش‌ها: مقاله علمی، معرفی کتاب، معرفی مرکز پژوهشی، معرفی شخصیت‌های علمی، معرفی سایت و نرم‌افزار، منبع‌شناسی، چکیده مقالات و...؛ امید است این امر باعث انگیزه بخشی و ایجاد روحیه‌ی پژوهشی در بین طلاب شود.

و من الله التوفیق

فهیمة نجف پور

مقالات علمی

شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی


محبوبه عباسعلی پور عزیزی^۱

چکیده

خانواده نخستین بستر برای تحقق سبک زندگی اسلامی بود. یکی از معیارهای مهم سبک زندگی اسلامی مسئله اقتصاد و نحوه‌ی مدیریت مالی مشخص شد. هدف از این تحقیق رسیدن به شاخصه‌های مدیریت مالی در سبک زندگی اسلامی بود تا پاسخگوی نیازها و دغدغه‌های مدیریت مالی خانواده باشد. آنچه که تحقیق حاضر را متمایز کرد، نگاه درون دینی به مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی بوده است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با شیوه تحلیلی ابتدا به ارائه‌ی تبیینی واژه شناسانه از مفهوم سبک زندگی اسلامی و مدیریت مالی پرداخت و سپس به شاخصه‌های کسب درآمد و شاخصه‌های تخصیص درآمد خانواده در سبک زندگی اسلامی اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت انداز: کسب درآمد حلال، خوداتکایی با تولید در منزل، کارآفرینی، اعتدال در مصرف، تفکیک نیازها و خواسته‌ها، پس انداز در مصرف خانواده و انفاق. شاخصه‌های صحیح مدیریت مالی خانواده مسلمان، تنها با یاد خدا و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف و خودداری از تجمل‌گرایی امکان پذیر بود، از این رو انسان با شناخت این شاخصه‌ها از اضطراب و نگرانی زندگی ماشینی‌رهایبی یافت و به رفاه، اطمینان خاطر همراه با عزت، آزادی و کرامت انسانی رسید.

کلید واژه‌ها: خانواده، سبک زندگی اسلامی، شاخصه، مدیریت مالی

مقدمه

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی ، yaghobi۶۱۶۵@chmail.ir

خانواده نخستین بستر برای شکل‌گیری و تحقق سبک زندگی اسلامی است. یکی از معیارهای مهم سبک زندگی اسلامی مسئله اقتصاد و نحوه‌ی مدیریت مالی است. در سبک زندگی اسلامی، در مسأله اقتصاد اصولی حاکم است که در صورت فقدان، خانواده به جای گرفتن رنگ الهی، رنگ مادی به خود می‌گیرد. در اسلام، اصل، تعالی و رشد انسان به سمت معنویت است و مسائل مالی و اقتصادی به عنوان ابزار مطرح است یعنی اقتصاد و مسائل مالی را در خانواده باید به گونه‌ای مدیریت نمود که در خدمت رشد و تعالی انسان قرار بگیرد. در این مقاله با استمداد از آیات و روایات و دیگر منابع فقه قوی شیعه، به دنبال بیان شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی هستیم به گونه‌ای که یک نوع سبک زندگی در حوزه‌های کسب درآمد، مصرف، پس انداز و سرمایه‌گذاری و انفاق در خانواده ارائه نماید و پاسخگوی سوالات و نیازهای مدیریت مالی خانواده مسلمان باشد، و خانواده‌ها با عمل به این شاخصه‌ها، دغدغه‌های مدیریت مالی خود را برطرف کرده و ناهنجاری‌هایی که در خانواده‌های امروزی وجود دارد، برطرف شود. آنچه‌که تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، نگاه درون دینی به مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی می‌باشد. از این رو، ضرورت شناخت شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده بر اساس مبانی ارزشی دین مبین اسلام آشکار می‌گردد. کتاب و مقاله‌ای که به طور کامل و مستقل این موضوع «شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی» را مورد بحث قرار داده و توانسته باشد مولفه‌های مدیریت مالی خانواده مسلمان را بیان کند تا کنون مشاهده نگردیده است گرچه تحقیقاتی در موضوع مدیریت مالی خانواده به صورت کتاب و مقاله موجود می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: بیان شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده در سبک زندگی اسلامی. از این رو، این سؤال‌ها در مورد شاخصه‌های مدیریت مالی خانواده بررسی شده است: شاخصه‌های کسب درآمد

خانواده در سبک زندگی اسلامی چیست؟ شاخصه‌های تخصیص درآمد خانواده در سبک زندگی اسلامی چیست؟

مفهوم سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی در تلقی اسلامی به واقعیت بنیادی اشاره دارد که همه‌ی مفاهیم، تعاریف و دیدگاه‌ها و روایت‌های معطوف به فرهنگ و تمدن از آن سرچشمه می‌گیرد. سبک زندگی در حقیقت محتوا و روح عینیت یافته‌ی فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود. از منظر اسلامی، سبک زندگی نه سیلان لجام‌گسیخته و مهارناپذیر امیال که بیشتر شیوه‌های سنجیده و معقولی است که افراد از طریق آن به پرسش‌های اصیل وجودی خود پاسخ می‌گویند. من کیستم، از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود، به کجا می‌روم و چگونه باید باشم و بروم، پرسش‌های بنیادینی هستند که تلاش در جهت پاسخ دادن به آن‌ها، ترسیم‌کننده‌ی سبک‌ها و شیوه‌های زندگی انسان است. به عبارت دیگر از نظر اسلامی، کوشش انسان برای یافتن پاسخ‌های نظری و اتخاذ مواضع عملی متناسب در قبال پرسش‌های وجودی، چارچوب مرجع سبک و شیوه‌ی زندگی را رقم می‌زند. پس می‌توان گفت که سبک زندگی از منظر اسلام، مفهومی بنیادین و تمدن ساز به شمار می‌آید؛ چراکه از دغدغه‌های اصیل و متعالی و ریشه‌ای‌ترین لایه‌های هستی انسان نشئت می‌گیرد. (فصیحی و شریف‌الدین، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳)

مفهوم مدیریت مالی

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹) مدیریت مالی را می‌توان کاربرد اصول و مفاهیم اقتصادی برای تصمیم‌گیری و حل مسئله دانست؛ به بیان ساده می‌توان گفت، مدیریت مالی همان اقتصاد کاربردی

است که می‌بایست با به‌کارگیری مبانی و مفاهیم اقتصاد خرد و کلان و دیگر مباحث مرتبط با اقتصاد، در مدیریت امور مالی کسب‌وکار انجام گیرد. در روایات مدیریت مالی با عنوان تقدیر معیشت بیان شد؛ تقدیر معادل عربی برنامه ریزی است که به معنی مقدار، توان و طاقت است. (زبیدی، ۱۲۰۵ق، ج ۷، ص ۳۷۰) تقدیر معیشت که در لسان روایات از علایم ایمان قرار گرفته به معنی ایجاد تعادل بین افراط و تفریط است. (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۶۸) تقدیر معیشت نوعی مصرف با درآمد و پرورش نظم اقتصادی در زندگی است که وجود آن سبب می‌شود انسان به انحراف مصرفی دچار نشود و انفاق به اسراف منجر نشود و زهد و قناعت به اقتار منتهی نگردد یعنی اصل تقدیر معیشت به نوعی در عملی شدن صحیح اصول انفاق، قناعت و زهد در زندگی انسان، نقش مدیریت رفتاری را ایفا می‌کند. (جداری عالی و میرمعذی، ۱۳۹۱، ص ۲۸-۳۰)

شاخصه‌های کسب درآمد خانواده در سبک زندگی اسلامی ۱. کسب درآمد حلال

کسب حلال به نوعی از فعالیت اقتصادی گفته می‌شود که در چهار چوب قوانین اسلامی و شرعی انجام می‌شود و مهم‌ترین خصوصیت آن نفع خود انسان چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی و از طرفی رعایت حق الناس می‌باشد. این سخن گرچه به آسانی گفته می‌شود اما در مقام عمل بسیار سخت است تا جایی که امام صادق ع به یکی از اصحابش فرمود:

«مُجَادِلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ؛ نبرد با شمشیر از کسب روزی حلال راحت تر

است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۲)

قرآن کسب درآمد و استفاده کردن از مواهب الهی و ذخایر دنیا نه تنها مورد نهی قرار نداده است بلکه با نكوهش فقر و بیکاری انسان را دعوت به فعالیت نموده است تا از طریق کار و کوشش خود به روزی حلال دسترسی داشته باشد و از طرفی به

کسب حلال امر می‌کند و از طرف دیگر از حرام‌خواری و انجام فعالیت‌های اقتصادی نامشروع نهی می‌کند و آن را پیروی از شیطان می‌خواند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾؛ ای مردم، از آن‌چه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. (بقره، ۱۶۸) ﴿... كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...﴾؛ از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید. (بقره، ۵۷)

در این آیات مراد از طیبات، چیزهای حلال و پاکیزه است که خداوند متعال روزی بندگان‌ش قرار داده است و به حالت دستوری آورده است که از حلال و طیب تناول کنید. یکی از اساسی‌ترین مسائل پیش روی بشر که تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بسزایی در سرنوشت دنیا و آخرت او دارد، کسب درآمد حلال است و آن چه دین اسلام بر آن تأکید دارد، تلاش و کوشش و استفاده‌ی بهینه از دست رنج خویش برای کسب درآمد حلال می‌باشد. به همین دلیل است که برنامه‌های اقتصادی اسلام در جهت تحقق مالکیت فردی و کسب درآمد مشروع و حلال و آبادانی دنیا برای رسیدن به سعادت اخروی عنوان شده است. به طور کلی اسلام، به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین ادیان الهی، به کار و تلاش و کوشش یک نگاه عمیق و بسیار جدی و راه‌گشا دارد تا جایی که از نگاه اسلام تنبلی و بیکاری و بی‌حوصلگی در تلاش و تکاپوی برای زندگی بسیار مورد نکوهش واقع شده است. این موضوع آن چنان اهمیت دارد که حتی در نسل‌ها می‌گذارد.

۲. مسئولیت پذیری افراد خانواده

زندگی به سبک دینی ابعاد فراوانی دارد. در احادیث معصومین علیهم‌السلام، بر این امر تأکید شده است که کسب درآمد و لقمه‌ی حلال، تأثیر به‌سزایی در خلق و خوی فرد، خانواده و جامعه دارد. افراد خانواده می‌توانند نیازهای خود را از طریق تقسیم کار

برآورده سازند و هم زمینه رشد و تکامل خود را فراهم نمایند. مدیریت مالی خانواده بسته به شرایط مختلف می‌تواند بر عهده هر یک از اعضای خانواده باشد؛ اما ابتدا پدر به عنوان سرپرست خانواده ایفاگر چنین نقشی هست و وظیفه‌ی پدر خانواده، تلاش برای مدیریت منزل است به حدی که رفاهی نسبی و معقول را برای خانواده تأمین کند و درگام بعدی توسعه‌ی زندگی برای اهل خانواده از وظایف وی به حساب می‌آید. از امور بسیار نیکو و پسندیده در زندگی خانوادگی آن است که مرد در صورت توان، وضع مادی همسر و فرزندان خود را بهتر کند و شرایط رفاهی بیش‌تری برای آنان فراهم آورد.

امام رضا علیه السلام در این باره فرموده است: «صاحب النعمه یحب علیه التوسع علی عیاله؛ فرد غنی باید بر اهل و عیال خود توسعه دهد». (کلینی، ج ۴، ۱۴۰۷، ص ۱۱)

همچنین امام زین‌العابدین علیه السلام چنین بیان داشته است: «ان ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله؛ خداوند از کسی بیش‌تر خشنود است که بر خانواده‌اش توسعه دهد». (همان)

دین اسلام با تنبلی و بیکاری مخالف است و همگان را به کار و تلاش اقتصادی سفارش می‌کند. چنان‌که

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمة؛ تحصیل حلال از راه کسب و کار بر تمام مسلمانان اعم از زن و مرد واجب است». (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۷۲)

در مورد مشاغل زنان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«علموهن المغزل و سوره النور؛ به زنان، بافندگی و سوره‌ی نور بیاموزید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۹)

شاید منظور از روایت این است که زنان، توانمندی‌های خود را افزایش دهند و از راه علوم، فنون و هنرهای گوناگون متناسب با روحیه‌شان، همراه با رعایت دستورات الهی و عفاف، به کارهای اقتصادی متناسب بپردازند و نیاز خود و جامعه را برطرف

نمایند. (عیش و معاش، ۱۳۹۳، ص ۷۳) به طور نمونه، قرآن کریم به داستان شبانی دختران حضرت شعیب رضی الله عنه اشاره نموده است. (قصص، ۲۳) هر زن با توجه به نقش‌های ویژه‌ی همسری و مادری می‌تواند در کسب روزی حلال در خانواده سهم بسزایی داشته باشد. چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره سرگرم شدن بانوان خانه‌دار می‌فرماید:

«و خیر لهُو المرأه المغزل؛ بهترین سرگرمی زن ریسندگی است.» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص

(۴۷۳)

هم‌چنین درباره ارزش کار زنان در منزل می‌فرماید:

«مهنه احداکن فی بیته‌ها تدرك جهاد المجاهدین ان شاء الله؛ (ای زنان) هر یک از شما به

اشتغال در خانه خویش اگر خدا بخواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت.» (همان، ص ۷۴۶)

یکی از عواملی که مردان را به سوی کسب درآمدهای نامشروع سوق می‌دهد، فشار ناشی از تأمین هزینه‌های بالا و غیرمتعارف خانواده است. این هزینه‌ها، می‌تواند علل مختلفی چون ناکارآمد بودن برنامه‌ی معیشتی خانواده، چشم و هم‌چشمی، اسراف، مصرف‌گرایی، زیاده‌خواهی و پرتوقعی فرزندان باشد که در همه‌ی این موارد می‌توان گفت زن نقش اساسی و کلیدی در مهار مشکلات معیشتی خانواده دارد.

۳. تقوا و استقامت در تأمین درآمد

با توجه به اهمیت روزی حلال، خداوند سبحان دوست دارد تا بندگان خود را برای به دست آوردن روزی حلال در تعب و سختی مشاهده کند. در روایتی حضرت علی رضی الله عنه درباره‌ی سختی و مشقت کسب روزی حلال می‌فرماید:

«ضربه السیف علی المؤمن اهن من الدرهم من حله ذاک؛ شمشیر زدن انسان مؤمن آسان‌تر

از به دست آوردن یک درهم از راه حلال است.» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷)

کسب درآمد فقط از راه مادی صورت نمی‌گیرد. بسیاری از افراد برای کسب درآمد فقط به مجاری مادی و دنیوی امید دارند. در صورتی که انسان مؤمن و با تقوا با استقامت کردن در مسیر درآمد حلال، روزی او از راه حلال تأمین می‌شود. همان‌طور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ هر که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه بیرون شدن از مشکلات را برای او می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا می‌کند و هر که به خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند. (طلاق، ۲)

۴. خوداتکایی با تولید در منزل

از جمله عرصه‌هایی که خانواده می‌تواند کار تولیدی انجام دهد، تولید در منزل است. خانواده می‌تواند در خانه به تولید مواد مصرفی مورد نیاز اعضای خانه بپردازد. در واقع این نوع تولید بیشتر با هدف خودکفایی مصرف خانواده انجام می‌گیرد. در گذشته در اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌ها، بسیاری از نیازهای خود را با خرید مواد اولیه تولید می‌کردند. بافتن فرش، گلیم، حاجیم، دوخت کفش، تهیه لباس، تهیه ترشی، رب و آب لیمو از جمله تولیدات خانواده در گذشته بودند. با رشد سرمایه‌داری این عادت به تدریج در خانواده از میان رفت. کار به جایی رسید که به تقلید از کشورهای صنعتی، برخی خانواده‌ها کلیه نیازهای خود را آماده از بازار می‌خرند. در واقع گرم کردن و مخلوط کردن مواد غذایی آماده، فعالیت غذا پختن برخی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد. (رزاقی، ۱۳۸۹، ص ۳۲) تهیه خوراک، دوختن لباس و یا بافتن آن و تعمیر وسایل خانگی به وسیله اعضای خانوار، علاوه بر کمک به معیشت خانواده و تولید داخلی، موجب ارضای نیازهای روانی انسان از جنبه‌های هنری و زیبا شناسی می‌شود. در نتیجه تعادل روانی و شکوفایی استعدادهای همه اعضای خانواده با این

شیوه بیشتر و بهتر انجام می‌گیرد. افزون بر آن، رفع نیاز مالی خانواده که با فروش نتیجه کار و کسب درآمد برای خانواده انجام می‌گیرد، موجب رشد اقتصادی و شکوفایی انسان می‌شود. (همان، ص ۳۳)

۵. داشتن برنامه ریزی برای کسب درآمد

برنامه‌ریزی به منظور استفاده بهینه از زمان، اولین قدم در راه مدیریت مالی خانواده است. خانواده‌ای موفق است که قدر وقت را بداند و از زمان، در راه رسیدن به اهداف خانواده از جمله مدیریت مالی خانواده، بهره‌برداری صحیح به عمل آورد. خانواده یک سازمان اجتماعی کوچک است که به منظور دستیابی به اهداف خاصی تشکیل شده است به گونه‌ای که دو هدف تولید و تربیت سرمایه انسانی را بر عهده دارد. خانواده باید به این هدف مهم که تامین کننده نیروی انسانی نسل آینده به عنوان عامل تولید است، به بهترین وجه ممکن دست یابد. بدیهی است که دستیابی به این هدف مهم، چند روزه امکان‌پذیر نیست و بدون تامین شرایط مناسب قابل دسترسی نمی‌باشد. از این رو خانواده باید با شناخت کامل از اهداف خود، مبادرت به برنامه‌ریزی کند. نخست چهارچوب اهداف کلی خانواده باید تعیین شود، آنگاه کل برنامه به برنامه‌ها و هدف‌های کوچک‌تر برای رسیدن به هدف اصلی تقسیم شود. از این رو برنامه‌ریزی در سه افق بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت ضرورت دارد. در ضمن هر خانواده با توجه به نیازها و منابع خود از جمله میزان کسب درآمد، باید یک برنامه‌ریزی در جهت همان نیازها و منابع موجود خانواده خود داشته باشد. الگوبرداری نادرست و چشم و هم‌چشمی از برنامه خانواده دیگر، باعث کندی و گاهی ناکامی در رسیدن به اهداف خانواده می‌شود.

۶. کارآفرینی

کارآفرینی در واقع فرایند تاسیس یک شغل، بر مبنای یک فکر و یک ایده‌ی نو است. راهبردی برای حل مسئله اشتغال و ایجاد و خلق عرصه‌های نوین در جهت رشد و پویایی و تولید ثروت در جامعه است. اسلام به طور کلی، برای تمامی تلاش‌های انسان، یک جهت کلی تعیین نموده است و آن اینکه انجام آن‌ها، اگرچه مربوط به زندگی مادی و دنیوی انسان‌ها باشد، لازم است در مسیر الهی باشد تا از پاداش اخروی نیز برخوردار گردد. در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام با توجه به اهمیت و فواید کسب و کار (آسایش و آرامش انسان، فقر زدایی و عدم وابستگی به دیگران از جمله کشورهای دیگر، تمدن و اقتصاد شکوفا، جلوگیری از مفاسد، بیدار نمودن روحیه خلاقیت و کارآفرین)، آیات و احادیث بسیار فراوانی در مورد کسب و کار آمده است.

خدای متعال در کتاب آسمانی قرآن، کار و تلاش و کسب معیشت را مکرراً مورد تأکید قرار داده است از آن جمله می‌فرماید:

«پس در زمین پراکنده شوید و از فضل و کرم خداوند روزی طلبید.» (جمعه، ۱۱)

«و ما در زمین برای شما معیشت‌ها قرار دادیم اما اندکی شکرگزار این نعمت هستید.» (اعراف،

۱۰)

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «همانا پاکیزه‌ترین شغل، شغل بازرگانی است، که چون سخنی گویند دروغ نگویند و هرگاه امانتی به آن‌ها سپرده شود، خیانت نکنند و هرگاه وعده دهند، خلف وعده نکنند و وقتی چیزی می‌خرند، از آن نکوهش نکنند و وقتی چیزی می‌فروشند، تعریف و تبلیغ نکنند و وقتی طلبکار باشند (برای گرفتن طلب خود)، فشار نیاورند.» (همان، ج ۱۱، ص ۲۸۷)

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بی‌گمان شما به آشکار ساختن اعمال نیازمندترید تا به آشکار ساختن گفته‌ها (یا شما به انجام درست و صحیح کارها نیازمندترید تا درست و فصیح ادا کردن سخنان» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۵۷)

آیات قرآن درباره کار و کوشش در قلمرو حیات، به قدری فراوان و متنوع است که با کمال صراحت می‌توان گفت: «اسلام دین کار و کوشش است»؛ و در نتیجه اهمیت کسب و کار در زندگی بشر مشخص می‌گردد، انسان با اندیشه و کار خودش، شخصیت خود را می‌سازد، کار و تولید باعث می‌شود که انسان‌ها در آرامش و آسایش زندگی کنند و ریشه هر سعادت‌تی را باید در اندیشه و کار نیک آدمی جست. (نحل، ۱۱۲) و انسان در کنار کار به آرامش می‌رسد، (انعام، ۲۷) و هر جا تحولی در زندگی بشر چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی رخ داده و یا رخ خواهد داد، ریشه در کار و عملکرد جامعه انسانی دارد، در ضمن تلاش و کار نیک که از نگرش نیک و اندیشه سالم تراوش می‌کند فضای مطلوبی را برای رشد و بالندگی اقتصادی و رفاهی مردم فراهم می‌آورد و تمدن‌های بزرگ را ایجاد و بارور می‌سازد. (انسان، ۲۲) و کشورها را از سلطه بیگانگان نجات داده و دست کم، کار و تولید، عامل اصلی فقرزدایی است، حتی اگر انسان نخواهد برای آخرت خویش کاری کند و از فواید کار نیک در آخرت بهره مند گردد. (غاشیه، ۱۶-۸) بنابراین مسلمانان باید حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را الگوی خود قرار داده و برای اداره زندگی خود، و مبارزه با فقر و نداری در جامعه، سخت به کار و تولید و کارآفرینی توجه داشته، کار را عار ندانسته، و در هر شرایطی کار کرده، و با تولید فراوان و کارآفرینی با فقر و نداری مقابله نمایند و شرایط رشد اقتصادی خود و جامعه خود را فراهم آورند.

شاخصه‌های تخصیص درآمد خانواده در سبک زندگی اسلامی

بشر تنها با یاد خدا توجه به قدرت بی پایان او و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف و خودداری از تجمل‌گرایی، مدپرستی و تقلید از الگوهای بیگانه، از اضطراب و نگرانی فراوانی که انسان معاصر در زندگی ماشینی خود به آن مبتلاست، رهایی می‌یابد و به رفاه، آرامش و اطمینان خاطر همراه با عزت، آزادگی و کرامت انسانی

می‌رسد. بی تردید، مدیریت مالی صحیح خانواده تنها با رعایت اعتدال در مصرف، آینده‌نگری و پس انداز در مصرف خانواده، تفکیک نیازها و خواسته‌ها، عدم مصرف‌گرایی و امور معنوی ممکن است.

۱. اعتدال در مصرف

اعتدال از ماده «عدل» و به معنای مساوات و برابر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۷) است. قرآن کریم اعتدال را تکیه‌گاه و نقطه‌ی اتکای معیشت و نیز مایه پایداری و ثبات آن می‌داند. (فرقان، ۶۷) اعتدال حد وسط افراط و تفریط است، به گونه‌ای که در آن اضافه (زائد) و نقصی نباشد. (مصطفوی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۰۹) از این رو، امام رضا علیه السلام در پاسخ به شخصی که از آن حضرت پیرامون شیوه صحیح هزینه‌زدگی در خانه سوال نمود، فرمودند:

«باید مصرف تو به گونه‌ای باشد که بین دو کار ناپسند یعنی اسراف و سخت‌گیری قرار گیرد. سائل پرسید: منظورتان از این سخن چیست؟ ایشان فرمودند: آیا سخن خداوند در قرآن را نشنیده‌ای که اسراف و سخت‌گیری را ناپسند می‌شمارد و می‌فرماید بندگان خدای رحمان کسانی هستند که هرگاه اتفاق کنند نه اسراف کنند و نه سخت‌گیری بلکه میان این دو حد اعتدال قرار می‌گیرند؛ بنابراین در مورد معاش و هزینه‌زدگی اعضای خانواده در خرید و مصرف میانه رو باش.» (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۵)

«خداوند روزی پاک و نعمت‌های خود را برای انسان مباح گردانید و دستور داده تا از آن استفاده نمایند.» (اعراف، ۳۲)

اما در عین حال خروج از حد اعتدال و زیاده‌روی را تجویز نکرده بلکه زیاده‌روی را ممنوع نموده است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثَرُهُمُ الزَّرِيقُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ (انعام، ۱۴۱)

در این آیه پس از اشاره به انواع نعمت‌های الهی از خوراک و پوشاک، باغ‌ها و مزارع استفاده از آن‌ها برای بشر تجویز نموده است، اما در عین حال خروج از اعتدال را ممنوع گردانیده و مرز جواز استفاده از آن‌ها را اعتدال قرار داده است. در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز به تفصیل این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

امام صادق علیه‌السلام به فقیری که نزد حضرت آمده بود چند درهمی داد و سپس فرمود: «تقوای الهی پیشه کن و از افراط و تفریط در امور بپرهیز بلکه راه ثبات و پایداری راه میانی است و مصرف بیش از حد متعادل از موارد اسراف است که خداوند از آن نهی نموده است». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۶)

۲. آینده نگری و پس انداز در مصرف خانواده

مدیریت مالی خانواده در شرایط عادی، باید بر اساس میزان درآمدهای هریک از اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود. در این میان، خانواده‌هایی موفق‌ترند که پس اندازی برای روز مبادا داشته باشند. برابری هزینه‌ها و درآمد نشان می‌دهد خانواده بر اساس شرایط حال تصمیم‌گیری کرده است. حال اگر در معیشت خانواده به پس انداز توجه شود، نشان از آینده‌نگری خانواده دارد. خانواده‌های آینده‌نگر، کمتر دچار مشکلات مالی و اقتصادی می‌شوند و هنگام بروز مشکلات و پیش آمدهای غیرمنتظره درمانده نمی‌شوند. پس انداز بخشی از درآمد قابل تصرف است که در زمان حال مصرف نمی‌شود؛ پس انداز در واقع تأخیر در مصرف است. هر خانواده، مخارج و هزینه‌هایی دارد که اجتناب ناپذیر بوده و تک تک اعضا با آن رو به رو هستند. برخی از این هزینه‌ها به صورت روزانه، بعضی هر ماه یا هر چند ماه یک بار و بعضی هر

سال و یا هر چند سال یک بار مورد نیاز هستند و پاسخ افراد به هر یک از این مخارج، ثابت و قابل پیش بینی نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمانی که به قدر خوراک سال‌شان را آماده نمی‌کردند، ملکی نمی‌خریدند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۹)

از سوی دیگر درآمد هر خانواده به میزان ثابت و گاهی متغیر و به طور متناوب در طی یک زمان مشخص حاصل می‌شود. در این میان لزوم مدیریت مالی رخ می‌نماید تا بتوان بین درآمدها و هزینه‌ها تعادل ایجاد کرد و بودجه خانواده را که برنامه‌ای مالی برای مدت معینی از آینده است، به خوبی پیش بینی نمود والا ممکن است دخل و خرج با هم نسازد. آینده‌نگری، ایجاب می‌کند که خانواده همه درآمد خود را یکجا مصرف نکند؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان بخشی از درآمدش را پس انداز کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴾ گفت: هفت سال پی‌درپی کشت کنید و آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می‌خورید، در خوشه‌اش کنار بگذارید. سپس بعد از آن، هفت سال سخت می‌آید که مردم آنچه را برای‌شان از پیش ذخیره کرده‌اید خواهند خورد جز اندکی که (برای بذر) حفظ می‌کنید». (یوسف، ۴۸-۴۷)

همچنین، در موردی دیگر؛

امام صادق علیه السلام، در پاسخ گروهی از صوفیان- که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند- به پس انداز سلمان، برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه‌ای که مدیریت مالی اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۸)

هر عضو خانواده باید وظیفه و مسئولیت خود را بداند و از مخارج غیر ضروری خودداری و در مقابل وسوسه‌های مصرف مقاومت کند. گفتنی است برای مدیریت مالی هیچ فرمول مشخصی که بتوان برای همه‌ی خانواده‌ها به کار برد، وجود ندارد. باید توجه داشته باشید در بسیاری از موارد خرج کردن بیشتر، موجب افزایش رفاه

خانواده نمی‌شود. اعضای خانواده باید سعی کنند که اوقات بیشتری دور هم باشند و با مصاحبت با یکدیگر رفاه بیشتری برای خود فراهم کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۱۴۷) نکته مهمی که در ادامه باید به آن اشاره کرد این است که یکی از اهداف متعالی برای پس انداز خانواده، در نظر گرفتن پس انداز برای کمک و همیاری دیگران می‌باشد. خانواده، با همکاری هم، از برخی نیازهای خود صرف نظر می‌کنند تا بتوانند با پس انداز درآمد خود، به دیگران هم کمک رسانی کنند و آن‌ها را در مسیر تأمین نیازهایشان توانمندسازی کنند. بر همین اساس نگاه معنوی به پس انداز، در میزان پس انداز خانواده نقش دارد که باید خانواده‌ها آن را جزء اهداف پس انداز خانواده در نظر بگیرند.

۳. تفکیک نیازها و خواسته‌ها

والدین به عنوان مدیران مالی خانواده باید تفاوت بین نیازها و خواسته‌های اعضای خانواده را به خوبی درک کنند تا بتوانند آن را به سایر اعضا نیز منتقل کنند. والدین باید از همان دوران کودکی فرزندان، به روش‌های مختلف، تفاوت بین نیاز و خواسته را برای آن‌ها بازگو کنند. نیازها شامل آن دسته از احتیاجاتی است که برای داشتن یک زندگی معمولی و به عبارت دیگر گذراندن زندگی لازم می‌باشد، ولی خواسته‌ها آن دسته از مایحتاج است که نبود آن در زندگی تاثیر آن‌چنانی ندارد، اما با تهیه آن‌ها، کیفیت زندگی می‌تواند بهتر شود، هر خانواده‌ای ابتدا باید مطمئن شود که توان مالی تهیه نیازهای خود را دارد و سپس اگر پول بیشتری در دسترس بود با برنامه‌ریزی به خواسته‌های اعضای خود رسیدگی کند.

از مباحث اساسی اسلام در اخلاق مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیرواقعی است و این یکی از اساسی‌ترین فرق‌های بین مکتب اقتصادی اسلام با سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از بارزترین مصارف بیهوده و کاذب می‌توان به نیازهای ناشی از خواسته‌های

نفس نام برد که برای لذت‌گرایی است و تامین چنین نیازهایی به صورت اسراف و تبذیر، تجملات بی حد و مرز، مدگرایی و مصرف‌گرایی ناشی از چشم و هم‌چشمی و خودبرتربینی نمود می‌یابد. همچنین نیازهای ناشی از تبلیغات نیز در دسته نیازهای کاذب قرار می‌گیرند و خانواده‌ها را به مصرف‌گرایی و تجملات می‌کشاند که مخالف ارزش‌های اسلامی مانند عدالت خواهی، نوع دوستی، زهد و قناعت است.

نیازهای ناشی از شأن‌های اعتباری نیز در دسته نیازهای کاذب جای می‌گیرند؛ یعنی یک خانواده به خاطر مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به یک صاحب مقام، تلاش کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران قیمت و تجملاتی بداند، بی آن‌که در واقع به آن نیازی داشته باشد. در حالی که موقعیت اجتماعی خانواده، نه تنها توجیه‌کننده تجمل‌گرایی نیست بلکه مسئولیت مضاعفی در لزوم زهد و ساده زیستی بر آن خانواده وارد است.

۴. عدم مصرف‌گرایی

یکی از اصولی که در الگوی مصرف خانواده در اقتصاد اسلامی به آن توجه کرده است، پیروی نکردن از الگوی مصرف بیگانگان است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«جامعه اسلامی تا زمانی که الگوی مصرف بیگانگان را تقلید نکند، در مسیر سعادت و نیک بختی است. ولی آن‌گاه به شیوه بی دینان لباس بپوشد و خوراک خورد، به خواری می‌افتد.» (حکیمی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۳۵)

این گفتار ارزشمند بیانگر آن است که جامعه اسلامی که متشکل از خانواده‌های افراد مسلمان است، باید برنامه مصرف را بر محصولات تولیدی داخلی متمرکز کند. اما امروزه مصرف کالا و دستاوردهای بیگانه و ترجیح دادن آن بر فرآورده‌های داخلی از مشکلات بخش مصرف به شمار می‌آید و همانند یک بیماری، فراگیر شده است.

بسیاری از خانواده‌ها در خرید کالاهای بیگانه حتی بی‌کیفیت با یکدیگر رقابت می‌کنند. این گونه خرید، از کوچک‌ترین وسایل زینتی، آرایشی تا بزرگ‌ترین لوازم خانگی را دربر می‌گیرد. بازار گرم کالاهای خارجی در جامعه موجب می‌شود که عده‌ای حتی به کارهای غیر قانونی و قاچاق این کالاها به جامعه روی آورند.

مصرف‌گرایی، اصالت به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی است. (سیدی نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱) در جامعه غربی بعد از آن که کشورهای صنعتی توانستند به توانایی بی‌سابقه‌ای در تولید کالاها دست پیدا کنند، مصرف در نظریات اقتصادی به عنوان موتور محرک اقتصاد مطرح گردید. (صادقی و غفاری، ۱۳۸۸، ص ۷۲-۷۱)

باید دانست که با روند مصرف‌گرایی فعلی در جامعه، خانواده‌ها نه تنها به آرامش نمی‌رسند، بلکه چون همواره در حال کسب درآمد و خرج کردن هستند وقت کافی برای لذت بردن از زندگی را ندارند، پس در نتیجه آرامش خود را نیز از دست می‌دهند. خانواده‌هایی که همیشه گرایش به استفاده از امکانات لوکس و به روز دارند و تابع مد هستند و می‌خواهند همیشه در نظر دیگران ثروتمند جلوه کنند، از جمله عوامل اختلال در معیشت جامعه به شمار می‌آیند. این خانواده‌ها فرهنگ مصرف‌گرایی را رواج می‌دهند و نابسامانی‌هایی در جامعه ایجاد می‌کنند. قرآن این گروه افراد را «مترف» می‌خواند که گرایش به کفر داشته و مقابل پیامبران می‌ایستادند و راه حق را مسدود کرده و باعث گمراهی خود و دیگران می‌شدند و منجر به عذاب دنیا و آخرت برای خود و جامعه می‌شدند. (سبأ ۳۴، اسراء ۱۶، مومنون ۳۳، واقعه ۴۵) همچنین برخی افراد نیز با روی آوردن به اسراف و چشم و هم‌چشمی آرامش را از زندگی خود سلب می‌کردند.

برای مقابله با فرهنگ مصرفی و مصرف‌زدگی باید ریشه‌های این بیماری را شناخت و به معالجه اساسی آن پرداخت. اصلاح مصرف از زوایا و ابعاد گوناگون قابل بررسی است و تحقق آن نیازمند ساز و کارها و بسترهای لازم خود می‌باشد. افراد هر

جامعه در انتخاب راه و رسم زندگی و شیوه‌های عملی آن از عواملی تأثیر می‌پذیرند. در این میان نقش والدین، معلمان، و رهبران سیاسی مذهبی، برجسته و چشمگیر است. کودکان در خانواده، دانش آموزان در مدارس بیشترین تأثیرپذیری را از والدین و معلمان خود دارند. آموزه‌های اسلام به شدت، الگوپذیری از بیگانگان را مورد سرزنش قرار داده است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«کسی که در لباس، پوشاک و شکل ظاهر از دشمنان اسلام تقلید کند، مانند آنان، دشمن خدا خواهد بود.» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۷۲)

از آنجا که غالب مردم الگوی عملی و رفتاری خود را از شیوه زندگی بزرگان، رهبران و مسئولان کشور خود اتخاذ می‌کنند، نقش رسانه‌ها، به ویژه رسانه ملی و متون درسی دانش آموزان در معرفی الگوهای برتر بیش از پیش آشکار می‌گردد. رهبران مذهبی و بزرگان دین همواره در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا با پیروی از پیشوایان معصوم علیهم السلام ساده زیست بوده و با انتخاب شیوه صحیح و منطقی در زندگی، برای جامعه اسلامی و مردم مسلمان الگو باشند. (خلیلیان، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

۴. امور معنوی

برنامه‌ریزی مدیریتی خانواده نباید به گونه‌ای باشد که امور معنوی نادیده گرفته شود. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«بزرگترین کم توجهی سرگرمی انسان است به چیزی که در سرای آخرت همراه او نیست.» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۴، ص ۲۵)

منظور این است که نباید امور معنوی در اثر توجه بیش از حد به نیازهای مادی، به فراموشی سپرده شود، بلکه باید هر کدام در جایگاه خود قرار گیرد. دلیل این مطلب سخن امیر المومنین علیه السلام است که با دیدن منزل وسیع یکی از اصحابش فرمود:

« این خانه بزرگ در دنیا چه فایده‌ای برایت دارد با اینکه در آخرت، نیازت به آن بیشتر باشد؛ آری، اگر می‌خواهی که با آن به آخرت رسی، باید که در آن میهمان را پذیرایی کنی، صله

رحم نمایی و حقوقی را که از آن خانه بر گردن داری، به مستحقانش رسانی.» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۰۰)

بر اساس آموزه‌های اسلامی خانواده مسلمان در تخصیص درآمدها و هزینه‌ها سهمی را نیز به تأمین نیازهای معنوی و اخروی خود اختصاص می‌دهد؛ چرا که هدف نهایی از مصرف، قرب به حق و نیل به سعادت و کمال مادی و معنوی و فرجام نیک اخروی است. روشن است که تأمین بخشی از نیازهای معنوی در گرو صرف مال و هزینه کردن است. درباره توجه به امور معنوی در تخصیص درآمد، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«لینفق الرجل بالتصد بلغه الکفاف و یقدم منه فضلا لآخرته؛ مرد باید با میانه روی و تا حد کفاف، هزینه نماید و افزون مالش را برای آخرتش پیش فرستد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲)

خانواده اسلامی بخشی از درآمد خود را صرف امور معنوی خود می‌کند؛ به عنوان مثال، انفاق یکی از نکاتی است که انسان مسلمان در هنگام برنامه‌ریزی اقتصادی برای خانواده خود باید آن را لحاظ کند. در سبک زندگی اسلامی انسان نسبت به اطرافیان خود مسئول است و باید به ترتیب قرابت و نزدیکی، نسبت به وضعیت اقتصادی آنها توجه داشته باشد. البته در این جا هم تدبیر نیاز است و نباید زیاده‌روی کرد به گونه‌ای که تکلیف انسان در مورد خانواده خود مورد خلل قرار گیرد؛ به روایت تکان‌دهنده زیر توجه کنید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «پنج خرما، یا پنج گرده نان، یا چند دینار، یا درهم که آدمی بدست می‌آورد و می‌خواهد آن‌ها را خرج کند، شایسته‌ترین افراد [به ترتیب] پدر و مادرند، و گروه دوم خود و عائله‌اش می‌باشد، و سوم خویشان و برادران (هم‌کیشان) مؤمن او می‌باشند، و چهارم بر همسایگان فقیر، و پنجم در راه خدا (جهاد) خرج کند؛ که اجرش از همه کمتر است. و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن مرد انصاری- که هنگام مرگ تمام دارائی خود را که پنج یا شش برده بوده آزاد نمود، در حالی که فرزندان کوچک داشت، فرمود: اگر پیش از دفن مرا از کارش باخبر

ساخته بودید، اجازه نمی‌دادم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید! کودکانی خردسال را وانهاده تا از مردم گدائی کند.» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۸)

در روایت فوق هم اولویت‌ها بیان شده است و هم جلوگیری از اسراف در بخشش؛ پس در این بخش نیز نباید دقت در عمل را فراموش نمود. از مجموع نکات گذشته این‌گونه بر می‌آید، که خانواده‌ای را می‌توان به مثابه خانواده‌های اسلامی دانست که خانواده، امر معاش خود را از حلال کسب می‌کند و با در نظر گرفتن اولویت‌ها، بدون بخل و اسراف، برای خانواده خرج می‌کند و با لحاظ آینده نگری، بخشی را در امور معنوی همچون انفاق صرف می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بر اساس شاخصه‌های مدیریت مالی در جوامع امروزی و به دلیل ناآگاهی، روز به روز خانواده‌ها از شاخصه‌های صحیح مدیریت مالی اسلامی دورتر می‌شوند. به گونه‌ای که شاهد بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه هستیم و می‌توانیم این نارسایی‌ها را در دو حوزه کسب درآمد خانواده و تخصیص درآمد خانواده مشاهده نمود. در شاخصه‌های کسب درآمد اسلام، خانواده باید به دنبال کسب روزی حلال باشد. ولی در خانواده و جامعه امروزی به دلیل اینکه هدف افزایش درآمد خانواده است، به دنبال هر نوع کسبی از قبیل کسب درآمد حرام می‌باشند. از عواملی که باعث روی آوردن اعضای خانواده به کسب درآمد حرام می‌شود، عواملی از قبیل فقدان روحیه کارآفرینی و فقدان آموزش‌های دینی و علمی در مورد فعالیت‌های اقتصادی خانواده می‌باشد که این عوامل منجر به ناهنجاری‌هایی در زمینه کسب درآمد حلال خانواده می‌شود. در شاخصه‌های تخصیص درآمد خانواده، باید نابسامانی‌ها را در چهار بخش پس انداز، تفکیک نیازها و خواسته‌ها، مصرف و انفاق مورد بررسی قرار داد. شاخصه‌های صحیح مدیریت مالی خانواده مسلمان، تنها با یاد خدا و توجه به قدرت بی پایان او و پرهیز از

افراط و تفریط در مصرف و خودداری از تجمل‌گرایی، مدپرستی و تقلید از الگوهای بیگانه امکان‌پذیر است، از این رو انسان با شناخت این شاخصه‌ها از اضطراب و نگرانی فراوانی که خانواده‌های امروزی در زندگی ماشینی خود به آن مبتلا هستند، رهایی می‌یابد و به رفاه، آرامش، اطمینان خاطر همراه با عزت، آزادگی و کرامت انسانی می‌رسد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. بانکی پور فرد، امیر حسین، (۱۳۹۳)، *عیش و معاش؛ زندگی گوارا در پرتو اقتصاد اسلامی*، اصفهان: حدیث راه عشق.
۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، قم: طلوع مهر.
۳. تمیمی آمدی، عبدالوحد، (۱۴۱۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴. جداری عالی، محمد و میرمعزی، حسین، (۱۳۹۱)، *مدل اسلامی اخلاق مصرف*، اقتصاد اسلامی، ش ۶۶.
۵. حرانی، حسن بن علی بن شبعه، (۱۴۰۴) *تحف العقول*، موسسه نشر اسلامی، قم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت.
۷. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۶۷) *الحیاه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
۸. خلیلیان، محمد جمال، (۱۳۸۹)، *مبانی مصرف جامعه اسلامی و راهکارهای اصلاح آن*، تهران: معرفت اقتصادی، ش ۲.
۹. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
۱۰. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۹)، *الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی*، تهران: چاپخش.
۱۱. رضائیان، علی، (۱۳۹۵)، *اصول مدیریت*، تهران: سمت، نوبت اول.

۱۲. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۲۰۵)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: مجمع اللغه العربیه .
۱۳. سیدی نیا، اکبر، (۱۳۸۸)، *مصرف و مصرف گرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی*، تهران: اقتصاد اسلامی.
۱۴. صادقی و غفاری، (۱۳۸۸)، *نقش الگوی مصرف در اقتصاد تولیدگرا*، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۲۹ و ۳۰.
۱۵. صدوق، (۱۴۰۳)، *من لایحضر الفقیه*، قم: جامعه المدرسین.
۱۶. -----، (۱۴۱۴) *الامالی*، قم: دارالثقافه.
۱۷. طباطبایی بروجردی، (۱۳۹۹)، *حسن، جامع الاحادیث*، قم: مطبوعه العلمیه.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۷) *المیزان*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۷) *مجمع البحرین*، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه .
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰) *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. فصیحی، امان الله و شریف الدین، (۱۳۹۴) *سید حسین، شاخص های سبک زندگی اسلامی*، قم: موسسه امام خمینی رحمته.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. محمدی ری شهری، (۱۳۸۱)، *محمد، میزان الحکمه*، قم: دارالحديث.
۲۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۹۱) *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۴۸.

بررسی عوامل تضعیف اقتدار مرد و ارائه راهکارهای تحکیم آن

فهیمة نجف پورا^۱

چکیده

خانواده، هسته اصلی و کوچکترین سازمان جامعه است و در تعیین سرنوشت انسان‌ها نقش منحصر به فردی دارد. مهم‌ترین نیاز خانواده در جهت ایفای این نقش، وجود مدیری مسئول و متعهد است. به همین جهت اسلام، درباره مدیریت خانواده، موضع‌گیری دقیق و روشنی دارد و بنا بر ویژگی‌های جسمی و روحی زن و مرد، خداوند «مرد» را به عنوان سرپرست خانواده معرفی می‌کند. مردی که برای ایجاد انسجام و موفقیت در اداره امور خانواده، باید صاحب «اقتدار» باشد. اما مشکلی که امروزه در خانواده‌ها به چشم می‌خورد تضعیف اقتدار مرد است. این پژوهش حاضر، با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف ارائه راهکارهایی در جهت پیشگیری از این معضل، به نگارش درآمده است. طبق بررسی‌های انجام شده، نفوذ سبک زندگی غربی، بحران خانواده، برابری زن و مرد، اشتغال و استقلال زن و بداخلاقی زن، برخی از مهمترین عوامل تضعیف اقتدار مرد به شمار می‌آید. اگر اقتدار مرد در خانواده خدشه دار شود، پیامدهای جبران‌ناپذیری مانند خیانت، ناکارآمدی خانواده و طلاق را به دنبال دارد. اما برای تحکیم اقتدار مرد می‌توان راه‌کارهایی به کار بست؛ برای مثال اینکه خانواده‌ها متوجه تفاوت مبنایی سبک زندگی اسلامی با غربی باشند و از هر سبک غربی الگوگیری نکنند و همچنین رعایت اخلاق توسط مرد در عین اینکه صاحب اقتدار است، می‌تواند در تقویت اقتدارش مؤثر باشد.

کلید واژه‌ها: اقتدار مرد، قوامیت، زن، خانواده، فمینیسم.

^۱ همکار پژوهش سطح دو مدرسه آیت‌الله ایروانی رحمته، رشته کلام اسلامی.

مقدمه

تأمین آرامش در زندگی نیاز به تحقق عواملی دارد که یکی از اساسی ترین آنها وجود «اقتدار» برای مرد است. رعایت سلسله مراتب قدرت در خانواده، موجب آرامش بخشی و حفظ انسجام و یکپارچگی خانواده می شود. اگر اقتدار، همزمان به زن و مرد واگذار شود و هر دو با هم مسئول باشند، تزاخم و برخورد و جدایی در پی خواهد داشت و آرامش خانواده به مخاطره می افتد. بنابراین لازم است یکی از آن دو صاحب اقتدار باشد. اسلام برخلاف سایر مدل‌های رایج در جهان غرب، درباره مدیریت خانواده، موضع گیری دقیق و روشنی دارد و از آن به «قومیت و سرپرستی و اقتدار» یاد می کند و آن را به عهده مرد قرار می دهد. اما امروزه تصمیم گیری درباره این که آیا زن باید در خانواده حرف آخر را بزند یا مرد، باعث ایجاد جنگ قدرت در بعضی خانواده ها شده است. در خانواده های بالنده، مرد باید در جایگاه خود و نقش هایی که به وی قدرت می دهد ایفای وظیفه کند، چون مردها به احساس اقتدار نیاز دارند، همان گونه که خانم ها به مهر و محبت نیاز دارند. حال اگر نقش اقتدار از مرد سلب شود و در اختیار زن قرار گیرد، نتیجه این جابجایی نقش ها، که متناسب با فطرت مرد و زن نیست، مشکلات جدی در کارکرد خانواده ایجاد خواهد کرد که برای پیشگیری از آن، لازم است زن نقش پررنگ تری در اقتدار بخشی به مرد داشته باشد. بشر در عصر حاضر با بحران فروپاشی خانواده مواجه است. این بحران، در فرهنگ غرب و نوع نگاهش به زن و خانواده ریشه دارد. نفوذ نگرش های فمینیستی غربی در خانواده های ایرانی باعث شده جایگاه مرد در خانواده ها متزلزل شده و بحران فروپاشی خانواده نیز در حال افزایش قرار گیرد. بنابراین بررسی علل این بحران و پیشگیری از گسترش آن امری ضروری است.

در این پژوهش برای جمع آوری مطالب از روش اسنادی و کتابخانه ای و در تبیین مباحث، روش توصیفی - تحلیلی بکار گرفته شده است. در رابطه با این موضوع هیچ پژوهش مستقلی انجام نشده است، اما پیرامون مسئله «اقتدار» به طور کلی آثار متعددی وجود دارد علی رغم تحقیقات متعدد پیرامون مسئله اقتدار، به نظر می رسد پژوهشی وجود ندارد که عوامل تضعیف اقتدار مرد و راهکارهایی آن را مورد بررسی قرار داده باشد. از این رو مقاله حاضر در واکاوی این مسئله، ابتدا به بررسی مفهوم اقتدار و اهمیت آن و سپس به بیان عوامل تضعیف اقتدار مرد و راهکارهایی آن را در این زمینه می پردازد.

۱. مفهوم شناسی اقتدار و قوام

اهل لغت اقتدار را به همان معنای «قدرت و توانایی داشتن» دانسته اند، لکن با مبالغه ای افزون تر. (ابن منظور، ج ۵، ص ۷۴) درباره قوامیت توضیح مختصری داده می شود. «قوام» در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال و ولایت امر آمده راغب اصفهانی در المفردات می نویسد: «قوام اسم است برای آنچه که سبب ثبات چیزی می شود؛ مانند عماد و سناد که نام وسیله پایداری و استحکام است». (راغب اصفهانی، ص ۶۹۰) اما در اصطلاح علّامه طباطبائی می فرماید: «کلمه «قیم» به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است، و کلمه «قوام» مبالغه در همین قیام است». (طباطبائی، ج ۴، ص ۳۴۳ و ص ۵۴۲)

۲. عوامل تضعیف اقتدار مرد

۲.۱. نفوذ اندیشه های غربی در زندگی اسلامی

از جمله مسائلی که از سبک زندگی غربی وارد سبک زندگی ایرانی اسلامی شد، دیدگاه غرب نسبت به خانواده بود. در انقلاب صنعتی، ارزش های گذشته، به ویژه در

زمینه روابط، و از جمله نهادهایی که در سایه این تحوّل بزرگ دگرگون گردیدند، نهاد خانواده بود. (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۹) هر قدر جوامع فرایند صنعتی شدن را بیشتر سپری کرده باشند، با بحران خانواده بیشتر درگیر خواهند شد؛ زیرا جهان صنعتی شده وضعیتی برای این جوامع پیش می‌آورد که ابتدا خانواده موقعیت حداقلی پیدا کرده، به تدریج، با بحران معناداری مواجه می‌شود. اما نقطه عطف بحران خانواده در دنیای امروز، از دست رفتن ارزش های ذاتی خانواده است. خانواده در جوامع غیرصنعتی، مسئولیت های چندگانه ای داشته است؛ مراقبت از نوزادان، تربیت و نگه داری فرزندان و نگه داری سالمندان، از جمله مسئولیت های خانواده بود و زن به عنوان مادر خانواده، مسئولیت تمام این امور را به دوش می کشید. اما با صنعتی و نهادینه شدن اصل تقسیم کار، بسیاری از این وظایف به نهادهای صنعتی، خدماتی، بهداشتی و آموزشی، که مستقل از خانواده عمل می کنند، سپرده شده است. با بحرانی شدن موقعیت خانواده در جهان نوسازی شده بیشترین زیان آن متوجه زنان گردیده است؛ زیرا حتی در خانواده هایی که زن منزلتی نداشت، عملاً به عنوان مادر خانواده، از نقش محوری برخوردار بود؛ اما با ویران شدن جایگاه خانواده در دنیای نوین، چنین نقشی از زنان گرفته شده است. در این زمینه برای نجات زنان و مشکلاتی که زنان با آن مواجه بودند، نهضت فمینیسم شکل گرفت. در این میان فمینیسم به عنوان مکتب فکری بشری، که ریشه در بنیان‌های فکری و فلسفی عصر روشنگری دارد، به زنان توصیه می‌کرد از ازدواج بپرهیزند و زندگی منهای مردان لذت ببرند و اینکه علوم و ایدئولوژی ها هم مرد سالارانه اند، و زن ها باید با فکر زنانه شان از نو علم، منطق و فلسفه بنویسند و مردها هم به زن ها احتیاج دارند. (ویلفورد، ۱۳۸۰، ص ۳۶)

از این رو، فمینیست ها نهاد خانواده و ازدواج را آماج حمله های بی امان خود قرار داده و با عناوینی زشت از آن یاد می کنند. نهاد خانواده برای آنها ارزش نیست و فقط محدودکننده حق جنسی زن است؛ زیرا از دیدگاه آنان، آزادی جنسی زنان، حق

دسترسی آنها به ارتباطات آزاد جنسی است و ازدواج تا جایی برای آنان قابل پذیرش است که آزادی های جنسی شان را محدود نکرده باشد.

تلاش فمینیسم این است که نقش هایی همچون مادری و همسری، که در طول تاریخ از طبیعی ترین نقش های زن در کانون خانواده بوده را نفی کرده، آنها را مهم ترین عامل اعمال ستم از سوی مردان با نظام پدرسالاری جلوه دهد. (مگی هام، ۱۳۸۲، ص ۴۰۱-۴۰۲) در این دیدگاه، تجربیات زنان از مادری و زندگی خانوادگی نشان داده است که خانواده، بستری مناسب برای مناسبات سلطه است که می تواند به برخورد، خشونت و توزیع غیرمنصفانه کار و منابع بینجامد. (آبرت، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵) چنین سلطه ای باید از اساس برچیده شود. بنابراین شاید بتوان گفت فمینیست ها عمدتاً با نهاد خانواده ضدیت ندارند، بلکه با نوع خانواده «مرد سالار» ضدیت دارند و به جای آن بر «خانواده دموکراتیک» تأکید می کنند، تنها در معدودی از شاخه های فرعی گفتمان فمینیستی است که از «ضدیت با خانواده» سخن می رود، ظریف این که گرایش افراطی فمینیستی در کشورهای غربی هم نتوانسته است خود را در اندازه یک جنبش اجتماعی و سراسری ارتقاء دهد. (جلالی پور، ۱۳۸۲، ص ۶)

۲.۲. تفکر برابری زن و مرد

عامل دیگر تضعیف اقتدار مرد، برابری کامل حقوق زن و مرد است. مراد از «برابری» این است که همه در برابر قانون، حقوق برابر دارند و حق دارند از آزادی مدنی برخوردار شوند. هیچ قانونی نباید به برخی امتیازات خاصی بدهد و بر برخی تبعیض های خاصی تحمیل کند. (جان سالوین، ۱۳۸۰، ص ۴-۵)

دیدگاه فمینیسم این است که زنان در جامعه در موقعیت نابرابری نسبت به مردان واقع شده اند و نسبت به مردان، دسترسی کمتری به منابع مالی، پایگاه اجتماعی، قدرت و فرصت ها برای خودشکوفایی در اجتماع دارند و این نابرابری، نتیجه سازمان دهی جامعه است، نه اینکه منشأ بیولوژیکی یا تفاوت های شخصیتی بین زنان و مردان

داشته باشد. در حوزه خانواده نیز فمینیست ها معتقدند که اساس خانواده به سوی برابری و تقارن نرفته است. بنابراین خانواده مکانی نابرابری است؛ جایی که زنان مطیع هستند و نقش های آنان از پیش تعیین شده است. (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲، ص ۲۷-۶۷)

در این مکتب، انسان موجودی است «آزاد آزاد»، نه «آزادِ مسئول». مبتنی بر این تلقی، آزادی یعنی مجاز بودن هر نوع اراده و هر نوع انتخاب. از سوی دیگر، اصل دیگری وجود دارد تحت عنوان «یکی شدن با مردان» که اصلی است حامل یک پیام تحقیرکننده؛ یعنی زن حیثیتی فرعی است و مرد حیثیتی اصلی؛ پس شایسته است زن مثل مرد شود و آن که باید تغییر کند و تحت عنوان برابری، همچون دیگری شود، زن است، نه مرد. پس آزادی، تنها راه رسیدن به این برابری است. بنابراین اصل «برابری» نباید توسط هیچ نیرو و اراده ای محدود گردد، خواه اراده عواطف مادرانه و یا خصایص زنانه و یا هر نوع باید اخلاقی و یا قرارداد اجتماعی. طبق این دیدگاه، به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید بکلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند؛ چرا که اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می دهند تا در خانه بمانند. (آقابابایی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰)

بر مبنای دو اصل «فردگرایی» و «تساوی مطلق میان زن و مرد»، راهبرد اصلی در چنین نگرشی در بُعد اقتصادی زندگی زنان، «برابری اقتصادی زنان با مردان» است و تنها روش دستیابی به آن، «کسب درآمد توسط زن به واسطه‌ی اشتغال تمام‌وقت در خارج از خانه» خواهد بود. از نظر فمینیست‌ها، زن و شوهر باید مانند دو هم‌اتاقی هم‌جنس زندگی کنند و آنچه مسلم است اینکه باید هر یک از آن دو با کسب شغل مناسب، استقلال اقتصادی خود را حفظ کنند. (گراگلیا، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۸) در حالی

که در رویکرد دینی درآمذزایی برای تأمین مخارج خانواده، وظیفه ی مرد است. در برابر، در نکوهش زنان آخر آمده است: «در آن روزگار دگرگونی های در سبک زندگی مردم پدید می آید که زنان بر شوهران خود انفاق می کنند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۸) این برابری، که یکی از محورهای اصلی آن جابجایی نقش هاست مطلوب شریعت نیست، جابجایی نقش ها خود می تواند سبب ایجاد و استمرار بحران در هویت های مردانه و زنانه شود. دلیل این امر نیز روشن است؛ زیرا اگر بین جنس و نقش رابطه طبیعی و تکوینی برقرار باشد، ایفای نقش مردانه برای زنانه، و همچنین عکس این حالت، موجب می شود که آنان در خلاف جهت فطرت خود حرکت کنند، و این نیز بر خود پنداره آنها به منزله یک جنس اثرگذار است و این بحران، دامن گیر خانواده نیز می شود. (زیبای نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳)

۲.۳. استقلال مالی زن

کسب استقلال اقتصادی و برخورداری از حقوق مالکیت، ارث و در یک کلام تساوی حقوقی، یکی از مهم ترین دستاوردهای سبک زندگی غربی محسوب می شود. (سیدل، ۱۳۷۷، ص ۶۷) تحولات ایجاد شده در این سبک، تاثیراتی در ناحیه ساختاری و در بعد کارکرد خانواده در خانواده و جامعه اسلامی داشت. در بعد ساختاری، تغییر خانواده از گسترده به هسته ای، افزایش خانواده های تک والد، افزایش خانواده های یک نفره، بالارفتن سن ازدواج و اشتغال زنان و... نمونه ای از این تاثیرات است که همه عواملی در جهت «تضعیف اقتدار مرد» می باشد. (چیل، ۱۳۸۸، ص ۲۷)

وقتی زنان در مسیر اشتغال خود، به امور دیگر زندگی کم توجه شوند، این اشتغال، هویت آنان را رقم می زند، چرا که با آن می توانند خود را به قله ی کمال ترسیم شده در نظام سرمایه داری، یعنی مشارکت در تولید ثروت برسانند و اینجا دیگر نسبت ها، بر اساس اشتغال سنجیده می شود، نه ارزش های حقیقی، و تحولاتی

در ساختار خانواده و نقش‌های زن رخ می‌دهد و زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زن فراهم می‌شود. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷)

تأثیری که اشتغال زنان در تضعیف اقتدار مرد دارد این است که امروزه به موجب مشارکت زنان و کنترل آنها بر منافع اقتصادی خانواده، ساختار خانواده و نحوه توزیع قدرت و اعمال قدرت که متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده می‌شود تغییر یافته است. (کارلوسون و لن اسپری، ۱۳۷۸، ص ۶۳) بنابراین یکی از آسیب‌های اشتغال زنان که به سست شدن کانون خانواده منجر می‌شود، «تضعیف اقتدار مرد» می‌باشد. زن خود را در جایگاه ایده پردازی می‌بیند و می‌خواهد در تمام امور نظر بدهد و در تصمیم‌گیری‌ها مستقیماً نقش داشته باشد، اینگونه جایگاه و اقتدار مرد، متزلزل می‌شود. اما همانگونه که هر گروهی نیاز به رهبر و رئیس دارد، در خانواده هم اگر رئیس نباشد، و زن در اداره امور خانه خود را در مقابل مرد بداند، و حق دخالت به خود بدهد، این مسئله روابط خانوادگی را متلاطم می‌سازد. (علی اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲۱)

مهمترین تاثیر اشتغال زنان در تضعیف اقتدار مرد، به دلیل تغییر محور اقتصادی است. اشتغال زنان دو مسئله‌ی تأمین مخارج خانواده و وابستگی اقتصادی زن به مرد را دچار چالش می‌کند. اگر درآمد اقتصادی زنان در بودجه خانواده در نظر گرفته شود، به طور قهری مفاهیم حقوقی ناظر به اداره و سرپرستی خانواده به چالش کشیده خواهد شد. در این فرض، هم قدرت چانه زنی زنان بالا می‌رود؛ زیرا بخش مهمی از سلطه و قدرت رهبری مردان بر مبنای نان آوری است. روشن است که نظریه فمینیستی با تشویق زنان به تصاحب بازار کار با الگوی سنتی اقتدار بر خانواده مبارزه کرده است. (زیبای نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸ - ۲۴۰)

بنابراین می‌توان گفت اشتغال زنان بیشتر با نیت اقتدار صورت می‌گیرد نه به هدف بهبود وضع اجتماعی. بدین ترتیب زنان شاغل، روحیه مُنعطف و مهربان خود را از دست داده، روحیه خشن مدیریتی پیدا می‌کنند و این مسئله موجب کشمکش می‌شود.

(صدیق اورعی، بی تا، ص ۱۶) در حالی که پیش از این، زن کار نمی‌کرد و درآمدی نداشت و قهرا وابسته به مرد بود. این وابستگی، به تحکیم اقتدار مرد و تثبیت خانواده مشترک کمک می‌کرد.

۲،۴. خود رای بودن زن

ابراز رأی و اندیشه مخالف و تحمل آن در محفل‌های علمی و در صحنه‌های سیاسی یا اجتماعی، بسیار مهم و ارزشمند و برای زن و مرد لازم است؛ اما در زندگی زناشویی این گونه مخالفت‌ها از سوی زن شایسته نیست و اقتدار مرد را می‌شکند. رد کردن نظر مرد و جدال با وی این پیام را به او می‌دهد که پایه‌های اقتدارش شکسته است و نمی‌تواند تکیه‌گاه خوبی باشد. اگر مرد با زنش مقابله می‌کند هدفش حفظ و بازیابی اقتدار است موضوع برای او مهم نیست و تنها انگیزه‌اش این است که اجازه ندهد پایه‌هایش فرو ریزد پس در این گونه موارد، زن با مرد همراه شود و اگر نظرش اشتباه بود، ترمیمش کند. (دهنوی، ۱۳۹۲، ص ۷۸ و ۷۷)

در بسیاری موارد مرد اشتغال زن و استقلال مالی او را به این معنا می‌داند که در بخش مادیات همسرش به او نیازی ندارد و تکیه‌گاه زنش نیست. این مساله مرد را می‌رنجاند؛ به ویژه اگر خانم به زبان بیاور و بگوید من به تو نیازی ندارم در آمد به اقتصاد و رفاه خانواده کمک می‌کند؛ اما با وجود این واقعیت بسیاری از مردان از اشتغال همسرشان خرسند نیستند زیرا نگرانند به اقتدارشان لطمه وارد شود. از سوی دیگر ممکن است زن بدون توجه به محیط خانواده، همان فرمان‌های محل کار را در منزل نیز صادر کند که این هم برای مرد خوشایند نیست پس اگر زن به کار بیرون از منزل مایل است باید با مهارت‌های رفتاری آشنا باشد و آن‌ها را به کار بندد و بدون منت و احساس قدرت، به وضع اقتصادی خانواده کمک و نقش تکیه‌گاهی همسرش را نیز حفظ کند. (دهنوی، ۱۳۹۰، ص ۸۰ و ۸۱)

۳. راهکارهای تحکیم اقتدار مرد

۳,۱. توجه به تفاوت مبنایی سبک زندگی اسلامی با غربی

از آنجا که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات جامعه‌ی امروزی ما، نفوذ سبک زندگی غربی است؛ اولین راهکار مؤثر این است که به تفاوت‌های مبنایی سبک زندگی اسلامی با غربی توجه شود؛ سبک زندگی، ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی است که به گروه، احساس هویت جمعی می‌بخشد. (توسلی، ۱۳۷۳، ص ۶۲)

در هستی‌شناسی غیر دینی، «انسان» محور هستی است. انسان نیز محور و موضوع مقولاتی از جمله دین، علم، عقل، معرفت، اخلاق، هنر، سیاست، مدیریت، جامعه، تاریخ، حکومت و مفاهیمی از این دست می‌باشد. از این‌رو، تمامی نظام‌های فکری و فلسفی در طول تاریخ، به انسان و شناسایی او عنایت داشته‌اند (نصری، بی تا، ص ۲) بنابراین جامعه غیردینی، نوعی سبک زندگی را با مبنای فکری سکولاریستی، اومانیستی، لیبرالیستی و فمینیستی و... پدید آورده است و از آنجا که اساساً به نفی حضور و حیات دین، به عنوان یک امر کلیدی و مرکز ثقل می‌اندیشد، بنای سبک زندگی را بر پایه مؤلفه‌های سکولار نهاده و به دنبال این است که پدیده‌ی مدرنیته را به عنوان شاخصه‌ی سبک زندگی غربی - بر جوامع اسلامی به طور نا آگاهانه توسعه دهد تا در پی آن، با نشر مبنای فرهنگ غربی در کشورهای اسلامی، سبک زندگی اسلامی را به نابودی کشانده و آنها را تحت سیطره خویش درآورد.

در حالی که خاستگاه اصلی سبک زندگی دینی، تحکیم مبنای اعتقادی و معرفت دینی است که اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی جامعه از آن سرچشمه می‌گیرد. گرچه سبک زندگی اسلامی بیشتر به جنبه عینی و رفتاری افراد می‌پردازد، اما نقش اصلی را مبنای اعتقادی و باورهای دینی افراد ایفا می‌کنند، چرا که نمی‌توان هیچ رفتاری را با قطع نظر از انگیزه‌ها، نیت‌ها و مبنای معرفت‌شناختی فرد به اسلامی یا غیر اسلامی بودن آن متصف ساخت. بنابراین می‌توان گفت موضوع اصلی سبک

زندگی اسلامی، ایمان و مبانی معرفتی دین مبین اسلام است که گرایش‌ها، باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان از آن نشأت می‌گیرد. از اینجا تفاوت مبنایی سبک زندگی دینی و غیر دینی به دست می‌آید: اینکه سبک زندگی در جامعه دینی برگرفته از اندیشه توحیدی است و نظام عملی زندگی نیز مبتنی بر شریعت می‌باشد، اما در سبک غیر دینی، فرهنگ زندگی برگرفته از نظریه‌های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه است. (علی اکبری، ۱۳۹۳، ص ۷۴)

نوع نگاه غرب به مفاهیم کلیدی در مسائل اخلاقی و تربیتی بسیار متفاوت با دیدگاه اسلام است. تعریف این مفاهیم از سوی کسی که به وحی اعتقادی ندارد، نمی‌تواند با نگاه وحیانی و دینی تطبیق داشته باشد. خوشبختی، بدبختی، عزت، ذلت، شخصیت، رفاه، وظیفه، حق و... همه از مفاهیم کلیدی ای هستند که نگاه غربی و دینی، دو تعریف متفاوت از آن ارائه می‌دهند (عباسی ولدی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۴۹)

سبک زندگی ایرانی - اسلامی، با آموزه‌های قرآن کریم پیوند دارد. قرآن کریم در مواردی اشاره به برابری زن و مرد نموده است؛ از جمله در آیه ۹۷ سوره نحل که فرموده:

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ

بِاَحْسَنِّ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ﴾؛ هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن

باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر

از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.

در این آیه زن و مرد برابر دانسته شده‌اند؛ چرا که در محضر خدا و در مقام قرب او، (که هدف عالی زندگی است) ایمان و عمل مهم است و اینکه هر انسانی (چه زن، چه مرد) در هر جایگاهی که قرار دارد به وظایف خویش عمل کند. این شیوه، سبک زندگی ایده آل قرآنی است که منزه از هر افراط و تفریط، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی

که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۹۴)

۳،۲. رعایت معاشرت نیکو توسط مرد

همانگونه که قرآن در جهت استحکام خانواده، آیاتی را به اثبات «اقتدار» مرد اختصاص داده، در آیات دیگری هم مرد را ملتزم به رعایت نکات اخلاقی نموده است. از جمله اصل قرآنی و قانون ثابت «معروف» که باید در روابط اعضای خانواده حاکم باشد:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ با زنان به طور شایسته معاشرت کنید. (نساء، ۱۹)

بر این اساس، همه روابط بین زوجین باید بر پایه رعایت معروف باشد. علامه طباطبائی «معروف» را چنین تفسیر می‌کند: «کلمه «معروف» به معنای هر امری است که مردم در اجتماع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند. معنای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که در بین مسلمانان معروف باشد». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۵)

همچنین طبق قرآن «اصل عدالت» از اصول اساسی اسلام است که باید در همه امور سرلوحه قرار گیرد:

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾؛ به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک تر است. (مائده، ۸)

از اساسی ترین جایگاه های رعایت عدالت، محیط خانواده است. قرآن کریم مردان را به رعایت عدالت میان همسران ملزم کرده است. (نساء، ۳) همچنین از مردان می‌خواهد در صورت ناتوانی از رعایت عدالت و مساوات قلبی و عاطفی میان همسران، از معطوف کردن همه عواطف به یک همسر بپرهیزند و دیگران را سرگردان و بلا تکلیف ن سازند. (نساء، ۱۲۹)

از سویی گفتگو و مشورت درباره مسائل درون خانواده، مورد تأکید آموزه های دینی است. علاوه بر دو آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، که به طور عام، امر به مشورت نموده است

بنابراین الگوی ساختار قدرت در خانواده از منظر متون اسلامی چنین استنباط می گردد: از سویی، بر اساس اصول معاشرت معروف، عدالت و مشورت در خانواده، ساختار قدرت در خانواده ساختاری «دموکراتیک» است؛ یعنی همسران در مسائل درون خانواده با گفت و گو و مشورت با هم تصمیمات لازم را اتخاذ می نمایند. از سویی دیگر، بر اساس تفاوت های زیستی، روانی و جنبه های اقتصادی بین زن و مرد، نقش های جنسیتی مورد توجه است و اقتدار و مرکزیت پدر در خانواده، بر پایه اصول مذکور استنباط می گردد و مادر «منبع عاطفی» و مدیر داخلی خانواده معرفی می شود؛ بدین معنا که بعد از گفت و گو و مشورت های لازم، تصمیم گیری نهایی بر عهده مرد گذارده شده است. بنابراین می توان الگوی ساختار قدرت در خانواده از دیدگاه آموزه های اسلامی را الگوی پدر مرکزی دموکراتیک توصیف کرد.

خداوند در جهت اخلاق مداری مرد، مهرورزی مردان به زنان را در زمان اختلاف و کشمکش تا مرز طلاق و جدایی نیز مورد توجه قرار داده. (طلاق، ۱، ۲، ۶) و رفتار و مراقبت شایسته از آنان را از مردان طلب کرده است. در روایات هم نموده های بسیاری از مهرورزی مردان بر زنان بیان شده است نموده های چون گشاده رویی، حسن خلق. گشاده دستی، غیرت ورزی، اکرام همسر، استراحت کردن با او. (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۷۹ و ۱۶۹ و ۱۷۱) به عکس، از زورگویی و بدخلقی نهی شده است.

امام علی علیه السلام در بیان خود، زن را ریحانه و نه قهرمان (کارگزار) معرفی می کند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۱۰) زنان از نظر عواطف و احساسات بر مردان برتری دارند. (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۱۰۰) قاطعیت مردان در تصمیم گیری بیش از زنان است. (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۱۴)

پذیرش این تفاوت ها و تنظیم نقش ها بر این اساس، موجب آرامش و اعتلای خانواده است. فرض اصلی پژوهش حاضر نیز این است که مشکل خانواده ها در عملکرد و رضایت زناشویی، به کنش زن و مرد و ابهام و جابه جایی نقش های جنسیتی مربوط است و هشیاری نسبت به این موضوع و اصلاح نقش ها، به مرتفع شدن مشکلات کمک شایانی می کند (جان بزرگی، ۱۳۹۰، ص ۲۳)

۳.۳. تعامل مرد و زن

در سبک زندگی اسلامی، پدر مظهر اقتدار و مادر مظهر مهر و پاسخ دهی نسبت به نیازهای عاطفی است. (جان بزرگی و نوری، ۱۳۹۰، ص ۶۷) تفکیک دو نقش ابزاری و احساسی _ عاطفی جهت کارآمدی صحیح خانواده ضرورت دارد. از این ایفای نقش هاست که زن نقش رهبری عاطفی و مرد نقش رهبری اجرایی یا ابزاری دارد و به منظور پرورش صحیح، فرزندان همان طور که به نرمش و لطافت مادر در رفتار نیاز دارند؛ به خشونت رفتاری پدران هم نیازمند هستند. پدران و مادران هر یک به شیوه خاص خود از طریق بیان محبت و صمیمیت فیزیکی امنیت و اعتماد را در میان فرزندان خود ایجاد می کنند؛ بنابراین در خانواده ای که پدران کارهای مردانه انجام می دهند و مادرها کارهای زنانه، دختران و پسران در کنار پدران خود، آشنایی و امنیت خاطر بیشتری نسبت به جهان مردان پیدا می کنند. چنین دخترانی، با مردان، رابطه سالم تر برقرار می کنند و در بزرگسالی بیشتر احتمال دارد که همسر خوبی را برگزینند؛ زیرا آنها الگوی خوبی داشته اند که می توانند بر اساس آن در مورد خواستگاران خود قضاوت کنند و همچنین پسران بیشتر احتمال دارد رفتار درست مردان با زنان را بیاموزند و پدر را به عنوان یک الگوی مناسب درونی سازی کنند. بنابراین چنین کودکانی در آینده، توانمندی های بیشتری برای تشکیل و نگهداری

ازدواج و زندگی زناشویی خواهند داشت و در ارتباطات صمیمی، و موفق ترند. (یونسی، ۱۳۸۸، ص ۳۴)

بنابراین در سبک زندگی اسلامی زن و مرد، هم در جامعه و هم در فضای خانه و مناسبات خانوادگی، دو وجود مکمل یکدیگرند؛ بر خلاف سبک زندگی غربی که زن و مرد دو قطب مخالفند و وجود هر یک، عرصه را بر دیگری تنگ می کند و به ناگزیر یکی باید حذف شود و یا تسلیم دیگری باشد. (مرتضوی، ۱۳۷۷، ص ۶۲) به همین لحاظ اندیشمندان اسلامی، مدیریت مردان را هم از نظر کمی و هم به لحاظ کیفی محدود می دانند و قائلند قیومیت مربوط به زن و شوهر است نه زن مقابل مرد. اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح باشد، هرگز مرد قوام و قیّم زن نیست و زن هم در تحت قیومیت مرد نیست، بلکه قیومیت مربوط به موردی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۳)

باید توجه داشت که در نظام اجتماعی و اقتصادی اسلام، نه مانند نظام لیبرالی غربی «فرد» اصالت دارند و نه مانند نظام سوسیالیستی، «جامعه» اصالت دارد، بلکه در کنار احترام به فردیت افراد و جمعیت جامعه، آنچه اصالت دارد خانواده است و از آنجا که خانواده حول ریاست مرد و مدیریت زن است، باید از تحقیر مرد اجتناب کرد و توجه داشت که هر خانواده ای برای شکل گیری و تداوم به دو عنصر نیازمند است یکی آسایش و دیگری آرامش. مسئول تامین آسایش، که ناظر به امکانات رفاهی و مادی است، مرد است و این وظیفه ذاتی و اصلی اوست. اما مسئول برقراری آرامش، که ناظر به امور معنوی و عاطفی و تامین امنیت روانی است، زن است و این مهم ترین وظیفه زن است که هیچ کس جز او نمی تواند آن را انجام دهد. بنابراین طبیعی است که خانواده ای می تواند استمراری با نشاط و پویا داشته باشد که این دو عنصر آسایش و آرامش را که مکمل یکدیگرند، در کنار هم داشته باشد. از این رو است که قرآن

کریم یکی از مهمترین کارکردهای اساسی خانواده را «آرامش بخشی» می داند تا در سایه آن، اعضای خانواده به رشد و تعالی مادی و معنوی خود نایل آیند و زمینه تربیت صحیح فرزندان فراهم آید: «و از نشانه های خداوند این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا بدان ها آرامش بیابید و بین شما دوستی و رحمت برقرار کرد». (روم، ۲۱) برخی از آموزه های دینی، رعایت سلسله مراتب قدرت برای خانواده و اعضای آن را مفید و کارکرد آرامش بخشی و حفظ انسجام و یکپارچگی خانواده را لازمه وجود منبع اقتدار و تکیه گاه در خانواده می دانند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۱)

از این رو شهید مطهری قائل است: «در خانواده های مسلمان، بیش از آن که زن در خدمت مرد باشد، مرد به حکم وظیفه اسلامی، در خدمت زن بوده و وسیله آسایش او را فراهم نموده است. زن در خانواده هایی مورد اهانت و تحقیر و ظلم قرار گرفته، که روح اسلامی در آن خانواده ها نبوده یا ضعیف بوده است». (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۹) در حقیقت زوجیت و دوجنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی بنام «سکون و آرامش» است. تا مرد در کنار زن، زن در کنار مرد آرامش پیدا کند. برای مرد آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوست دار امین در کنار او، وسیله آرامش است. برای زن هم، داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد، یک خوشبختی و مایه آرامش و سعادت است که خانواده این را برای هر دو تأمین می کند». (شفیعی سروستانی، ۱۳۷، ج ۱، ص ۱۴)

سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضاء خانواده و خانه داری زن، ضامن حفظ کارکردهای خانواده است، زیرا تنها در این حالت، کارآیی منحصر به فرد خانواده که سبب تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می شود، تضمین می گردد. باید این مجموعه، یعنی پدر «نان آور» قدرتمند و مادر «مسئول فرزندان» را برای حفظ ثبات اجتماعی به هر قیمتی حفظ کرد. (اعزاز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹)

پژوهش ها نشان می دهد که چگونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حتی احساس رضایت، احساس بیگانگی و تنهایی و خوش بختی زناشویی اثر می گذارد. (مهردوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲، ص ۲۷-۶۷) خدایی که زن و مرد را آفریده، بر اساس ویژگی های شان، وظایف و احکامی را صادر فرموده تا با رعایت آن در خانواده آسایش و آرامش تأمین شود. (دهنوی، ۱۳۹۰، ص ۷۵ و ۷۶)

۳.۴. توجه زن به اقتدار مرد

حفظ اقتدار مرد به این معنا نیست که زن از یادآوری اشکالات او بپرهیزد زیرا لازمه زندگی مشترک این است که مسائل را با هم در میان بگذارند و در پیشرفت زندگی با یکدیگر همراهی و همکاری کنند، اما چون پذیرش انتقاد زن برای مرد سخت است (چون هر مردی انتقادهای و نصیحت های همسرش را نشانه بی اعتمادی او به خود می داند و می پندارد که همسرش او را ضعیف شمرده، نمی تواند به او تکیه کند) مقاومت می کند. پس راه های مناسب دیگری باید وارد شود از جمله:

۱. کامیابی هایش را پر رنگ کند تا خود باوری اش بالا رفته، احساس لیاقت بیشتری کند و در پی آن ضعف مدیریتش کاهش یابد.

۲. از روش الگویی استفاده کند یعنی زن راه درست را پیش گیرد و بدین ترتیب، او را به خیر و صلاح بخواند امام صادق علیه السلام فرمود: «کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم»؛ مردم را با رفتارشان به راه راست بخوانید. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۸)

۳. در همه مواردی که تذکر ندادن مشکل اساسی ایجاد نمی کند پند و اندرز را ترک کند تا خودش بر اساس اصل مواجهه با پیامدهای طبیعی و منطقی رفتار، با پیامدهای طبیعی رفتارش مواجه شود و واقعیت را در یابد و درس بگیرد. بدین ترتیب در تصمیم های بعدی حساب شده تر عمل خواهد کرد.

۴. چنانچه با هیچ یک از این راهکارها به نتیجه مطلوب نرسیدید و ناتوانی وی در مدیریت لطمه جدی وجبران ناپذیری به زندگی می‌زند می‌توانید تذکر کلامی را برگزینید البته آن هم شرایط خاص خودش را دارد تذکر کلامی اگر با شرایط انجام شود پذیرفته می‌شود. (دهنوی، ۱۳۹۲، ص ۷۸ و ۷۹)

تحسین صادقانه برای اغلب مردان یکی از عالی ترین بر انگیزنده‌ها است. وقتی زنی به مردی می‌گوید به نظرش او فوق العاده است، مرد احساس غرور می‌کند و به تلاش برای پیشرفت تشویق می‌شود. به این ترتیب در خودش توانایی پذیرش مسئولیت‌های جدید و کسب مهارت‌های بیشتر را می‌بیند. این عامل برانگیزنده به او کمک می‌کند برای مسئولیت‌های زندگی آماده شود. تحسین نه تنها محرک است بلکه به پیشرفت‌های موجود مرد پاداش می‌هد. وقتی زن به مرد می‌گوید بابت کاری که کرده از او سپاسگزار است، مرد احساس رضایتی بیش از دریافت جنبه مادی کار پیدا می‌کند. زن باید از شوهرش برای آنچه اکنون هست، قدردانی کند، نه برای آنچه می‌تواند باشد. به هر اندازه که انتظار موجب می‌شود مردان حالت دفاعی بگیرند. تحسین به آن‌ها نیرو و انگیزه می‌دهد. مرد نیاز دارد همسرش مهم تری عامل تقویت و نیرو دهنده‌اش باشد. او پس از اطمینان خاطر از حمایت همسرش می‌تواند بهتر و مصمم‌تر به طرف پیشرفت حرکت کند. (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳ و ۲۲۴)

یکی دیگر از راه‌های اقتدار بخشیدن به مرد، عدم مقایسه همسر خویش با دیگران است. این مقایسه گاهی پنهان و در ذهن و دل صورت می‌پذیرد و سپس به شکل غیر مستقیم و در جامه ای دیگر خود نمایی می‌کند و گاهی دیگر آشکارا بر زبان جاری می‌شود و بی جامه و بی پرده خود را می‌نمایاند، که هر دو تاثیر تخریبی بر زندگی خانوادگی دارند. مقایسه ناروا اگر در دل لانه کند، حسرت و اندوه به بار می‌آورد و انسان را به همسر و زندگی دلسرد می‌کند و اگر به زبان آید دل همسر را می‌رنجاند و به خرمن زندگی آتش می‌زند. اگر روند این مقایسه پیش رود، آسیب‌های که از این

رفتار بر اندام حیات زوجیت خورده است جبران نگردد و بیم آن می‌رود که کانون خانواده از بُن ویران شود. (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۳۷۳ و ۳۷۴).

در مجموع باید گفت با بازگرداندن پدران به جایگاه خود در زندگی، باید سیر تغییر فرهنگی چند دهه گذشته به سوی فرد گرایی افراطی را خنثی کرد. لازم است برخی گزاره‌ها یا یافته‌های فرهنگی که در سراسر تاریخ از نظر جهانی پذیرفته شده بود، ولی امروزه متداول نیست، هر چند کاملاً از بین نرفته را احیا کرد. ازدواج باید به عنوان نهادی محکم از نو بنا شده و نقش پدر نیز دوباره تعریف شود (پوپنو، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

نتیجه گیری

امروزه با نفوذ سبک زندگی غربی در جامعه اسلامی ایران، تحولاتی در زندگی و بخصوص در نقش افراد خانواده به وجود آمده است و ناسازگاری این تحولات با فرهنگ اعتقادی اسلامی جامعه، منجر به خدشه دار شدن برخی ارزش‌ها از جمله تضعیف اقتدار مرد در خانواده‌ها گردیده است. با تضعیف نقش نان آوری مرد، فعالیت زن در خارج از خانه بر بچه داری و همسر داری ترجیح پیدا کرده و حضور عاطفی زن به عنوان مادر و همسر نادیده گرفته شده است، در نتیجه الگوگیری غلط خانواده‌ها از غرب و جایگزینی ارزش‌های جهان مدرن یعنی «فردگرایی، لذت گرایی و آزادی عمل» بدون توجه به آموزه‌های دینی، غلبه تمایلات فردگرایانه و استقلال طلبانه بر ارزش‌های گروهی و تقدس خانواده، ترجیح خواسته‌های فردی بر مصالح زندگی، به فراموشی سپردن قناعت و جایگزینی آن با تجمل گرایی و مصرف زدگی، قبح زدایی مسئله طلاق با تقلید از فرهنگ غرب، همه نتیجه ورود سبک زندگی غربی در زندگی ایرانی اسلامی است.

بنابراین مسئله ی «قومیت مردان» گونه ای از سازماندهی زندگی زناشویی است که مرد را متصدی شئون زن کرده است. از طریق مسئولیت مالی وی بر خانواده و از خلال پاره ای از ویژگی های درونی که مرد را از زن در سطحی متمایز می دارد که قدرت وی را در رویارویی با موقعیت ها بیشتر می کند. سپردن این وظیفه و مسئولیت به مردان نه دلیلی است بر برتری و فضیلت انسانی آنان و نه سبب امتیاز اخروی آنان است؛ چرا که اسلام در مسیر تکامل هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست و پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به مقام قرب الهی، با تعقل، تقوا و عمل صالح امکان پذیر است و تنها ملاک و معیار و برتری در پیش گاه خدای متعال تقواست نه جنسیت. بنابراین در فرهنگ قرآن «قومیت» مرد کوچک ترین زمینه ای را برای تسلط، استبداد و ظلم باقی نمی گذارد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرّم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، تحقیق علی شیری، ج ۱۵، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، (چاپ دوم)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۳. آقابابایی، اسماعیل و دیگران، (۱۳۸۲)، *فمینیسم و دانش های فمینیستی*: ترجمه و نقد تعدادی از مقالات دائره المعارف فلسفی روتلیج، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۴. پاملار، آبرت (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
۵. پوپنو، دیوید، (۱۳۸۹)، *دنیایی در نبود پدران*، ترجمه مریم رفیعی، دو ماهنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان حورا، شماره ۳۵.
۶. توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۳)، *نظریه های جامعه شناسی*، (چاپ چهارم)، تهران: سمت.

۷. جان بزرگی، مسعود و مژگان آگاه هریس و ناهید نوری، (۱۳۹۰)، *آموزش اخلاق رفتار اجتماعی وقانون پذیری به کودکان*، تهران: انتشارات ارجمند.
۸. جان سالوین، شاپیرو، (۱۳۸۰)، *لیبرالیسم: معنا و تاریخ*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: نشر مرکز.
۹. جلالی پور، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، *حاملان بی نشان، چرا مدافعان زنان از فمینیست نامیدن خود بیم دارند؟* مجله زنان، شماره ۱۰۵.
۱۰. جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، *زن در آینه جلال و جمال*، قم: انتشارات اسراء.
۱۱. چیل، دیوید، (۱۳۸۸)، *خانواده ها در دنیای امروز*، محمد مهدی لیبی، تهران: نشر نقد افکار.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، *وسائل الشیعه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی .
۱۳. حسینی، شمس الدین و الهام آرام نیا (۱۳۸۶)، *نیازهای مردان، نیازهای زنان*، تهران: ناشر نسل نو اندیش.
۱۴. دهنوی، حسین، (۱۳۹۰)، *گلبرگ زندگی ۲*، قم، خادم الرضا علیه السلام.
۱۵. دهنوی، حسین، (۱۳۹۲)، *گلبرگ زندگی ۳*، قم، خادم الرضا علیه السلام.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه.
۱۷. زیبای نژاد، محمد رضا، (۱۳۸۸)، *هویت و نقش های جنسیتی (گردآورنده)*، تهران: ناشر مرکز امور زنان و نهاد خانواده ریاست جمهوری.
۱۸. سیدل، روث، (۱۳۷۷)، *به سوی جامعه ای نوع دوست تر، در نگاهی به فمینیسم*، ترجمه مؤسسه فرهنگی طه، قم: انتشارات معاونت امور اساتید و در شیوهوس معارف اسلامی.
۱۹. شفیع سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، *جریان شناسی دفاع از حقوق زنان*، قم، طه.
۲۰. شفیع سروستانی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، *جریان شناسی دفاع از حقوق زنان*، قم: طه .
۲۱. صدوق، محمدبن علی، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین .
۲۲. صدیق اورعی، غلامرضا (بی تا)، *«اشتغال زنان»*، پیام زن، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ش ۴۹-۵۲. صص ۳۱-۱۶.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، مترجم سید باقر موسی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۰) *تا ساحل آرامش*، قم: جامعه الزهراء سلام الله علیها .

۲۵. علی اکبری، راضیه (۱۳۹۳)، *نقد مبانی سبک زندگی غربی از منظر قرآن*، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین ملی قرآن کریم "انسان و جامعه".
۲۶. قائمی، علی (۱۳۶۳)، *حیات خانواده در اسلام*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
۲۷. کارلسون، جان؛ اسپری، لن و لويس، جودیت، (۱۳۷۸)، *خانواده درمانی، تضمین درمان کار آمد*، ترجمه شکوه نوابی نژاد، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۲۸. کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات*، جلد دوم: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. گراگلیا، کارولین، (۱۳۸۳)، *آرامش در خانه*، ترجمه و تدوین معصومه محمدی، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، تهران: دفتر نشر معارف.
۳۱. مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۷۷)، *درآمدی بر شناخت مسایل زنان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.
۳۳. مظاهری، علی اکبر، (۱۳۹۳)، *باید و نباید های زندگی خانوادگی*، قم، انتشارات نور الزهراء، ۱۳۹۳.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. مگی هام (۱۳۸۲)، *فرهنگ نظریه های فمینیستی*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران، توسعه.
۳۶. مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی، (۱۳۸۲) *بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده*، *مطالعات زنان*، ش ۲۳.
۳۷. ویلفورد، ریک (۱۳۸۰)، *فمینیسم*، تهران، انتشارات مولا.
۳۸. یونسی، سید جلال (۱۳۸۸)، *مدیریت روابط زناشویی*، تهران، قطره.

راههای کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده

سمانه شیروانی^۱

چکیده

دین اسلام همواره پیروان خود را به حسن خلق، نرمی، ملایمت در گفتار و رفتار فراخوانده از درستی و تندخویی بازداشته است. چون این آموزه یکی از مهمترین عوامل قدرت موفقیت و پیروزی انسان در زندگی است. حسن خلق به عنوان عاملی بسیار موثر در سازگاری و تحکیم بنیاد خانواده معرفی شده است. بهترین و آسان ترین راه، برای انجام تعهداتی که در خانواده وجود دارد، ایجاد بستری مناسب در فضای اخلاقی و خوش رفتاری است، ازاینرو مسئله ی که در این تحقیق با آن روبرو هستیم معنای خلق نیکو، اهمیت خوش اخلاقی، راههای کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده است. هدف این پژوهش یافتن بهترین راهکار برای ثبات و پایداری زندگی آرامش و نشاط اعضای خانواده تأمین مطالبات اعضاء رفع نیازمندی های عاطفی، احساسی و پیدا کردن سعادت و خوشبختی که بر داده های دینی و روانشناختی مبتنی است؛ یافته های اصلی این تحقیق و ضرورت توجه به مهارت تقویت خلق نیکو برای تأمین خوش اخلاقی اعضای خانواده و داشتن مهارت کافی برای مواجهه با طبع های مختلف در زندگی و بها دادن به خوش اخلاقی به عنوان مبنای اصلی، برای موفقیت در زندگی است، بنا براین این تحقیق در صد پردازش به این یافته ها با روش تحلیلی توصیفی است.

کلید واژه ها: آرامش خانواده، خلق نیکو، خوش اخلاقی، خوش برخوردی

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته الله علیه قم.

مقدمه

داشتن روابط مناسب، یکی از اهداف دین بشمار می آید. علت این امر آن است که جامعه آرام می تواند زمینه ساز هدایت افراد به سمت راستی و صداقت باشد. از همین روی در متون دینی اعم از قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام آن دسته از صفات اخلاقی ای که به افزایش روابط درست و سالم میان افراد جامعه کمک می کند، با تاکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این صفت ها «حسن خلق» می باشد که در مقابل «سوءخلق» قرار دارد. در روایات اهل بیت علیهم السلام حسن خلق را از بهترین نیکی ها به شمار آورده اند (صدوق، غفاری، ۱۴۰۴، ص ۲۹) که اگر در صورت انسانی تمثل پیدا کند چیزی زیبا تر از آن را نمی شود تصور کرد. حسن خلق به عنوان عاملی بسیار موثر در سازگاری و تحکیم بنیاد خانواده است زیرا بالاترین معیار برای ارتباط انسانی حسن خلق و خوش رفتاری است و بهترین و آسان ترین راه، برای انجام تعهداتی که در خانواده وجود دارد می باشد. در تاریخ و روایات بسیاری مشاهده می کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در برخورد های که حتی با غیر مسلمان داشتند، چنان ملاحظت آمیز و همراه با عفو و گذشت برخورد می کردند که بسیاری از مردم از همین رو اسلام آوردند. به همین دلیل شرافت خانوادگی و ازدواج با فرد خوش اخلاق عامل زیر بنایی برای خوش رفتاری و عوامل شخصیتی است؛ زیرا تنها چیزی که اثر عمیق بر روابط ما با دیگران می گذارد همین عوامل است که جایگاه حسن خلق در زندگی زناشویی را نشان می دهد. در این زمینه کتاب های اخلاقی بسیاری وجود دارد؛ و نیز کتاب های اخلاقی با عنوان اخلاق اسلامی که پدید آورندگان آنها ضمن اشاره به نمونه هایی از اخلاق نیکو از مباحث پیرامون آن نتیجه گرفته اند. این مقاله با روش تحلیلی _ به راههای کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده پرداخته است که هر یک از اعضای خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان این مهارت ها رابه خوبی

بشناسند و با داشتن مهارت کافی برای مواجهه با طبع های مختلف در زندگی و بها دادن به خوش اخلاقی به عنوان مبنای اصلی، برای موفقیت در زندگی تلاش کنند.

۱. مفهوم خلق

خلق به معنای کیفیتی نفسانی است، که افعال به آسانی از آن صادر می شود و بعضی حسن را ضد قبح دانسته اند. (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۵، ص ۱۵۷) بنابراین حسن خلق به معنای کیفیت نیکوی نفسانی است؛ که رفتارهای پسندیده بر اساس آن به سهولت صورت می گیرد. امام خمینی رحمته ضمن تعریف خلق به بیان تاثیر حسن خلق در انجام آسان رفتار نیکو می پردازد و می گویند: بدان که خلق عبارت از حالتی است: در نفس که انسان را دعوت به عمل می کند بدون رویه و فکر، مثلاً کسی که دارای خلق سخاوت است، آن خلق او را وادار به وجود و انفاق می کند بدون آن که مقدماتی تشکیل دهد و مرجحاتی فکر کند گویی یکی از افعال طبیعی مثل دیدن و شنیدن است، و همینطور است نفس عقیف که این صفت، خلق آن شده است به طوری حفظ نفس می کند که گویی یکی از افعال طبیعی اوست. (خمینی رحمته، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۲۴) بنابراین آن قسم خلق و خوی که در شرع مقدس ممدوح شناخته شده و با غرایز حیوانی و تمایلات نفسانی هماهنگ است، یا دست کم با آنها تضادی ندارد حسن خلق است. (خمینی رحمته، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۲۴)

۲. معنای حسن خلق

در کتابهای اخلاقی برای حسن خلق و خوش اخلاقی دو معنا بیان شده است. یک: اتصاف به فضایل اخلاقی و تحصیل مجموعه کمالات و خصلت های پسندیده که اعضای خانواده در مسیر خودسازی و پرورش نفس خود را به آنها می آریند. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۰) دو: نرم خوئی و خوش سخنی و گشاده

رویی با دیگران. (نراقی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۲) بنابراین به کسی خوش اخلاق گفته می‌شود که با گشاده رویی زبانی ملایم و برخورد شاد و محبت آمیز با مردم روبرو می‌شود و در هر شرایطی این توانایی را دارد که با خوشرویی برخورد کند. امام صادق علیه السلام در تعریف خوش اخلاقی می‌فرماید:

«حسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی سخت را پاکیزه گردانی و برادرت را با خوش رویی دیدار نمایی» (صدوق، غفاری، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۱۲)

البته خوش رفتاری باید به گونه‌ای باشد که وقار و متانت از دست نرود برای رسیدن به چنین صفاتی لازم است اعضای خانواده خود را به صفاتی مزین کند، که از فرد شخصیتی متین و با وقار و در عین حال خوش مشرب و دوست داشتنی و محبوب بسازد صفاتی مانند تواضع، انسان دوستی، صداقت فداکاری و گذشت مهربانی و سایر صفات نیک انسانی .

۳. اهمیت خوش خلقی

دین اسلام همواره پیروان خود را به حسن خلق و نرمی و ملایمت در گفتار و رفتار فراخوانده و از درستی و تندخویی بازداشته است چون این آموزه یکی از مهمترین عوامل قدرت موفقیت و پیروزی انسان در زندگی است. همین عامل موفقیت پیامبران الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جذب قلوب انسانها و گسترش دین بوده است. از آن روی خدای مهربان پیامبران و سفیران خود را از میان انسانهای مهربان و خوش اخلاق برگزیده تا بهتر و آسانتر در قلب ها نفوذ کنند و آنان را به سوی معرفت الهی رهنمون باشند. خدای تعالی درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که مصداق کامل حسن خلق است می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَمَلِكٌ خَلْقٌ عَظِيمٌ﴾؛ و یقیناً تو بر ملکات و سجایای اخلاقی عظیم قرار داری. (قلم، ۴)

در زمینه خوش خلقی و برخورد خوب با همه‌ی مردم روایات فراوانی در منابع اسلامی دیده می‌شود که به حد تواتر می‌رسد تعبیراتی که در این روایات در برابر این فضیلت اخلاقی آمده است. در کمتر مورد دیگری دیده می‌شود. این تعبیرات و بیانگر نهایت اهتمام اسلام به این مسئله مهم اخلاقی است. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۸) که در اینجا به ذکر چند حدیث بسنده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الاسلام حسن الخلق؛ اسلام همان خوش روی است.» (بکری حیانی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۷)

این تعبیر نشان می‌دهد که عصاره تعلیمات اسلام همان حسن خلق است. می‌دانیم آنچه در عنوان و سرلوحه نامه اعمال قرار می‌گیرد بهترین و مهمترین آنها است، و به تعبیر دیگر چیزی است که قدر جامع همه اعمال نیک است و قبل از هرچیز نظرها را به خود متوجه می‌سازد. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۵، ص ۱۱۸) اینکه رابطه با مردم و رعایت اخلاق اجتماعی یکی از مهم ترین و گسترده ترین عرصه های خودسازی و پرورش توانایی های انسان است در این میدان است که انسان می تواند در اثر ارتباط با انسانهای دیگر ارزش های وجودی سایر مهارت های حرفه ای علمی، عقلی و مدیریتی خود را بنمایاند و فضایل اخلاقی و کمالات انسانی را در خویش نهادینه کند و همچنین به شکوفایی توانایی هایی دیگران نیز کمک نماید. در عرصه تعامل اجتماعی حسن خلق و خوش اخلاق بودن جایگاه ویژه ای دارد و اولین نمود توانایی شخصیت روحی و معنوی انسان است.

۴. راههای کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده

بعضی از مردم به طور طبیعی خوش اخلاق و خوش برخورداند و این یکی از مواهب الهی است؛ که نصیب هرکس نشده است باید خدا را با تمام وجود شکر گوید ولی گروهی چنین نیستند؛ اما می توانند با تمرین و ممارست و به کار بستن اصولی دقیق حسن خلق، خوش اخلاقی را در وجود خود زنده کنند و چنان در عمق جانشان نفوذ کند که طبیعت ثانویه شود.

۴,۱. نگاه توحیدی به زندگی

نگاه توحیدی به زندگی باعث خوش خلقی در نظام خانواده می شود؛ یعنی باید همه افراد خانواده را بنده خدا بدانیم و با محبت، خوش اخلاقی و خدمت رسانی به آنان در راه خدای متعال هدایت کنیم. (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۵) باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک تر می بیند:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْنَاهُ مَأْتُوْسُوْسٍ بِهٖ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾؛ ما انسان را آفریدیم و سوسه های او را می دانیم، و ما به آواز رگ قلبش نزدیک تریم. (ق، ۱۲)

تلاش می کند تا در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت آنها را جلب نماید. توجه به عدالت خدا، اینکه هیچ ظلمی را روا نمی دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی کند، زمینه شناخت دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده

است هر چه این حالت قوی تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود. نیز امام رضا علیه السلام در پاسخ به مردی که از ایشان درباره محدوده حسن خود پرسیده بود فرمود:

«حسن خلق این است که آنچه دوست داری دیگران به تو دهند تو نیز مثل آن را به دیگران بدهی». (میرباقری، ۱۳۸۶، ص ۱)

برای دستیابی به اخلاق حسن، رکن اصلی در یک خانواده قرآنی و سعادت مند معاشرت نیکو می باشد.

با نگاهی به تاریخ اسلام روشن می شود که بسیاری از اهل ایمان به خاطر اعمال و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نوع معاشرت ائمه هدی علیهم السلام مسلمان شده اند. نفوذ در دلها، حلم و بردباری زیادی را می طلبد و اگر کسی بخواهد در دلها نفوذ کند باید مانند انبیای الهی و به خصوص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام رفتار نماید و اهل صبر و گذشت باشد. اگر پدر و مادر با فرزندان خود معاشرتی نیکو داشته باشد آنها در کنار پدر و مادر لذت می برند و به هیچ وجه از حضور آنان گریزان نیستند. روابط باید به گونه ای باشد که یک اخم پدر و مادر برای فرزندان بسیار گران باشد باید آنقدر عاطفه برقرار باشد که به محض اینکه بگویند من راضی نیستم فرزندان دست و پای خود را گم کنند و این تنها به معنای ترس نیست بلکه نوعی رفاقت است. (همان) و به هر حال اگر چه حسن خلق و به دنبال آن حسن معاشرت امری ضروری است باید توجه کرد که در تمامی رفتارها و عملکردها رضای خدا باید مدنظر قرار گیرد حتی به هنگام عصبانیت باید به خاطر خدا عکس العمل نشان داد و اگر بنا بر صبر است فقط به خاطر خدا صبر کرد تا از اجر بی حساب صابران برخوردار بود قرآن کریم می فرماید:

﴿ إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾؛ به درستی که از نظر صابران اجر بدون حساب دریافت می شود». (زمر، ۱۰)

حسن خلق و حسن معاشرت یعنی صبر کردن در امور عصبانی نشدن و عکس العمل مناسب نشان دادن آن هم اراده و قصد رضای الهی اینکه گاهی گفته می شود اگر حضرت رسول اکرم ﷺ می فرماید:

«من كظم غيظا و هو يقدر على انفاذه و حلم عنه اعطاه الله اجر شهيد؛ هر که خشم خود را فرو دهد در حالی که نسبت به ابراز آن قادر باشد و با این حال بردباری نشان دهد خداوند به او اجر شهید را عطا خواهد کرد». (میرباقری، ۱۳۸۶، ص ۲)

۲.۴. تمرین خوش اخلاقی

میان اعضای خانواده با تمرین کردن مدام خیلی از اخلاق های بد که انسان با آن ها خو گرفته تبدیل به اخلاق خوب می گردد پیامبر اکرم ﷺ پس از آنکه محبوب ترین مردم در پیشگاه خداوند متعال را خوش اخلاق ترین آنان معرفی می کند به این ویژگی های آنان می پردازد و می فرماید:

«کسانی از شما که بهترین اخلاق را دارند متواضع با دیگران الفت می گیرند و مردم نیز با آنها الفت می گیرند محبوب ترین شما نزد خداوند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۰، ص ۱۰)

تمرین عملی خوش اخلاقی هنگام برخورد با اعضای خانواده، یکی از عوامل رشد و پرورش صفات اخلاقی است. برای انجام رفتار و کردار پسندیده همچون خوش اخلاقی و خوشرویی باید تمرین کرد تا به آن عادت نمود. حضرت علی عليه السلام فرمود:

«نفس را به انجام اعمال پسندیده عادت ده» تمرین و تکرار نسبت به یک خصلت زیبا یا زشت آن را به صورت عادت یا در طبیعت دوم انسان در می آورد. وقتی چیزی به صورت عادت درآمد به تدریج اعضا و جوارح انسان را کنترل کرده بر وجود او مسلط می شود. به فرموده امیر مومنان علی علیه السلام «عادت بر هر انسانی حکومت می کند.» یکی از مهم ترین کارهایی که در این زمینه باید تمرین کرد سلام و احوالپرسی توأم با تبسم، دست دادن همراه با صمیمیت و احترام اولین راه موثر ارتباطی به منظور تمرین خوش اخلاق بودن و جلب محبت میان اعضای خانواده است. چنانچه در آموزه های دین اسلام نسبت به سلام کردن، مصافحه، احترام و محبت سفارش و اهتمام فراوان شده است.

۳،۴. پرورش عواطف انسانی میان اعضای خانواده

یکی از ابعاد مهم وجودی انسان عواطف طبیعی انسانی و ایمانی اوست. دوست داشتن و مهرورزی با قلب و عمل میان اعضای خانواده و ایجاد رابطه عاطفی با سایر افراد خانواده قابل رشد و تربیت است. چنانکه بنیاد خانواده براساس مهر و عشق ورزی است، بقا و ماندگاری آن نیز مرهون استمرار آن است و زندگی ای که براساس ارزش های روحی و معنوی شکل گرفته باشد ماندگار است چرا که زیبایی های معنوی پایان ناپذیر است خداوند در قرآن می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ ؛ و از نشانه های قدرت این است که از جنس شما همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و محبت قرار داد» (روم، ۲۱)

برای مرد و زن و به نفع آنها از جنس خودشان زوج آفریده شده است که هر کدام با دیگری کامل می گردد و از مجموع آنها واحد تام به نام خانواده تشکیل

می‌شود و هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون به آن می‌رسد آرام می‌شود و هر نقصی داشته باشد، مشتاق به کمال رسیدن است. زوجین در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این محبت متقابل باعث می‌شود حوائج ضروری زندگی را تأمین کنند و به حفظ، حراست، تغذیه، لباس منزل و تربیت بکوشند و اگر این مودت نبود نسل بشر به کلی منقطع می‌شد و دوام نمی‌یافت. این اصل محبت و مودت است که زن و مرد را وادار به تشکیل جامعه کوچک خانواده کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۵۰) کودکی که بهره‌مند از مهر و محبت پدر و مادر است نگرش مطلوبی به خود و دیگران دارد و ارتباط سالمی با دیگران می‌تواند برقرار کند. سرمایه مهم خانواده آرامش و سکون است و خود محبت و آرامش در خانه نشانه سعادت و خوشبختی افراد است و این آرامش از مودت و رحمت والدین نشأت می‌گیرد و رابطه‌ای که از روی محبت، مهربانی، رحمت و حرمت پایه‌گذاری شده است، سرمایه اجتماعی و معنوی یک خانواده سالم اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰) امام سجاد علیه السلام در مورد مهر ورزی به همسران چنین فرمودند:

«حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و آرامش تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس اوراگرامی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی.» (نصیرزاده، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۸)

انسان های مهربان شاخص ترین و دوست داشتنی ترین افراد هستند قسمت زیادی از لذت و شادی زندگی از طریق ایجاد ارتباط عاطفی با افراد خانواده تأمین می‌شود باید توجه نمود که این شادی و لذت از طریق خوش اخلاقی یعنی ایجاد رابطه عاطفی مثبت محبت کردن و دوست داشتن یکدیگر به دست می‌آید و بداخلاقی که در واقع همان رابطه عاطفی منفی است، موجب کدورت و عذاب زندگی

خواهد بود، و نظام خانواده را از گردآگرد هم می پراکند، حتی وقتی کسی عمیقا غمگین و ناراحت است سعی کند خود را شاد نشان دهد و تبسم نماید. چنانکه امام علی علیه السلام در توصیف مومن می فرماید:

«المومن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ شادی مومن در چهره او و اندوه وی در دلش پنهان است». (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۲۵)

۴.۴. همدلی و درک همدیگر در خانواده

در تعاملات میان اعضای خانواده همدلی و همراهی اهمیت زیادی دارد؛ تقدس حق شوهر بر زن چنان والاست که هم ردیف شرکت در جهاد در راه خداوند قرار گرفته، چنان که امیر مومنان علیه السلام می فرمایند:

«جهاد زن، نیکو همسررداری کردن است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۱)

اما برای پاسخگویی مناسب به اعضای خانواده باید به پیام‌های آنان توجه کنیم و پاسخ‌های آن‌ها را نیز به این پیام‌ها مرتبط کنیم وقتی افراد خانواده نیاز به صحبت کردن و درک شدن از سوی ما دارد به شکل همدلانه به آنان گوش دهیم و این گونه مواقع نسبت به شنیدن و درک افکار اعتقادات و احساسات طرف مقابل ابراز تمایل کنیم، گوش دادن همدلانه اثر بیرونی دارد و به نفع‌گوینده است و بیشتر میان دوستان صمیمی زن و شوهرها و مشاوران و مراجعان پدید می‌آیند. (هارجی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۰) بنابراین گوش دادن همدلانه از مهارت‌های موثر در حاکمیت حسن خلق بر روابط همسران و اعضای خانواده است که آنان باید از این مهارت برخوردار باشند. مهر و محبت اعضای خانواده به همدیگر سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است.

۵,۶. حاکمیت صداقت در فضای خانواده

صداقت در خانواده می تواند بر نوع روابط، سلامت روان، انگیزه ها و دغدغه های تک تک اعضای خانواده تاثیر به سزایی بگذارد. پدر و مادر دو عضو اصلی و تعیین کننده قوانین خانه، مسولیت های زیادی در قبال یکدیگر و فرزندان به عهده دارند بنابراین والدین هستند که تا حد زیادی عادات رفتاری فرزندان را مشخص می کنند. در خانواده هایی که به صداقت اهمیتی نمی دهند، پنهان کاری ها، شکست ها، خیانت، ناکامی و بسیاری از مشکلات خانوادگی وجود دارد، دروغ گفتن به همسر آن هم زمانی که فرزندان متوجه آن بشوند، بدترین نوع آسیب به بنیاد خانواده می باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید: پدرم، امام سجاد علیه السلام می فرمود:

«از دروغ، کوچک و بزرگش، بپرهیز؛ زیرا وقتی انسان در امور کوچک دروغ بگوید، بر دروغ بزرگ هم جرأت پیدا می کند».

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«آدم کذاب، پر دروغ، به وسیله دلایل آشکار هلاک می شود و پیروان خویش را هم به وسیله شبهات نابود می کند». (کلینی، ۱۳۶۵، صص ۳۳۹-۳۴۰)

بنابراین روایات، کذب در باز کردن درهای شرو بدی، گناهی است که ایمان را از بین می برد. پس چگونه می توان انتظار داشت به خانواده ای که باید بر مبنای ایمان شکل بگیرد، صدمه وارد نسازد.

۵,۷. راز داری و وفاداری میان اعضای خانواده

وفاداری از شروط همسری و عضویت در خانواده است و راز داری هم یکی از شروط وفاداری همسر است که در آیه ی

﴿وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ﴾؛ و آن گاه که پیامبر به بعضی از همسرانش سخنی گفت، پس چون آن زن، راز را (به دیگری) خبر داد و خداوند، (افشای) آن را بر پیامبر ظاهر ساخت، و پیامبر بعضی (از افشاشگری های آن زن را به او) اعلام و از بیان برخی اعراض نمود، پس چون به آن زن خبر داد، (زن) گفت: چه کسی تو را از این خبردار کرد؟ پیامبر فرمود: خداوند دانای خبیر به من خبر داد». (تحریم، ۳)

واز این آیه دو نکته برداشت می شود نکته اول: زن باید رازدار باشد تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید. نکته دوم اینکه بیان برخی مطالب برای تمام افراد خانواده، ضرورتی ندارد (قرائتی، ج ۱۰، ص ۱۲۳) این نکته نیز بسیار اهمیت دارد که آتش خیانت، تمام خانواده ها را تهدید می کند چرا که انبیاپی چون نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ و لوط عَلَيْهِ السَّلَامُ از سوی همسران به آن مبتلا گردیدند.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمَّ دُعِيَانَهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ اتَّخِلَا النَّارَ مَعَ الدَّاحِلِينَ﴾؛ خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، (واز خانواده) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان». (تحریم، ۱۰)

پیام آیه این است که زن می تواند الگوی فساد یا صلاح، در طول تاریخ باشد و در نظام خانوادگی دینی، سرپرستی و مدیریت با مرد است (قرائتی، ۱۳۲۴، ج ۱۰، ص ۱۳۸) در هر صورت وفاداری اعضای خانواده سبب ایجاد صمیمیت و محبت می گردد و نیز سپری محکم در برابر مشکلات و سختی ها و پشتیبانی پایدار جهت استحکام بنیان خانواده است.

۷،۴. تفاهم و همکاری میان اعضای خانواده

مهم ترین عاملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می گردد وجود روحیه ی مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی علیه السلام فرمودند:

«ولا ظهیر کالمشاوره؛ هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست». (صبحی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۳)

در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم ترین کانونهای خانوادگی، آن هایی بوده اند که زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده اند. نمونه ی بارز و برترین الگوی آن درزندگی امام علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها به چشم می خورد. اما خانواده هایی که اعضای آن در امور خیر و معنوی، همکار و همفکر نیستند چنین نیستند.

۸،۴. مدیریت و برنامه ریزی صحیح در خانواده

خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی نیازمند رهبری واحد است. قرآن روی سرپرستی مرد تاکید دارد و می فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند». (نساء، ۳۴) اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی که برای بشریت آمده بر مسئله برنامه ریزی تاکید و پافشاری نموده است. (الف): سفارش امام علی علیه السلام به نظم در واپسین لحظات که به

امام حسن و امام حسین علیهما السلام، و همه فرزندانش و تمامی کسانی که وصیت نامه حضرت به آنان می‌رسد این گونه وصیت کرد:

«اوصیکما... بتقوی الله و نظم امرکم؛ شما دو نفر را به تقوای الهی و نظم و برنامه ریزی در کارها سفارش می‌کنم». (دشتی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۸)

(ب): مومن باید برنامه ریزی داشته باشد. امام علی علیه السلام فرمود:

«المومن ثلاث ساعات: فساعة یناجی فیها ربه و ساعه یرم معاشه و ساعه یرم نفسه و بین لذتها فیما یحل و یجمل؛ سزاوار است مومن را سه زمان باشد: زمانی که در آن با پروردگارش راز و نیاز کند، و زمانی که هزینه زندگی را تأمین کند، و زمانی را به خوشی های حلال و زیبا، اختصاص دهد». (دشتی، ۱۴۱۴، ص ۷۲۴)

واز آیه و روایات می فهمیم که نظم و برنامه ریزی به کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده کمک می کند.

۴,۹. چشم پوشی کردن از رفتارهای اعضای خانواده

روشی است که زمینه خوش خلقی در میان اعضای خانواده را ایجاد می کند تغافل آن است که آدمی چیزی را بدانند و از آن آگاه باشد ولی با اراده و عمد خود را غافل نشان دهد. این یکی از نمودهای مهم، خوش خلقی با همسر و اعضای خانواده است یعنی رفتارهای نامطلوب را که چندان چشمگیر نبوده و در خفا صورت گرفته است به رخ او نکشیم و خود را غافل از آن نشان دهیم، کسانی که مدام رفتار همسر و افراد خانواده خود را زیر نظر دارند علاوه بر آن که چهره های بد اخلاق از خود به نمایش می گذارند به کج رفتاری هرچه بیشتر همسر و افراد خانواده خود نیز دامن می زنند، برای اینکه خود را کنترل کنند لازم است هر موضوعی را که موجب اوقات تلخی آنها

می شود روی یک تکه کاغذ یادداشت کنند در موقع ناراحتی گله خود را اظهار نکنید. وقتی که اعضای خانواده و همسران در آرامش روحی هستید آن وقت شکایات را بیرون بیاورید و پیش خود بخواند بیشتر گله‌ها و شکایات به قدری در نظر شما کوچک و ناچیز جلوه خواهند کرد که از مطرح کردن آن خجالت می کشید و یادداشت را پاره کرده و به دور می اندازید اما وقتی درباره گله‌های عمده با همسران صحبت می کنید، سعی نمایید که عاقل، متین و منطقی باشید بدون شک شکایات شما با همکاری و علاقه دو جانبه از بین خواهد رفت. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۱)

(امیرالمومنین علی علیه السلام با اشاره به نقش مهم تغافل در آرامش زندگی می فرماید:

« کسی که تغافل نکند و چشم خود را از بسیاری از امور نبندد زندگانی تلخ خواهد داشت.» (گنت، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵)

۱۰.۴. سخاوتمندی میان اعضای خانواده

در موارد زیادی امساک و خودداری از بذل و بخشش به همسر و اعضای خانواده عامل تندخویی و بد اخلاقی طرف مقابل می شود و از سوی دیگر سخاوتمندی و بذل و بخشش به همسر و اعضای خانواده هم بدون درخواست قبلی از مصادیق خوش اخلاقی همسر و اعضای خانواده شمرده شده است که به رفتار و اخلاق پسندیده طرف مقابل نیز منجر می شود. امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

«خوش خلقی در سه چیز است دوری کردن از حرام، کسب حلال و توسعه اقتصادی بر خانواده.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۹۴)

در روایتی شخصی به نام حسین بن یشار واسطی می گوید: نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشتم و در آن نامه به حضرت عرض داشتم یکی از بستگانم برای خواستگاری من آمده است ولی بد اخلاق است چه کنم حضرت در پاسخ فرمودند:

«اگر بد اخلاق است به او زن ندهید». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۸۱،)

۴,۱۱. شوخ طبعی میان اعضای خانواده (تمسخر و تحقیر ممنوع)

شوخ طبعی یکی از بهترین ساز و کارهای دفاعی است. شوخ طبعی احساس کارآمدی ما را بالا می برد و باعث می شود به جای اینکه ترس و دست پاچگی مسیر ما را در مقابل تنش روشن سازد به آسانی و بدون ناراحتی با رویدادها مقابله کنیم و خویشتن را تایید کنیم از مشکل فاصله بگیریم و با این برخورد فرصتی پیدا کنیم تا راه حل هایی را بیابیم و برای مقابله عمیق تر با مشکل از آن استفاده کنیم و سرانجام ما در هر موقعیتی که باشیم با حمایت افراد خانواده واز حمایت آنان برخوردار شویم اعضای خانواده دوست دارند در کنار افرادی باشند که شاد و سرحال و شوخ طبع هستند یک شخص نمی تواند دو حالت واقعی غم و شادی را با هم داشته باشند بلکه می توانند به ظاهر غم را آشکار نسازد و با رفتار خود فرصتی را پیدا کند تا از عوارض منفی تنش دور بماند (حسین زاده، ۱۳۹۲، ص ۴) البته این نکته حایز اهمیت است که خوش خلقی در صورتی محصول خوش طبعی است که شوخی عاری از طعن و تمسخر بوده و آسیب های جانبی به همراه نداشته باشد. (حسین زاده، ۱۳۹۲، ص ۴)

۴,۱۲. تغذیه مناسب در نظام خانواده

انتخاب غذا نقش ویژه‌ای در خوش خلقی یا بد خلقی اعضای خانواده ایفا می‌کند از منابع دینی استفاده می‌شود که برخی غذاها در خوش خلقی تاثیرگذارند. رسول خدا می‌فرماید:

«کسی که چهل روز بر او بگذرد و گوشت نخورد بد اخلاق می‌شود و کسی را که بد اخلاق شد گوشت اطعام کنید». (حرعاملی ج ۲۵، ص ۴۱)

از این حدیث و امثال آن استفاده می‌شود که در گوشت ماده‌ای است که اگر برای مدت طولانی از بدن قطع شود در روحيات و اخلاق اعضای خانواده اثر می‌گذارد و کج خلقی به بار می‌آورد (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۱) آن حضرت در روایتی دیگر فرمود:

«از روغن استفاده کنید چرا که اخلاق را نیکو می‌سازد. توجه دقیق به وعده های غذایی به ویژه صبحانه و مواد غذایی مناسب زمینه‌ساز خوش خلقی همسر و افراد خانواده را فراهم می‌سازد. «کننت، ۱۳۸۲، ص ۱۹۷)

۴،۱۳ روحیه بخشی مناسب میان اعضای خانواده

تقویت مثبت یک شیوه بده وستان رفتاری است که زن و شوهر و فرزندان را مقید به مشاهده دقیق یکدیگر می‌کند. آنگاه موقعیتی که یکدیگر را به گفتن چیزی یا انجام کاری وا می‌دارد که احساس خوبی در آنها به خوبی می‌آورد آشکارا به صورت لفظی و غیر لفظی از یکدیگر قدردانی می‌کنند. (فرهنگیان، ۱۳۹۲، ص ۹) تقویت همسر و اعضای خانواده در هنگامی که آنان رفتار حاکی از خوش خلقی را منصفه ظهور می‌رساند در نهادینه شدن این گونه رفتارها نقش بسزایی دارد. برای کاربرد مطلوب مهارت تقویت توجه به نکات زیر لازم است از جمله سن آنان، امور مورد

علاقه آنان، احترام فرزندان به پدر و مادر، که در قرآن کریم (الاسراء، ۲۳، ۲۴) دستور احترام به پدر و مادر پس از مسئله توحید بیان شده است و این نشان دهنده اهمیت این حکم است، احترام زن و مرد نسبت به یکدیگر که پایه و اساس خانواده و احترام و محبت زن و شوهر نسبت به هم و رعایت حقوق یک دیگر است. دین اسلام نیز در این زمینه بسیار سفارش کرده است چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر کس زن گرفت باید او را گرمی بدارد و بر او احترام کند» (مجلسی، ۱، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴)

و. توجه و رعایت این نکات در زندگی باعث می گردد، رفتار و برخورد با اعضای خانواده تغییر نماید؛ زیرا همه انسانها خواستار احترام و محبت کردن به نظام خانواده و... هستند. لذا اگر خودشان هم این امور را رعایت کنند افراد خانواده هم از این رفتار احساس رضایت می کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ زندگانی گوارتر از خوش اخلاقی نیست» (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵۹)

کسانی که خوش اخلاق باشند با مردم خوش رفتاری کنند و با لب خندان سخن بگویند. در مقابل حوادث و مشکلات بردبار باشند محبوب همه به خصوص افراد خانواده هستند دوستان شان زیاد همه دوست دارند با او معاشرت و رفت و آمد کنند. عزیز و محترم است به ضعف اعصاب و بیماری های روانی مبتلا نمی شود بر مشکلات و دشواری های زندگی پیروز می گردد از زندگی لذت می برند و بر معاشرانش خوش میگذرد.

۴،۱۴ پرهیز از آفت حسد میان اعضای خانواده

همه ی اعضای خانواده بایستی یار هم در مسیر پیشرفت باشند. چرا که سعادت خانواده در گرو سعادت فرد فرد آن است و حسد آفتی در روابط خانوادگی محسوب می گردد. چنان که در خانواده یعقوب علیه السلام، حسادت برادران یوسف بر او، موجب جدای اعضای خانواده از همدیگر گردید. حضرت یوسف علیه السلام از کانون خانواده جدا شد و حضرت یعقوب علیه السلام سال ها از پسرانش دل رنجیده بود. در حدیثی از مولا امیر المومنین علیه السلام آمده است:

«الحسد ينكح العيش الحسد مرض لا يوسى؛ حسد زندگی را تنگ سازد و حسد یک مریضی است که قابل علاج نیست». (نوری ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۲)

در هر صورت با حسادت نوزیدن افراد خانواده زمینه صمیمیت و محبت میان اعضای خانواده رافراهم می کنند. روشن می شود که خوش خلقی امری غیر ضروری و تشریفاتی در خانواده نیست بلکه تامین کننده زندگی سعادت‌مندانه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«اگر انسان به پیامدهای خوش اخلاقی آگاه باشد که به خلق خوش احساس نیاز می کند» (مجلسی، ج ۱۰، ص ۲۶۹)

به خوبی نمایان است به گونه ای که می توان حسن خلق را یکی از اصلی ترین تعلیمات اسلام شمرد.

نتیجه گیری

توجه به کسب مهارت های حسن خلق در نظام خانواده مهم ترین عوامل برای زندگی سالم و با نشاط است. برای خوش اخلاق بودن لازم است نخست فرد احترام

به خود و اعتماد به نفس را در مورد خود رعایت نموده و دارای خویشتنداری باشد در نحوه رفتار با اعضای خانواده مراعات رفتار را نموده و در نتیجه فضای زندگی آمیخته به لطف، خوش رفتاری و جاذبه بین یکدیگر می شود برای رسیدن به کسب مهارت های حسن خلق در خانواده و حاکمیت صداقت در فضای خانواده پرهیز از سوءظن و آفت حسد، رازداری و وفا دارای و.... شناخت صحیح زن و مرد و فرزندان از یکدیگر شرط است، چراکه نمادهای خوش خلقی در دنیای زن و مرد و فرزندان با توجه به روحیه ها، سلیقه ها، برداشت و خواسته های آنان متفاوت است. این تفاوت اقتضای می کند. هر یک دیگری را به خوبی بشناسند تا با درک درست خود از دیگری خلق نیکویی از خود به نمایش بگذارد. شناخت درست تفاوت ها سبب می شود تا هریک از زن و مرد و افراد خانواده مهارت های متناسبی را برای ایجاد و تقویت خلق نیکو انتخاب کند خوش اخلاقی و ایجاد فضای صمیمی و شیرین خواه در زندگی شخصی خودمان به خاطر زندگی اجتماعی، شغل خود و محصول منش ماست نه ثمره قواعد و فنون، با آگاهی از آثار و برکات خوش اخلاقی انگیزه انجام رفتارهای مثبت را در میان اعضای خانواده افزایش می دهد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. خمینی، روح الله، (۱۳۷۳)، *چهل حدیث*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
۲. خامنه‌ای، علی، (۱۳۹۳)، *خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری*، تهران: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، چاپ شانزدهم.
۳. دشتی، محمد، صبحی، (۱۴۱۴)، *صالح، نهج البلاغه*، قم، موسسه دارالهجره، چاپ اول.
۴. کنت، دیویس، (۱۳۸۲)، *خانواده راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری*، ترجمه فرشاد بهاری، تهران، تذکیه.
۵. نصیر زاده، قاسم، (۱۳۹۰) *سیری در رساله حقوق امام سجاد علی*، بی جا، سیب سبز.

۶. هارجی، اون، (۱۳۷۷)، *مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه خشایاربیگی، تهران، رشد.
۷. ابن منظور، محمد ابن مکرم، (۱۳۰۰)، ج ۱۳، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه وآله)*، مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *غررالحکم ودررالكلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹) *وسایل الشیعه*، ج ۲۰، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۱. دیلمی، حسن، (۱۴۱۲)، *ارشادالقلوب*، ج ۱، قم، رضی.
۱۲. ذهنی تهرانی، محمد جواد، (۱۳۸۳) *علل الشرايع*، مومنین، چاپ ۴، بی جا.
۱۳. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، *جامع الخبر*، مطبعه حیدریه، نجف، چاپ اول.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۴۰۳) *الخصال*، جامعه مدرسین، بی جا.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۷) *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سی.
۱۷. طریحی، فخرالدین، (۱۹۸۵)، *مجمع البحرین*، ج ۵، بیروت، جامعه مدرسین.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. کراجکی، محمد بن علی، (۱۳۷۴)، *کنزالفوائد*، محقق و مصحح: نعمه، عبدالله، ج ۱، دارالزخایر، چاپ اول.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ج ۷۵، بیروت، موسسه الوفاء.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، *الاخلاق فی القرآن*، چاپ ۳، قم، مدرسه علی بن ابیطالب.
۲۲. المتقی الهندی، علاءالدین علی بن حسام، (۱۴۰۱)، *المحقق: بکری حیانی*، بی جا، موسسه الرساله.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸) *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت - لبنان، چاپ اول.

۲۴. نراقی، ملامحمد مهدی، (بی تا)، *جامع السعادات*، ج ۱، اعلمی، بیروت، چاپ ۴.
۲۵. حسین زاده، علی، (۱۳۹۲)، *خلق نیکو: بسترها، کارکردها و مهارت ها*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲۶. فرهنگیان، عباسعلی، (۱۳۹۲)، *یادداشت های من*، بی جا، بی نا.
۲۷. میرباقری، (۱۳۸۷) *بایسته های خانواده از دیدگاه قرآن*، به رنگ آسمان، انتشارات آستان قدس رضوی، بی جا.


مصادیق حسن معاشرت در خانواده با تأکید بر آیات قرآن

اعظم عزیزی پشته‌ریزه^۱

چکیده

تفاوت بسیار مهمی که انسان با سایر موجودات دارد این است که انسان موجودی است اجتماعی و نیازمند ارتباط و هم‌نشینی و هم‌زیستی با افراد دیگر جامعه است؛ که این گروه از افرادی که انسان در آن قرار می‌گیرد می‌توان خانواده‌ی او و یا جامعه اجتماعی باشد. انسان نیازمند به معاشرت است و گرنه زندگی او سرد و بی روح است، معاشرتی که نیکو و پسندیده بوده است و سرشار از عاطفه و محبت و صفا است. اولین جامعه‌ای که فرد در آن قرار گرفته است خانواده است. نظام خانواده جامعه کوچکی است که زن و شوهر از ارکان اصلی آن شمرده شده‌اند و برای پایداری و سلامتی این جامعه کوچک هر یک از اعضای آن باید به وظایف خود پایبند باشند. در آموزه‌های دینی و تربیتی به این دو وظیفه عنایت ویژه شده است. حسن معاشرت و رعایت آن از وظایفی است که در مقایسه با وظایف اخلاقی دیگر شاخص‌تر و پر اهمیت‌تر است، زیرا در محدوده‌ی زندگی خانوادگی نیاز به عاطفه و محبت شدیدتر است و کانون خانواده را گرم نگاه می‌دارد. به همین منظور در پژوهش پیش رو با روش تحلیلی و توصیفی مصادیق حسن معاشرت در نظام کوچک خانواده از قبیل: صفا، محبت، وفاداری، گذشت و خوش اخلاقی بررسی شده است. اگر در محیط خانه و خانواده والدین و فرزندان در تعامل با یکدیگر حسن معاشرت داشته باشند، زندگی سالم و اخلاق محوری نصیب آن‌ها گشته است، که باعث تحکیم بنیان خانواده و رفتن آن به سمت موفقیت و خوشبختی است. پژوهش پیش رو بوده است.

کلید واژه‌ها: آداب، حسن، خانواده، خلق، معاشرت.

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی 

مقدمه

خانواده همیشه و همه جا و در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی به شمار رفته است. خانواده گروهی از افراد است که پیوند زناشویی و خونی و یا روابط دیگر مانند فرزند خواندگی در بین آن‌ها برقرار است و کوچکترین بنای یک جامعه بشمار می‌رود. پرداختن به این بنای مقدس و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی هدف انسانی هر جامعه‌ای است. برای بقا و دوام این جامعه کوچک افراد آن باید با یکدیگر معاشرت حسنه داشته باشند. چون یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیاز روحی و روانی هر انسانی معاشرت و ارتباط سازنده داشتن با دیگران است. در یک خانواده از والدین گرفته تا فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و خلق و خوی یکدیگر موثر هستند. انسان در معاشرت با دیگران است که می‌تواند خود را بهتر بشناسد و ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود را دریابد و برای داشتن جامعه سالم و سرزنده و مستحکم نیازمند هستیم که خانواده‌های سالم و موفق داشته باشیم و خانواده‌ای موفق است که در آن روابط سالم و صحیح و مورد پسند خداوند وجود داشته باشد. مهم‌ترین عاملی که خانواده را تحکیم می‌کند از منظر دین اسلام اصل حسن معاشرت است که حاکم بر روابط باید باشد. لذا در پژوهش پیش رو مصادیق حسن معاشرت را در خانواده با تاکید بر آیات قرآن مورد بررسی قرار داده‌ایم تا با مصادق‌هایی از معاشرت حسنه در خانواده آشنا شویم. لازم به ذکر است این مصادق‌ها در آیات قرآن و روایات ائمه بررسی شده‌اند و از نگاه دین به آن پرداخته شده است.

۱. مفهوم شناسی حسن، معاشرت، خانواده

واژه حُسن در قاموس قرآن به معنای زیبایی و نیکویی آمده است. (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۵) در فرهنگ المنجد، زیبا شدن و نیکو شدن معنا شده است. (مألوف، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۸) واژه معاشرت نیز در کتاب معارف و معاریف به هم صحبت، رفیق، یار کسی شدن، همزیستی با گروه دوستان معنا شده است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۵۲۷) همچنین در لغت‌نامه معین به گفت و شنید کردن با هم، الفت و مصاحبت داشتن با یکدیگر آمده است. (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷) واژه دیگر این پژوهش خانواده است که در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی آن را چنین تعریف کرده‌اند: گروهی از افراد که از راه پیوند زناشویی و خونی و نیز روابط دیگر مانند فرزند خواندگی با هم در اقامتگاهی مشترک زندگی می‌کنند و کوچک‌ترین واحد اجتماعی نهادینه شده در جامعه را تشکیل می‌دهند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴، ج ۲۲، ص ۱) در معنای اصطلاحی حسن معاشرت علامه طباطبایی این چنین گفته است: آنچه عقل نظری و سنت‌های شایسته اجتماع پسندند و بشناسند و به رسمیت شناخته شود. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۰۵)

۲. مصادیق حسن معاشرت در خانواده

۱. وجود محبت و مودت میان اعضای خانواده

مهر و محبت حرف اول را در زمینه افزایش استحکام خانواده و روابط عاطفی خانواده با یکدیگر می‌زند. دوستی، عاطفه مادری، رفتارهای عاقلانه و عاشقانه در خانواده‌ها که معاشرت را به نحو سالم و صحیح دارند، بیشتر به چشم می‌خورد. محبت از زوجین شروع می‌شود و با انتقال به فرزندان جایگاه اصلی خود را در محفل گرم خانواده پیدا می‌کند. عاطفه مادری که اساس شکل‌دهی شخصیت کودک را تشکیل می‌دهد، از دریافت محبت زن از مرد نشأت می‌گیرد. پدری که دوست دارد

فرزندش از سلامت روان برخوردار باشد باید به محبت کردن به همسر خود اهتمام ورزد. فقدان فضای عاطفی و امنیت روانی، فکری و اجتماعی، نشانه‌ی خانواده‌ی ناسالم است. وجود مهر و محبت در خانواده چه از جانب والدین و چه از جانب فرزندان، فضای خانه را آرام و دل‌انگیز می‌کند. مسأله‌ای که مورد تأکید اسلام و قرآن است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

وَرَحْمَةً...﴾؛ و از نشانه‌های قدرت این است که از جنس شما همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و محبت قرار داد. (روم، ۲۱)

برای مرد و زن و به نفع آن‌ها از جنس خودشان زوج آفریده شده است که هر کدام با دیگری کامل می‌گردد و از مجموع آن‌ها واحد تام به نام خانواده تشکیل می‌شود و هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون به آن می‌رسد آرام می‌شود و هر نقصی داشته باشد، مشتاق به کمال رسیدن است. زوجین در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این محبت متقابل باعث می‌شود حوائج ضروری زندگی را تأمین کنند و به حفظ، حراست، تغذیه، لباس منزل و تربیت بکوشند و اگر این مودت نبود نسل بشر به کلی منقطع می‌شد و دوام نمی‌یافت. این اصل محبت و مودت است که زن و مرد را وادار به تشکیل جامعه کوچک خانواده کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۵۰) کودکی که بهره‌مند از مهر و محبت پدر و مادر است نگرش مطلوبی به خود و دیگران دارد و ارتباط سالمی با دیگران می‌تواند برقرار کند. سرمایه مهم خانواده آرامش و سکون است و خود محبت و آرامش در خانه نشانه سعادت و خوشبختی افراد است و این آرامش از مودت و رحمت والدین نشأت می‌گیرد و رابطه‌ای که از روی محبت،

مهربانی، رحمت و حرمت پایه‌گذاری شده است، سرمایه اجتماعی و معنوی یک خانواده سالم اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰)

۲.۲. رعایت حقوق والدین

از آنجا که اصل وجودی هر انسانی از پدر و مادر است می‌توان گفت در میان پیوندهای خویشاوندی هیچ کس به اندازه‌ی پدر و مادر به شخص نزدیک‌تر نیست بنابراین ارزش و احترام آن‌ها از همه مهم‌تر است. یکی از مصادیق مهم معاشرت احترام به والدین و رعایت سایر حقوق آنهاست. چنانچه در چهار سوره از قرآن احترام به والدین بلافاصله بعد از مسئله توحید قرار گرفته است. این هم ردیف بودن دو مسئله بیانگر این است که اسلام تا چه حدی برای والدین احترام قائل شده است. نیکی به والدین چنان مهم است که بسیاری از مستحبات یا واجبات کفایی که انجام آن بر فردی متعین نباشد منوط به رضایت والدین است. احسان و نیکی و اطاعت از والدین هرگز به چیزی محدود نمی‌شود و فرزند باید به مقدار امکان سعی و تلاش داشته باشد و در کسب رضایت الهی کوشا باشد و نباید کار خود را برای والدین کافی بداند (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۰) چنانچه در روایت آمده است که شخصی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید:

«حق والدین بر فرزند چیست؟ حضرت فرمودند: آن‌ها را با اسم صدا نزنند، جلوتر از آن‌ها راه نرود، بیش از آن‌ها نشینند و کاری نکنند که مردم پدرش را لعنت کنند». (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۲۷)

حق والدین حقوقی است که پدر و مادر بر عهده فرزند خویش دارند. رعایت حقوق والدین از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾؛ و برای هر دو از روی مهر و محبت بال فروتنی فرود آر و بگو: ای پروردگار من آنان را به پاس آن که مرا در کودکی تربیت کردند مورد رحمت قرار ده» (اسراء، ۲۴)

این آیه به این نکته اشاره دارد، یکی از اوصاف موحد واقعی احسان به پدر و مادر است. احسان به والدین در کنار توحید و اطاعت از خداوند آمده است تا نشان دهد این کار هم واجب عقلی و وظیفه انسانی است و هم واجب شرعی است. فرزند در هر موقعیتی باید نسبت به والدین متواضع باشد و کمالات خود را به رخ والدین نکشاند و این تواضع باید از روی مهر و محبت باشد نه ظاهری و ساختگی و یا برای گرفتن اموال از آنها. باید گذشته خود، تلخی‌ها و مشکلات کودکی را که بر والدین تحمیل شده است را از یاد نبرد. (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۶۱۳)

۲.۳. رعایت حقوق فرزندان

رعایت حقوق متقابل فرزندان از جانب والدین را می‌توان یکی دیگر مصادیق معاشرت دانست. رعایت حقوق متقابل فرزندان از جانب والدین علاوه بر اینکه یک فرمان الهی و امری شریعتی است، به صورت یک قانون تکوینی در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد. والدین موظفند موجبات خیر و صلاح فرزندان را فراهم آورند و تلاش لازم را برای تربیت صحیح فرزند خود به کار گیرند. دامنه حقوق فرزندان بر والدین بسیار وسیع است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: احترام کردن فرزند، نام گذاری خوب، آموزش و پرورش، آشنا ساختن فرزندان با آموزه‌های دینی، آموزش صحیح اخلاقی و.. والدین هر دو در مقابل فرزندان خود دارای مسئولیت‌هایی هستند. بعضی از تکالیف ویژه یکی از والدین است، مانند شیر دادن که بر عهده مادر است و یا سرپرستی و اداره امور مالی که تنها بر عهده پدر است و در مواردی هم حق و تکلیف

کودک بر عهده‌ی هر دو نفر است مانند: تربیت و نگهداری از کودک (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۲۹) فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند و پدر و مادر درباره‌ی سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آن‌ها مسئول‌اند و در برابر تربیت خوب پاداش و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید. چون فرزندان از محیطی که در آن رشد یافته‌اند می‌آموزند و آنگونه رفتار می‌کنند که با آن‌ها رفتار شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۲) از آنجا که بیشترین ارتباط فرزندان با والدین است در نتیجه بیشترین تاثیرپذیریشان از اعمال و رفتار والدین است. شاید بدین جهت است که در شریعت آسمانی اسلام تاکید بر حفظ حرمت فرزندان شده است. رعایت حقوق فرزندان در خانواده یکی از امور مهم و ضروری و همچنین از ستبرهای لازم برای رشد و پرورش کودکان از جهات مختلف است. در روایتی پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«حق فرزند بر پدر این است که مادرش را سرزنده و گرامی بدارد و نام نیکو بر وی نهد و اگر پسر باشد قرآن به وی بیاموزد و او را ختنه کند و شنا کردن را به او بیاموزد. و اگر دختر باشد سوره‌ی نور را به او آموزش دهد و او را در جایی از خانه ساکن نکند (کنایه از این که محیط تحصیل، کار و زندگی او در معرض دید و ارتباط نامحرمان نباشد.) و در ازدواج او شتاب کند.» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۴۹)

تربیت فرزندان و فراهم آوردن موجبات رشد و کمال آن‌ها یکی از حقوق اساسی آن‌هاست. که یکی از تکالیف والدین در عرصه خانواده اسلامی به حساب می‌آید. مراعات حقوق فرزندان که اسلام بزرگ‌ترین هوادار آن است هم ضامن سعادت دنیا و هم آخرت والدین و فرزندان است و هم موجب سلامت جامعه‌ی بشری است.

۲.۴. همکاری و تعاون در خانواده

خانواده به عنوان نهاد اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌دهد. مشارکت پذیری اعضای خانواده به عنوان نیاز اجتناب ناپذیر عصر ما، همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف تحت پوشش قرار می‌دهد. همکاری در خانواده به معنای مشارکت در تمام امور خانواده است. خانواده مانند یک جامعه کوچک است که تمام اعضای آن یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن هم پویایی و توسعه و در نهایت خوشبختی است. شایسته است والدین در کنار تلاش همیشگی خود در تربیت صحیح فرزندان خود به ایجاد روحیه‌ی تعاون و همکاری نیز در آنها همت داشته باشند. در پرتو همکاری است که بار زندگی را بهتر می‌توان حمل کرد و سختی‌ها را راحت‌تر می‌توان حمل نمود. البته این همکاری و تقسیم کار در خانواده همواره باید برحسب جنسیت و توانایی افراد باشد (بستان، ۱۳۹۳، ص ۶۸) تعاون و همکاری یکی از موارد مورد تأکید اسلام است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿..... وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید و از خدا پروا کنید که سخت کیفر است. (مائده، ۲)

تردیدی نیست که مدیریت مبتنی بر همکاری و همیاری، مدیریتی کارآتر و موفق‌تر است چون توان افراد با در کنار هم قرار گرفتن و همیاری افزایش جدی می‌یابد و میزان آسیب پذیری و شکنندگی افراد به شدت کاسته می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه توان و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است.» (دشتی، خ ۲۱۶) یکی از راه‌هایی که سبب موفقیت خانواده‌ها می‌شود همکاری بین آنهاست و والدین باید کارها را میان اعضای خانواده بر اساس سن و توانایی آنها تقسیم کنند و با در نظر گرفتن سن، جنس و توانایی هر فردی او را وادار به انجام کارها کنند تا روحیه‌ی همکاری و تعامل

در افراد بالا رود و خانواده با هم امورات خانه و خانواده را انجام دهند و معاشرت خوب و منصفانه‌ای در این مسیر داشته باشند.

۲,۵. حاکمیت صداقت

صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاقی انسانی است که در آموزه‌های اسلامی از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک بختی انسان شناخته شده است. صداقت از اوصاف مؤثر در روابط خانواده است که زمینه اعتماد و برقراری رابطه‌ی مستحکم را فراهم می‌کند. نبود صداقت در زن یا شوهر فضای خانواده را به بی اعتمادی و بدبینی می‌کشد و زمینه اختلاف را فراهم می‌آورد. نبود صداقت فضای خانه را مسموم و باعث افزایش بی اعتمادی و بدبینی می‌شود. ما باید فضای خانواده را به گونه‌ای هدایت کنیم که افراد خانواده نجات خود را در گرو صداقت در گفتار و رفتار خویش بدانند و این امر زمانی محقق می‌شود که رفتار و گفتار ما برای خانواده امنیت خاطر لازم را فراهم کند. یعنی آن‌ها باور کنند دانستن حقیقت باعث خشنودی ما می‌شود. اگر در خانواده صداقت در گفتار از بین برود تمام راه‌های تحکیم و تقویت خانواده را نیز از بین می‌برد (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸) بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اختلافات خانوادگی و مشاجره بین افراد به خاطر پدیده‌ای به نام بی‌صداقتی است. در تعلیمات اسلامی به مسئله صداقت و مبارزه با کذب فوق‌العاده اهمیت داده شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴾؛ فقط کسانی به خدا و پیامبر دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند و این‌ها دروغگوی واقعی‌اند». (نحل،

صداقت باعث استحکام خانواده و عدم صداقت و دروغگویی از عوامل تخریب خانه و خانواده است. عدم صداقت ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب می‌کند و سپس به خانواده و جامعه ضرر وارد می‌کند. همه ما می‌دانیم مهم‌ترین سرمایه افراد خانواده اطمینان است و چیزی که این سرمایه را به نابودی می‌کشد دروغ و خیانت و تقلب است و یک دلیل عمده بر اهمیت فوق‌العاده صداقت و راستگویی در تعلیمات اسلامی همین موضوع است. گفتار افراد باید با واقع مطابقت داشته باشد تا روابط استوار بماند و در خانواده و افراد آن این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲،۶. روحیه عفو و گذشت

در آموزه‌های دینی مدارا در ارتباط با دیگران بخصوص اعضای خانواده مورد توصیه واقع شده و همسران را به ایجاد فضای آرام و به دور از تنش دعوت می‌کند. زندگی مشترک به گونه‌ای است که والدین به طور طبیعی در حالات و روحيات یکدیگر دقیق می‌شوند و به عیوب هم پی می‌برند. اما نباید بازگو کردن عیوب یکدیگر منجر شود که صورت شادکامی از صفحه زندگی بیرون رانده شود. در واقع بخشش و گذشت در روابط زناشویی همواره فرصتی را فراهم می‌آورد که طرف خاطی بتواند رفتار خود را بهبود بخشد. زندگی توأم با گذشت مایه ایجاد آرامش و آسایش روحی افراد خانواده است. کسی که در زندگی گذشت ندارد همواره به دنبال فرصتی است که انتقام بگیرد و از این رو دغدغه‌ی روحی او، آرامش را از او سلب می‌کند ولی کسی که فارق از این خصیصه است بدون هیچ نگرانی و کینه‌ای نسبت به همسر خویش و فرزندان با آرامش خاطر زندگی می‌کند و از بهانه‌جویی بیهوده و زیان‌بار دوری می‌جوید. کینه‌توزی و لجباجت ویژه روح‌های حقیر و همت‌های پایین است برعکس آنان که بلند نظر و روح بزرگ دارند پوزش‌ها را می‌پذیرند و از خطاهای دیگران چشم‌پوشی می‌کنند و از حق شخصی خود می‌گذرند. عفو و گذشت دانه‌های جلب

محبت است و دیگران را خوش بین و وفادار و با محبت نگاه می‌دارد (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۴۴) خداوند در آیات بسیاری بر ارزشمندی عفو و گذشت تأکید کرده است. به طور مثال خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ آنان که در گشایش و تنگ‌دستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطاهای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد». (آل عمران، ۱۳۴)

این آیه عفو و گذشت را تمجید می‌کند. کسی که متقی است با گذشت از مال و با اخلاق خوب با مردم معاشرت دارد و در مورد خطاکار عفو نشان می‌دهد و خشم و غضب خود را فرو می‌برد تا محبوب خدا واقع شود. عفو و گذشت از نظر عقل و شریعت امری ارزشی و رفتاری پسندیده و نیکوست (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۰۸) در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو برد، مگر آنکه خداوند عزت او را در دنیا و آخرت فزونی بخشد». (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۰)

۲.۷. حسن ظن

از دستورات دینی که فراوان بر آن تأکید شده این است که افراد جامعه اسلامی باید به دیگران گمان بد نبرند و همان گونه که به خود خوش گمان هستند به دیگر مومنان نیز خوش گمان باشند. حسن ظن به عنوان یک دستور اخلاقی در خانواده و روابط میان همسران اهمیت بیشتری دارد و لازم است همسران از هر گونه گمان بد نسبت به هم بپرهیزند تا زمینه آرامش و سازگاری آنان بیشتر فراهم شود. بدگمانی باعث می‌شود امنیت روحی از اعضای خانواده رخت بربندد و فضای روحانی و

مقدس خانواده آلوده شود و احساس آرامش به احساس اضطراب تبدیل شود. مهم ترین عامل در امان ماندن از سوءظن آن است که از بروز زمینه آن جلوگیری کنیم. تعالیم دینی نیز با استفاده از این روش مومنان را از وقوع این پدیده برحذر داشته است. حسن ظن به دیگران در پی آرامش روحی و روانی از سویی و دوری از گناهان و رذایل اخلاقی از سوی دیگر محبت دیگران را به فرد جلب می کند و آنان را به وی علاقه مند می سازد. (بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱) در قرآن به آن به حسن ظن به عنوان یکی از صفات نیک پسندیده اخلاقی به طور کامل پرداخته شده است. خداوند می فرماید:

«لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا زنان و مردان با ایمان هنگامی که آن تهمت بزرگ را شنیدند در باطن و قلب خود نیک اندیشی نکردند و نگفتند این تهمتی آشکار است.» (نور، ۱۲)

خداوند در این آیه زنان و مردان مومن را به خاطر بدگمانی و آسیب پذیری آنان در برابر شایعات و حدس و گمان ها توبیخ می کند و به این نکته اشاره می کند که همانطور شما دوست دارید دیگران در موردتان حسن ظن داشته باشند، شما هم در رابطه با دیگران حسن ظن داشته باشید و از گمان بد بپرهیزد. برا اینکه مومنان باید بدانند که دامن زدن به شایعات ممنوع و ناپسند است و افراد در برابر آبروی یکدیگر مسئول هستند و تهمت زدن و سوءظن به هر یک از افراد همانند تهمت زدن به دیگر اعضا می باشد. (قرآتی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۵۳) و در آیه ای دیگر از قرآن خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...﴾؛ ای اهل ایمان از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، زیرا بعضی از گمان ها گناه است.» (حجرات، ۱۲)

در این آیه خداوند سوءظن را نهی می‌کند و مومنان را به حسن‌ظن دعوت می‌کند. زیرا یکی از عوامل از بین برنده‌ی اخوت و دوستی میان افراد سوءظن است. سوءظن بر روی افکار و رفتار انسان اثر گذاشته و او را به گناهان سوق می‌دهد و این آیه ما را بر حذر داشته از سوءظن تا به وادی گناه و خطا کشیده نشویم چون انسان عاقل کسی است که احتیاط کند و از هر آنچه او را به سمت گناه ببرد بپرهیزد و دوری کند. (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۱۸۹) خداوند متعال بنای خانواده را بر اساس مودت و رحمت قرار داده و یکی از عوامل جلب این مودت و رحمت حسن‌ظن به همسر است. این فضیلت اخلاقی تأثیری شگرفی بر استحکام بنیاد خانواده دارد.

۲.۸. دوری افراد خانواده از انحرافات

نهاد خانواده از منظر اسلام دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن وجود روابط صحیح و سالم میان افراد آن است. اولین شرط یک جامعه سالم و پویا سلامت و پایداری خانواده‌هاست. معنای زندگی مشترک بین زن و مرد نظیر شرکت سهامی یا تعاونی برای تجارت و مانند آن نیست بلکه هماهنگی عقیفانه و مهربانانه برای اظهاریت خدای سبحان و خلافت الهی خود و فرزندی است که پدر و مادر مجرای خالقیت او هستند. (بستان، ۱۳۹۳، ص ۷۵) در خانواده روابط باید صحیح و سالم باشد و کنترل اجتماعی صورت گیرد تا از هر گونه آسیب رفتاری به دور باشد. افراد به انگیزه اطاعت از حق و جلب رضایت خداوند باید رفتار خود را کنترل کنند و از انحرافات اخلاقی و رفتاری دوری کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای مومنان خود

و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است حفظ کنید.» (تحریم، ۶)

در تفسیر این آیه آمده است که کنترل و نظارت اجتماعی از وظایف اصلی خانواده است. این آیه دلالت بر دعوت خود و اهل خود به خوبی‌ها و کنترل خود و خانواده از زشتی‌ها می‌کند. نگهداری خود و خانواده از زشتی‌ها به ساخت محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی و معاصی بستگی دارد. (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۸۷) حق زن و فرزند تنها تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه نیست بلکه مهم‌تر از همه تغذیه روح و جان است. خانواده محل کسب هویت اجتماعی سالم و خوبی‌ها است. شخصیت در خانواده ساخته می‌شود و این نوع رفتار و گفتار افراد با هم است که به شخصیت افراد یک خانواده سمت و سو می‌دهد و هر چقدر این رابطه سالم‌تر و اخلاقی‌تر باشد، افراد نیز شخصیت خوب و شایسته‌ای خواهند داشت و از انحرافات اخلاقی و اجتماعی مصون خواهند ماند.

۲،۹. تضمین تحکیم خانواده

مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همگی اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده به سکونت رسیدن اعضاست، لازم است که همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم به کمال رساندن همین سکونت است. در تمام شرایع آسمانی محبت ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر، رسیدگی به کودکان عبادت محسوب می‌شود و امری مقدس است. افراد به انگیزه اطاعت از حق و جلب رضای خدا به طور شایسته با هم معاشرت دارند. البته این اطاعت هم از سوی زن و هم مرد پسندیده است. محدوده‌ی خانواده در مدار مهر و محبت می‌گردد و همواره معاشرت نیکو رکن اصلی آن بوده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۰) خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ و با آنان به صورتی پسندیده رفتار کنید.

کلمه معروف در این آیه به معنای هر امری است که مردم آن را بشناسند و آن را بپسندند و آن را انکار نکنند و خداوند معاشرت کردن با زنان را مقید کرده به معروف، یعنی با زنان معاشرتی باید وجود داشته باشد که در بین مسلمانان معروف باشد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۰۴) خوش‌رویی، مسالمت زوجین با یکدیگر، دوری از اعمال آزاردهنده و دوری از داد و فریاد و یا ناسزاگویی حسن معاشرت است. یعنی اگر زوجین با یکدیگر بد رفتاری نکنند و موجب آزار و اذیت یکدیگر نشوند در واقع با یکدیگر حسن معاشرت دارند و خانواده آن‌ها محکم و استوار است. درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضا اولین گام در تضمین روابط است. هر یک از افراد باید به هدف اصلی خانواده که سکونت اهل آن است توجه داشته باشد و در جهت تأمین و تضمین آن تلاش کند. اهداف خانواده و اقتضای تاسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و مرد در تحکیم و پایداری این بنا کوشش کنند. خانه با هر محیط دیگری متفاوت است و زن و مرد بیش از هر وظیفه‌ی دیگری مسئول ایجاد امنیت و حفظ آن و آرامش دادن به افراد آن در خانواده هستند. برای ایفای این نقش مهم اخلاق مهم‌ترین نقش را دارد. در این رابطه سخن از عواطف انسانی، عشق، صمیمیت و وفاداری است که باید با حسن معاشرت آن را ایجاد کرد چون خانواده نهاد مقدسی است و رکن بنیادی اجتماعی است که سعادت و شقاوت جامعه‌های اسلامی در گرو کارکرد صحیح خانواده است که هر یک از اعضای آن باید به وظایف خود عمل کنند و حسن معاشرت مهم‌ترین وظیفه زن و مرد در این جامعه کوچک است که باعث دوام و بقای این جامعه کوچک خواهد شد.

نتیجه‌گیری

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه اسلامی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد را عهده‌دار است. اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی با ایمان و سالم

در آن پرورش دهند نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل و سازنده داشته باشند. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و راهنمای بشر بخشی از آیات خود را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده و حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. یکی از این اصول حاکم بر روابط افراد حسن معاشرت است. رابطه‌ای که هر یک از افراد خانواده در قبال دیگری موظف به رعایت کردن است. حسن معاشرت جایگاه ویژه‌ای در اخلاق اسلامی دارد؛ معاشرتی است مطلوب که موجب تقرب انسان به خداوند و تقویت ایمان فرد شود و در حفظ هویت او مفید باشد. خانواده‌ای که چنین رابطه‌ای در بین اعضای آن برقرار است نمونه یک خانواده موفق می‌باشد. هر کسی به عنوان عضوی از خانواده‌ی انسانی در قبال سایر انسان‌ها و هم‌نوعان، وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی خاصی بر عهده دارد. این گونه از معاشرت‌ها به دلیل تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای که بر روی شخصیت انسان دارد مورد توجه و تأکید قرآن و دین است و روایات بسیاری هم در این زمینه وارد شده است و نتیجه‌ی مهمی که از این پژوهش بدست آمده این است که هنگام برخورد با دیگران خود را به جای آن شخص گذاشته و آن چه را برای خود نمی‌پسندیم برای آن نیز نپسندیم و آنچه برای خود خوش می‌داریم برای اون نیز خوش بداریم. این قانون در حقیقت معیار و ملاک کلی و عام برای اخلاق فردی و اجتماعی و نحوه معاشرت با دیگران است و بسیاری از مکاتب اخلاقی این قانون را پذیرفته‌اند و از آن بهره برده‌اند.

فهرست منابع

*قرآن

*نهیج البلاغه

۱. بستان، حسین، (۱۳۹۳)، *جامعه شناسی خانواده*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
۲. بهشتی، احمد، (۱۳۹۴)، *خانواده در قرآن*، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ سیزدهم.
۳. بیگی، روح الله، (۱۳۸۹)، *ارزش های اجتماعی در قرآن*، قم: انتشارات اسوه، چاپ چهارم.
۴. جوادی آملی، (۱۳۹۴)، عبدالله، *مفاتیح الحیاة*، قم: نشر اسراء، چاپ هشتاد و هشتم.
۵. -----، (۱۳۹۴)، *خانواده متعادل و حقوق آن*، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
۶. حسینی دشتی، مصطفی، (۱۳۹۳)، *معارف و معاریف*، تهران: سپید موی اندیشه، چاپ یکم.
۷. خامنه ای، علی، (۱۳۹۳)، *خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری*، تهران: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، چاپ شانزدهم.
۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سی.
۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۹)، *تفسیر نور*، قم: درس هایی از قرآن، چاپ شانزدهم.
۱۰. قریشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن (معجم قرآنی)*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۲)، *اصول کافی*، ترجمه: حسین استاد ولی، نشر دارالتقلین، چاپ سوم.
۱۲. مألوف، لوئیس، (۱۳۸۷)، *فرهنگ المنجد*، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: نشر تهران اسلامی، چاپ دوم.
۱۳. محدثی، جواد، (۱۳۸۹)، *اخلاق معاشرت*، قم: بوستان کتاب، چاپ بیست و سوم، ه.ش.
۱۴. معین، محمد، (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: نشر فرهنگ نما، چاپ یکم.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا) *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ شصت و سوم.
۱۶. موسوی بجنوردی، (۱۳۹۴)، کاظم، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: نشر دایره المعارف اسلامی، چاپ یکم.

راهکارهای تقویت روابط عاطفی خانواده در برابر مشکلات از منظر آیات و روایات سمیه رضایی^۱

چکیده

بنیان خانواده از مباحث بسیار مهم اسلام است؛ هدف اساسی آن، تربیت انسان‌ها و تامین سعادت بشر در تمام ابعاد وجود است. خداوند متعال برای تقویت روابط عاطفی کانون پر مهر خانواده را بهترین محیط قرار داده است امروزه مشکلات فراوانی که وجود دارد باعث تضعیف روابط عاطفی بین زوجین میشود و آسیب‌های جبران ناپذیری را بر کانون خانواده وارد می‌سازد ارتباط عاطفی بین زن و شوهر که اساسی‌ترین ارکان یک خانواده هستند، بر اساس رهنمودهای معصومین علیهم‌السلام تداوم می‌یابد. در رابطه با این موضوع تحقیقات فراوانی انجام شده است اما آنچه باعث امتیاز این تحقیق شده این است که بر پایه یافته‌های از قبیل: تقوا، صداقت، خوش خلقی، محبت، گذشت، مشارکت و همکاری و... این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی راهکارهای مناسبی ارائه شود که زوجین در برابر مشکلات روابط عاطفی خود را حفظ و تقویت کنند و از آسیب‌های که باعث فروپاشی کانون خانواده می‌شود جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، اسلام، خانواده، روابط عاطفی، زوجین

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته‌الله قم.

مقدمه

پرداختن به موضوع خانواده اگرچه جدید نیست اما همچنان جدی است. خانواده بنیادی‌ترین سلول پیکره‌ای به نام جامعه است و در پیدایش افکار و اخلاق جامعه و ایجاد یک هویت جمعی اثر گذار است. خداوند در تبیین عظمت تشکیل خانواده روشن می‌سازد که این نهاد بر اساس یک پیمان‌نامه بسیار مستحکم شکل گرفته است. خانواده مناسب‌ترین جایگاه برای تامین نیازهای انسان می‌باشد و می‌تواند بهترین بستر را برای تامین امنیت و آرامش روانی، پرورش نسل جدید و رفع مشکلات فراهم کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمایند: «در اسلام بنایی گذاشته نشده است که نزد خدا محبوب تر و بهتر از ازدواج باشد». (عاملی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۱۴، ص ۳) ارتباط، نگاره‌ای است برای سنجش افراد و وسیله‌ای است برای تغییر در سطح رفتار. زمینه‌هایی در ارتباط اشخاص در طول زندگی شان به وجود می‌آید و بر تمام روابط آنها تأثیر می‌گذارد. از جمله آن، ارتباط زن و مرد در قالب ازدواج است که از دقیق‌ترین و ظریف‌ترین نوع ارتباط‌هاست اگر ازدواج آنطوری که پیشوایان دین دستور دادند مورد اجرا و عمل قرار بگیرد بسیاری از مشکلات به حداقل می‌رسد. از این رو در تقویت رابطه زوجین عواملی وجود دارد که می‌توان آن را شناخت و بر روی آن کار کرد. باتوجه به آنچه بیان شد، محوری‌ترین سوال مقاله این است؛ از منظر آیات و روایات چه راهکارهایی برای تقویت روابط عاطفی خانواده در برابر مشکلات وجود دارد؟ روابط عاطفی چیست؟ آیاراهکارهای رفتاری در تقویت روابط عاطفی خانواده تأثیر دارد؟ راهکارهای زبانی در تقویت روابط عاطفی خانواده چه تأثیری دارد؟ تقویت ارتباط زوجین چه تأثیری در پیشگیری مشکلات دارد؟ وقتی ارتباط عاطفی زوجین سلامت خود را از دست دهد، در درجه اول گسترش خلأهای عاطفی رخ می‌دهد. وقتی خلأها، بروز کند، به دنبال آن مشکلاتی به وجود می‌آید. خانواده‌ای که در تقویت و شناخت راه‌های

تقویت روابط بی توجه باشد قطعاً با مشکلاتی روبرو خواهند بود. در این زمینه از آثار فراوانی استفاده شده است. از جمله کتاب‌های: خانواده و مسائل همسران جوان، روابط سالم در خانواده، صمیمانه با عروس و داماد، خانواده موفق، همسر داری، زناشویی اسلامی، چگونه بهترین همسر برای شوهرم باشم، که نگارنده به روش کتابخانه‌ای و میدانی در پاسخ به سوال مقاله و بررسی دقیق و تثبیت برخی از فرایض آن اقدام کرده است کاری که نگارنده‌های پیشین بر حسب آمار و احتمال نگاشته‌اند. نویسنده این مقاله بصورت زنده و مهم‌ترین و اساسی‌ترین بحث را از میان مباحث فراوان و مفصل روابط عاطفی زوجین در برابر مشکلات به بررسی نهشته است. و هدف از نگارش این مقاله آن است که راهکارهایی برای خانواده‌ها ارائه دهد تا بتواند در تقویت روابط آنها موثر باشد.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. روابط عاطفی

ارتباط شامل داشتن دیدگاهی برای نزدیکی یکدیگر است که اجازه می‌دهد احساسات شخصی خود را با هم در میان بگذارید و بعلاوه با انتظار درک شدن، دریافت مهربانی، محبت و نشان دادن توجه همراه است. عاطفه در لغت از ریشه عطف است و به معنای توجه مهربانانه، تمایل، روی آوردن مهرورزی به دیگری است. عاطفه «عاطفه یک حالت درونی است که جلوه و انعکاس آن یه صورت هیجان بروز می‌کند». اهمیت موضوع از آنجا مشخص می‌شود که در قرآن و روایات ائمه علیهم‌السلام به این موضوع فراوان اشاره و بر آن تأکید شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْ تُكَذِّبُوا وَلَوْ كُنْتُمْ قَطَّاءَ غَلِيظِ الْقَلْبِ لَا نَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾؛ به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند» (آل عمران، ۱۵۹)

منظور از ارتباط عاطفی این است که در انسان کششهایی وجود دارد که بر اساس توجه به خود و تامین احتياجات و منافع فردی نیست بلکه در افقی برترین نوع گرایش ها است. مانند: دوستی، مهر، محبت نسبت به همسر و همدردی با او و از خود گذشتگی. از این نوع گرایش ها که توجه انسان را به طور آگاهانه از محور خود خارج و به سمت غیر معطوف می کند، به روابط عاطفی تعبیر می شود. (فقیهی، ۱۳۹۲، ص ۷۵-۱۰۱)

(حضرت علی علیه السلام می فرماید:

﴿من شرفت نفسه كثرت عواففه﴾؛ کسی که نفس او شریف باشد، عواطف، مهر و شفقت او بسیار شود». (آمدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۶۲)

۲.۱. خانواده

خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق می شود که با هم زندگی می کنند. (اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۲۰-۲۳) خانواده طبیعی ترین واحد تولید مثل و فراگیری واحد اجتماعی است. خانواده نیروی انسانی جامعه را فراهم می آورد. بنابراین سلامت همه جانبه اعضا در سلامت اجتماعی تاثیر اساسی دارد. (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۱۸۲) خداوند در قرآن می فرماید:

﴿وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾؛ و شما را به صورت زوج ها آفریدیم». (نبأ، ۸)

۲. راهکارهای رفتاری تقویت روابط عاطفی

هر خانواده ای بدون استثناء می‌خواهند زندگی مشترک و با صفا و لذت بخش و سعادت‌مندی داشته باشند و برای یافتن چنین سعادت‌تی به دنبال عوامل خوشبختی و سعادت می‌روند تا بتوانند روابط عاطفی را در بین خانواده تقویت کنند. از این رسوال می‌کنند، می‌اندیشند، کتاب می‌خوانند، مشورت می‌کنند تا به مقصود خود برسند. در ذیل به راهکارهایی در این مورد اشاره می‌گردد:

۱.۲. تقوا

تقوا موجب گشایش در زندگی می‌شود. کسی که در زندگی تقوا دارد تمام جوانب زندگی را می‌سنجد. با همسرش با مهربانی رفتار می‌کند و اگر عصبانی شود به راحتی می‌تواند کنترل کند و این باعث تقویت یک رابطه عاطفی خواهد شد. پس تقوا مشکل گشای زندگی است. انسان با تقوا توان مهار نفس و انتظار کشیدن و به تاخیر انداختن خواسته‌ها و تحمل در برابر مشکلات را دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ ؛ ای اهل ایمان اگر خداترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد و گناهان شما را ببوشاند. (انفال، ۲۹)

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «زوجها من رجل تقى فانه ان اجبها اكرمها وان ابغضها لم يظلمها» (طبرسی، ۱۴۱۴هـ-ق، ص ۲۰۴)

در سخن امام حسن مجتبی علیه السلام نکته مهمی وجود دارد و آن اینکه تقوا با وجود محبت به تکریم همسر می‌انجامد و بدون محبت موجب پیشگیری از همسرآزاری خواهد شد

۲.۲. محبت

همه مردم دوستی و محبت رادوست دارند. دل انسان به محبت زنده است. کسی که بداند محبوب کسی نیست خودش را بی کس و تنها می شمارد. همیشه پژمرده و افسرده است مردها از این احساس غریزی خالی نیستند، آنها تشنه عشق و محبت هستند. قبلا از محبت‌های بی شائبه پدر و مادر برخوردار بوده اند اما از آن هنگام که پیمان زناشویی بستند خودشان را در اختیار زن قرار می‌دهند و همین امر نیز در مورد زنان صدق می‌کند. (سهیلی راد، ۱۳۹۰هـ-ش، ج ۱، ص ۹۸)

زن و مرد وقتی به یکدیگر محبت می‌کنند در واقع روابط عاطفی خود را تقویت کرده اند. اصلی ترین موضوع که اثربخشی و سرشار از پویایی و طراوت به همراه خود دارد محبت و دلدادگی است. سرسبزی و شادابی کانون خانواده و بستگی به حضور با نشاط یک زن دارد. اما نشاط و سرزندگی یک زن به محبت مرد وابسته است. برای اینکه زنی بتواند به خانه و همسر و فرزندان با شور و علاقه رسیدگی کند و صفا و صمیمیت را در زندگی جاری سازد و مشکلات را کم کند، به دوست داشتن و ابراز محبت شوهرش نیازمند است. (محمد زاده، ۱۳۸۴هـ-ش، ص ۶۵) خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾؛ هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست همیشه بدی خلق را به بهترین عمل (که خیر و نیکی است) یادش ده تا همان کسی که گوئی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد». (فصلت، ۳۴)

امام الصادق علیه السلام می‌فرماید: «العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد في الايمان فضلا؛ هرچند محبت همسر در قلب بنده زیادتیر شود فضیلت ایمانش زیادتیر گردد». (صدوق، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۵)

۳،۲. احترام و تکریم یکدیگر

دریک خانواده شاید رعایت کامل آداب امکان‌پذیر نباشد ولی وجود احترام متقابل اصلی اساسی است. درگیری‌ها و اختلاف‌ها و مشکلات، هنگامی پدید می‌آیند که پرده حرمت میان آنها دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نباشند. مهمترین شیوه برای جلوگیری از پیدایش مشکلات و تقویت روابط عاطفی زوجین، تحکیم روابط آنان است. تکریم همدیگر طرفین را به هم علاقمند می‌کند. حرمت گزاردن به هم یک حسن است. و هرزن و مرد باید نکات مثبت زندگی همسر خود را بیابد و او را برای آن نکات تکریم کند. (قائمی، ۱۳۷۰هـ-ش، ص ۲۵۸) بزرگداشت و تکریم شخصیت نیاز طبیعی هرا نسان است. انسان به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده به ذات خویش علاقه دارد و مایل است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرد و گرمی بدارند. اگر نیاز طبیعی تکریم شخصیت هر فرد در خانواده تامین شود احساس آرامش و اعتماد به نفس می‌کند. چنانکه کرامت انسان حفظ نشود سوءظن و بدبینی‌ها سراسر وجود او را فرا می‌گیرد و در پی انتقام جویی بر خواهد آمد از این رو در احادیث معصومین درباره کسانی که تحقیر شدند و به عزت نفس آنها خدشه وارد شده است روایت‌های زیادی وجود دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا نشاندم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری دادیم. (اسراء، ۷۰)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مامن رجل تكبر الا لذله وجدها في نفسه؛ هیچکس تکبر و طغیان نمی‌کند مگر در اثر ذلتی که در نفس خویش احساس می‌کند.» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۱۳)

۲، ۴. چشم پوشی از خطاها

یکی دیگر از راههای تقویت روابط زوجین در برابر مشکلات چشم پوشی زن و شوهر از لغزش ها و اشتباه های یکدیگر است. زیرا زن و شوهر همانند دیگر انسانها روحیات و طرز تفکری دوگانه دارند. آنهایی که مدعی اند در همه موارد مانند هم می اندیشند و موافق و هم آهنگ هستند شاید هنوز زمینه و موقعیتی نیافتند که خصلت های واقعی همدیگر را بشناسند. حتی اگر زن و شوهری با روحیه مشترک پیدا شوند باز هم هیچ یک از اشتباه و خطا و عصبانیت در امان نیستند. از این رو اهمیت گذشت و تاثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می شود. وجود گذشت بی گمان کانون خانواده را با حرارت نگاه می دارد، عشق و ارتباط عاطفی را افزایش می دهد و به اختلاف و مشاجره پایان می بخشد. گذشت نشانه حسن و نیت و خوش بینی به زندگی است، گذشت و چشم پوشی در عواطف عاطفی طرفین اثری نیکو دارد و طرز فکر و شیوه عمل آنان را متحول خواهد کرد. (حسینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۹) خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی دارید، خداوند شمارا ببخشد؟ خداوند آمرزنده و مهربان است». (نور، ۲۲)

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: «لا تدقوا الناس و زنا بوزن و عظموا قدارکم بالتافل عن ادنی من الامور؛ با مردم درباره ریز امور حسابگری نکنید و با چشم پوشی از کارهای پست برقدر و ارزش خود بیفزایید». (حرانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵۷)

۲، ۵. مشارکت و همیاری

در محیط خانواده زن و مرد باید به یکدیگر کمک کنند تا در زندگی به سعادت و خوشبختی دست یابند و در آخرت از اثرات این همکاری و صمیمیت بهره ببرند. مشارکت و همیاری موجب تقسیم کار و تسهیل زندگی می گردد و در نتیجه زمینه را برای موفقیت زندگی چه در بعد دنیوی چه در بعد اخروی آن فراهم می سازد. برخی هدف اصلی ازدواج را همکاری و مشارکت زن و شوهر دانسته اند. بر همین اساس برخی از محققان، ازدواج را عقدی می دانند که به وسیله آن مرد وزن به قصد شرکت در زندگانی و کمک به یکدیگر، قانوناً با هم متحد می شوند. این که همسر، مسئولیت برخی امور را بر عهده می گیرد، عامل مهمی در ایجاد فراغت برای مرد است. و این موضوع یک طرفه نیست و مرد نیز برخی امور را برعهده دارد و این مشارکت می تواند موجب تقویب رابطه عاطفی آنها شود و اگر با مشکلی مواجه باشند با کمک یکدیگر می توانند آن را برطرف کنند. (پسندیده، ۱۳۹۱هـ-ش، ص ۶۷) خداوند در قرآن می فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛ باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید». (مائده، ۲)

پیامبر ﷺ می فرماید: «الزوجه المواتیه عون الرجل علی دینه؛ همسر همراه، یاور مرد بردین اوست». (دیلمی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۱)

۳. راهکارهای زبانی تقویت روابط عاطفی

۱.۳. صداقت

صفا و صمیمیت برای همه انسانها و در همه جوامع مفید و ارزنده است و در زندگی خانوادگی ارزنده تر و موثرتر است. با توجه به اینکه زن و شوهر پیوسته با یکدیگر در ارتباط هستند و بدون داشتن صداقت و صفا امکان همزیستی مسالمت آمیز نخواهند

داشت. صداقت و صمیمیت می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. زن و شوهر به علت ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند چنانچه خدعه ای از سوی یکی از آنان صورت گیرد دیر یا زود می‌فهمند. برای این که کیمیای محبت را در دل‌های هم حفظ کنند باید با همسر خود صمیمی و صادق باشند تا روابط عاطفی آنها تقویت یابد. (اکبری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۳) خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بپرهیزید و با صادقان باشید». (توبه، ۱۱۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من صدق لسانه زکی عمله؛ هر که راستگو باشد عملش پاکیزه می‌شود و رشد می‌کند.» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۰۵)

۲،۳. تشکر کردن

زن و شوهر باید گاهی از یکدیگر به زبان تشکر کنند، محبت و عاطفه قلبی خود را اظهار نمایند. برای گرم نگه داشتن تنور عشق و رابطه عاطفی تنها محبت قلبی کافی نیست. اظهار محبت و تشکر مخصوصاً نسبت به زن که عواطف ظریف تر و احساسات رقیق تری دارد تاثیر روانی عمیقی در روح شنونده باقی می‌گذارد. رسول خدا صل الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «مردی که به زنش بگوید من تورا دوست دارم تاثیر این سخن برای همیشه در روح او باقی می‌ماند.» (همان، ج ۵، ص ۵۶۹) یعنی زن از شنیدن این جمله به وجد و شغف می‌آید، پر و بال پیدا می‌کند، سرشوق می‌آید، وظیفه‌اش را با دلگرمی انجام می‌دهد و مشکلات زندگی را با چهره بازتحمیل می‌کند، همچنین وقتی که شوهرش به او بگوید: دست شما درد نکند، غذای لذیذی پخته‌اید، آفرین بر شما، امروز مهمانداری خوبی کردید. شوهرانی هستند که زنان خود را دوست می‌دارند و از خانه داری آنها راضی می‌باشند ولی هیچگاه دوستی خود را اظهار

نمی‌کنند و تشکری بر زبان نمی‌آورند. این‌ها یا فکر می‌کنند تشکر و اظهار محبت شخصیت آنها را پایین می‌آورد یا زن خودش را لوس می‌کند، ولی باید بدانند که این فکر بر خلاف دستور اسلام است. چون یک تشکر ساده می‌تواند رابطه عاطفی بین زوجین را تقویت کند. (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۰)

خداوند می‌فرماید: ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾؛ خداوند پاداش سپاسگذاران را خواهد داد». (آل عمران، ۱۴۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا احببت رجلا فاخبره بذلك فانه اثبت للموده بينكما؛ هر گاه کسی را دوست داشته‌ی، دوستی خود را به او اعلام کن، زیرا این عمل الفت و مودت را بین شما دوتن پایدار تر و مستحکم تر می‌کند». (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۴۴)

۳,۳. خوش خلقی

همسران برای تقویت روابط عاطفی خود باید اخلاق خوش را مراعات کنند و با اعضای خانواده به ویژه همسر همواره نرم و مهربان باشند. در این صورت نه تنها به زندگی خود قوام و دوام می‌بخشند بلکه به تعبیر امام صادق علیه السلام شیرین‌ترین زندگی را خواهند داشت. خداوند می‌فرماید:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾؛ به زبان خوش با مردم تکلم کنید. (بقره، ۸۳)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لا عیش اهنأ من حسن الخلق؛ هیچ خوشی گوارتر از خوش خویی نخواهد بود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۹)

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: چهار چیز در هر کس یافت شود، نشانه کمال ایمان اوست:

«...ویحسن خلقه مع اهله؛ با خانواده و اهل خانه خود، خوش اخلاقی و خوشرفتار باشد.» (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۰)

۳، ۴. پرهیز از درگیری های کلامی با همسر

درگیری های کلامی را بیشتر از زوجها تجربه کرده اند و متأسفانه گاهی اوقات به خشونت، قهرهای طولانی و حتی طلاق ختم می شود. درگیری زن و شوهر تا حدی طبیعی است، ولی اگر ادامه داشته باشد باعث می شود، رابطه عاطفی زوجین کم شود و تا جایی که حتی این رابطه از بین برود. به هر حال اختلاف فرهنگ و تربیت و خستگی ناشی از کارهای روزانه ممکن است سبب درگیری کلامی بشود. ولی زن و مرد می توانند با تدبیر از بسیاری از درگیری ها جلوگیری نمایند. گاهی زن و شوهر در جایگاهی قرار می گیرند که برایشان ناخوشایند است از آن ناراضی هستند و گاهی به خاطر این تصور صدمه روحی و روانی نیز دیده اند. (رحیمی یگانه، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳)

(خداوند می فرماید:

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ؛ وای بر عیب گوی هرزه زبان.» (همزه، ۱)

در گام اول باید این را از خودمان بپرسیم: آیا این جایگاهی که به آن می اندیشم، آن قدر نامناسب است که به خاطر آن با شوهرم درگیر شوم؟ آیا واقعاً همین طور است یا آن قدر هم مهم نیست و یا همسرم دلیل قانع کننده برای چنین رفتاری دارد؟ برای مثال آیا گرفتاری فراوان همسرم نمی تواند عامل فراموش کردن خرید مورد نظر باشد؟ وگرنه من هم چنین گرفتاری داشتم ممکن نبود فراموش کنم؟ با کمی اندیشیدن، در می یابیم که برخی از موقعیت ها آنقدر نامناسب نیست و در نتیجه جایی برای اعتراض باقی نمی ماند.

گام دوم پس از آنکه مشخص شد یک موقعیت نامناسب پیش آمده است پرسش بعدی را از خود می پرسیم:

با این مشکلی که پیش آمده چگونه روبه‌رو شویم تا سبب ناراحتی و بروز مشکلات جدید نشود؟

- از خودمان بپرسیم من دوست دارم همسرم با من چگونه صحبت کند؟ من نیز همانطور با همسرم حرف بزنم .

- مشکل را در میان بگذارید و یا احساس خودتان را نسبت به موقعیت بیان کنید. برای نمونه بگو « من از اینکه شما در تهیه وسایل منزل دقت نمی کنید احساس تنهایی و بی توجهی می کنم » و به هیچ گاه او را محکوم نکن به این که « تو، من و زندگی را دوست نداری » و یا اینکه تو برای زندگی ات ارزش قائل نیستی»

به عبارت دیگر به جای کلمه «تو» کلمه «من» را بیان کنید. این سبب می شود که شنونده در مقابل «تو» جبهه نگیرد از خودش دفاع نکند.

- فرصت عذرخواهی و جبران اشتباه بدهید، حتی سعی کنید موقعیت عذرخواهی از خطا و اشتباه را فراهم کنید. در فرهنگ اسلامی سفارش فراوان به قبول عذرخواهی شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«الاستغناء عن العذرا عزم من الصدق به؛ نیاز نیافتن به بوزش خواهی ، عزت بخش تر از بوزش موجه است.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۹)

زوجی موفق هستند که بیاموزند چگونه مسائل را مهار کنند و اجازه ندهند این درگیری‌ها به استحکام زندگی آنها آسیب برساند. برای رسیدن به این مهارت باید به نکات زیر توجه کنید:

- یکدیگر را محکوم نکنید بلکه مشکل را بیان کنید.

- زمانی که عصبانی هستید و یا مشاجره می کنید تصمیم نگیرید.

- قهر و دعوا را طولانی نکنید، یکی از دو فرد باید با تدبیر، فضای درگیری و دعوا را عوض کند و یا اگر با یکدیگر قهر کردند سعی کند اینقدر طولانی نشود و بهتر آگه قدرت روحی بیشتری دارد با دلجویی از زن این قهر را به آشتی شیرین مبدل کند.

- دعوا و درگیری خود را در چهاردیواری خانه تان حبس کنید؛ مهم ترین نکته در درگیری های زناشویی این است که به هیچ عنوان آن را به بیرون منزل منتقل نکنی. به عبارت دیگر درگیری خود را مانند یک راز میان خودتان نگه دارید، اگر چنین نکنید و مطالب درگیری شما پخش شود، پیامدهای منفی زیادی برای شما بروز پیدا می کند.

۳, ۵. سخن محبت آمیز

سخنان محبت آمیز گفتگو و سوال و جواب زن و شوهر باید مودبانه و محبت آمیز باشد نه خصمانه و نفرت انگیز. یک مطلب مخصوص را می توان طوری ادا کرد که شنونده را خوش آید و پاسخ نیکو دهد و همان مطلب را می توان به نحوی ادعا کرد که شنونده یا جواب ندهد یا جواب زشت و تند بدهد. گاهی ضمن صحبت، زن یا شوهر کلمه ای از دهنش می پرد و به همسرش می گوید، که اثر بدش تا سال های متمادی در ذهن او باقی می ماند. بنابراین زن و شوهر باید در برابر کلمات تند و خشنی که از همسر خود می شنوند، متانت و سعه صدر نشان دهند و صحنه نزاع را به مجلس مزاح

تبدیل کنند. مهمتر از کلمات و واژه ها در ایجاد محبت و تقویت رابطه خوب، آهنگ و صدا و حرکات دست و چشم و لب و ابرو هنگام سخن گفتن است. آهنگ نرم و ملایم رابطه عاطفی را قوی کرده، چنانکه صدای کلفت و خشن، ملال و نفرت می آورد. لب خندان و چهره شکفته و باز، شونده را جلب می کند، چنانکه ترشروی و اخم، هنگام سخن گفتن مخاطب را دلسرد و افسرده می کند، زن و شوهر باید در مکالمات روزمره خود مراعات این نکات را بنمایند. و نیز گفتن کلمه چشم در برابر تقاضای همسر در ایجاد محبت و یک رابطه عاطفی معجزه می کند. (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴) خداوند می فرماید:

﴿ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ ﴾؛ و بهشتیان به سوی سخنان پاکیزه و دلپسند هدایت می شوند. « (حج، ۲۴)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «عود لسانک لین الکلام و بذل السلام، یکثر محبوب و یقل مبعضوک؛ زبانت را به سخن ملایم و سلام کردن عادت بده تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شوند. « (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۶۰)

نتیجه گیری

از مجموع مطالب روشن شد که اگر زن و شوهر بکوشند یکدیگر را بهتر بشناسند، و راهای درست را در پیش بگیرند، سنگ بنای یک رابطه سالم و سازنده را پایه گذاری کرده اند. برای تقویت روابط، نیازمند شناخت به طرف مقابل است تا بتوان در برابری حساسیت مناسب نشان داد. همسرانی که اندیشه ها، علاقه ها و خواسته های همسر خود را به خوبی می شناسند و در موقعیت های گوناگون در برابر آنها از خود واکنش مناسب نشان می دهند، هیچ گاه در روابط شان با مشکل روبه رو نمی شوند و با شناختی که از حالت های روحی همسر خود دارند، در برابر خواسته های او واکنش مناسبی

خواهند داشت. همسران موفق کسانی هستند که از هریک از راهکارهای مناسب را در زندگی استفاده کنند تا به سعادت و خوشبختی برسند. در نتیجه برای سعادت و خوشبختی در خانواده باید عوامل منطقی و درستی در دست داشته باشیم که بهترین عوامل در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بیان شده است. از آن جمله می توان به: صداقت، محبت، احترام متقابل، تقوا، خوش اخلاقی و همکاری اشاره کرد. تردیدی نیست که اسلام از خانواده ها خواهان چهاراصل است: ۱- ایجاد و تقویت آرامش، سازش همراه با الفت و مودت نسبت به یکدیگر ۲- پرهیز از هرگونه اختلاف و ناسازگاری ۳- دستیابی به کمالات مادی و معنوی در سایه تحقق یک خانواده موفق ۴- استفاده بهینه از آرامش زندگی در جهت عبادت بهتر و تربیت نسلی خدایسند. که در راستای این چهار اصل است که خانواده از دیدگاه اسلام شکل می گیرد و تقویت پیدا می کند.

فهرست منابع:

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. آمدی تیمی، عبدالواحد، (۱۳۶۱)، *غررالحکم و درر الکلم*، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲. اکبری، محمود، (۱۳۸۵)، *صمیمانه با عروس و داماد*، قم، نشر نورالزهرا، چاپ هفتم.
۳. اعزازی، شهلا، (۱۳۸۵)، *جامعه شناسی خانواده: (باتاکیدبر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
۴. پسندیده، عباس، (۱۳۹۱)، *رضایت زناشویی*، قم: نشر دارالحدیث.
۵. حسینی، داود، (۱۳۶۷)، *روابط سالم در خانواده*، قم: نشر دفتر تبلیغات، چاپ ۱۹.
۶. حرانی، حسن بن شعبه، (۱۳۶۴)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تهران: نشر کتابچی.
۷. دیلمی همدانی، (۱۴۰۶)، *شیرویه بن شهردار، الفردوس*، (تحقیق: محمد السعید بیسیونی زغلول)، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

۸. رحیمی یگانه، زهرا، (۱۳۸۹)، *خانواده موفق*، اصفهان: نشر حدیث راه عشق، چاپ سوم.
۹. سهیلی راد، لیلا، (۱۳۹۰)، *چگونه بهترین همسر برای شوهرم باشم*، قم، نشر مادوتا، ج ۱، چ سوم.
۱۰. ساروخانی، باقر، *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*، تهران: نشر موسسه کیهان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ه-ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۴)، *الخصال*، قم: نشر اسلامی، چاپ چهارم.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۴)، *مکارم الاخلاق*، (تحقیق: علاء آل جعفر)، قم، نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *وسائل الشیعه*، قم: نشر موسسه آل البیت ^[۲]، چاپ دوم.
- ۱۴- *علاسوند*، فریبا، (۱۳۹۷)، *زن در اسلام*، قم: نشر هاجر، چاپ پنجم.
- ۱۵- فقیهی، علی نقی، (۱۳۹۲)، «نگاه تربیتی به روابط عاطفی زوجین در آموزه های دینی»، تربیت اسلامی، شماره ۱۷.
۱۷. قائمی، علی، (۱۳۷۰)، *خانواده و مسائل همسران جوان*، نشر شفق، چاپ پنجم.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، *اصول الکافی*، تهران: نشر مکتب اسلامی، چاپ چهارم.
۱۹. محمد زاده، راضیه، (۱۳۸۴)، *همسراگر اینگونه بود*، تهران: نشر منیر، چاپ سوم.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: نشر موسسه وفاء، ج ۶۸، چاپ دوم.
۲۱. مصطفوی، جواد، (۱۳۸۶)، *بهشت خانواده*، قم: نشر دارالفکر، ج ۱، چاپ ۲۳.

ساختار یک مقاله علمی

شمسی کرمی^۱

از مهمترین روش های انتقال اطلاعات، تدوین و انتشار مقاله علمی است، مقاله به منزله یک سند علمی و ملاک ارزیابی توان علمی نویسنده است.

اجزای یک مقاله علمی:

۱- عنوان مقاله و نام مؤلف یا مؤلفان

۲- چکیده

۳- کلید واژه

۴- مقدمه

۵- بدنه یا متن

۶- نتیجه

۷- منابع و مأخذ

توضیح تفصیلی این اجزاء به شرح ذیل است:

۱. عنوان: پختگی عنوان، حاکی از توان علمی نویسنده است و عنوان نامناسب ارزش مقاله را کم می کند. این عنوان ناظر به مسأله تحقیق و پرسش اصلی است. همچنین پوشش دهنده ی واژگان کلیدی است. پس باید گویا و رسا باشد، در عین حال اختصار، یک امتیاز است و کلمات باید بین سه تا هشت کلمه باشد. عنوان نباید اعم یا اخص از محتوای مقاله یا انتخابی از روی تعصب باشد. زمان انتخاب عنوان می تواند در ابتدا و یا پس از تکمیل مقاله باشد و در صورت تمایل می توان آن را در انتها

^۱ استاد حوزه و دانشگاه

تعویض کرد. از عناوین کلیشه ای باید پرهیز شود و در مقالات علمی، عنوان باید علمی و بدور از صنایع ادبی و دور از ابهام باشد.

۲. چکیده مقاله: تهیه چکیده یک کار فنی و هنرمندانه است که باید برای هر مقاله علمی انجام گیرد. چکیده، خلاصه جامعی از محتوای یک گزارش پژوهشی است که هدف ها، پرسش ها، روش ها و یافته های پژوهش را به اختصار در بردارد و آیینه پژوهش است و مخاطب را تحریص و تشویق به خواندن می کند. در چکیده باید با استفاده از کلمات متن، عصاره مقاله در ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه آورده شود.

۳. کلید واژه: کلماتی است برآمده از متن و مرتبط با موضوع اصلی مقاله که خواننده با مطالعه آنها، به محتوای اصلی پژوهش پی می برد. در حقیقت، کلیدواژه ها، در حکم موضوعات جزئی مقاله هستند و اندکی پس از چکیده می آیند. واژگان کلیدی به خواننده کمک میکند تا پس از خواندن چکیده و آشنایی اجمالی با روند تحقیق، بفهمد چه مفاهیم و موضوعاتی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

۴. مقدمه: یکی از بخش های مهم مقاله علمی است که روزنه ای برای ورود خواننده به دنیای مقاله و در حکم نقشه راه است. وظایف اصلی مقدمه، روشن ساختن موضوع، مشخص نمودن هدف و بدست دادن طرح و نقشه ارایه مطالب برای خواندن کل مقاله است. در مجموع یک مقدمه خوب شامل: توضیح درباره پیشینه تحقیق، ضرورت ها، روش، ساختار، منطق حاکم بر فصول است و اینکه چرا این تحقیق ادامه منطقی گزارش های پیشین است. مقدمه نباید مفصل و طولانی باشد. بهتر است حداکثر دو صفحه یا یک ششم کل مقاله باشد. سیر نگارش مقدمه از مطالب عام به خاص است، از جنبه های کلی شروع می شود و رفته رفته به بخش های تخصصی تر می پردازد.

محقق باید پرسش های پژوهش خود را به صورت استفهامی بیان کرده و به تعریف متغیرهای تحقیق به صورت عملیاتی بپردازد. (هومن، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

۵. بدنه یا متن مقاله: بدنه، قسمت اصلی و یا متن مقاله است که در آن به سئوالات تحقیق به طور تفصیلی پاسخ می دهد. پس تا زمانی که محقق مسأله خود را حل نکرده و یا به آن نزدیک نشده نباید اقدام به نگارش کند، عبارات بدنه باید مستند به منابع معتبر و مستدل به برهان باشد و از آوردن عباراتی که در درستی آنها شک دارد، پرهیز نماید.

تعیین محورهای داخلی در بدنه مقاله، ارتباط و انسجام منطقی بین قسمت های مختلف را تقویت می نماید در تعیین عناوین داخلی مقاله می توان از سئوالات فرعی کمک گرفت و هر کدام از عنوان های داخلی می تواند پاسخ به یک سؤال فرعی باشد. در صورت نیاز می توان عنوان های داخلی را به موضوعات عناوین جزئی تر تبدیل کرد و به سئوالات ریزتر و ساده تر که پاسخ آنها، تنها به چند پاراگراف نیاز دارد، رسید. حجم مقاله نیز به نوع مجله و سفارش دهنده آن، بستگی دارد اما بهترین مقاله، نوشتاری است که با کمترین کلمات، بیشترین محتوای علمی را تولید و به حل مسأله ای بیانجامد. جمله های ساده، گویا و صحیح از ضروریات یک متن علمی است. اگر جملاتی از متن مقاله به لحاظ دستوری یا علمی استوار نباشد تأثیر ناخوشایندی بر مخاطب و اعتماد او گذارده و کل مقاله را زیر سوال می برد. پس تنها مهارت در جمله سازی و عبارت پردازی برای تولید یک مقاله علمی کافی نیست بلکه باید چینش صحیح جملات و ترکیب درست آنها را آموخت، گام نخست در این میسر، نگارش پاراگراف های استاندارد است.

۶. نتیجه: در این قسمت توصیف مختصر و مفیدی از آنچه بدست آمده ارائه می شود. در حقیقت باید مشخص شود که مقاله به روشن شدن مسئله چه کمکی کرده است، بنابراین دستاوردها و حاصل پژوهش، بدون بیان ادله و شواهد در بخش پایانی بیان می شود. نتیجه برخلاف چکیده متضمن تعریف و بیان مسأله، ضرورت تحقیق، ذکر ادله و دیدگاه های رقیب نیست. نتیجه نشان می دهد که مقاله حاضر چه نوآوری هایی داشته و چه مشکلی را حل نموده است (بر حسب اهمیت آنها، روش متداول بیان نتایج آن است که ابتدا مهم ترین و سپس یافته های کم اهمیت تر ارائه می شود (همان، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

۷. منابع و مأخذ: اعتبار علمی مقاله به مستند و مستدل بودن آن است، ارائه فهرست کاملی از مراجع مقاله با رعایت اصل امانت داری و اخلاق پژوهشی مورد انتظار است. البته سبک های استناددهی در کتاب ها و مقالات متنوع است. معمولاً «راهنمای نویسندگان» در مجله یا جشنواره علمی در عمل به چگونگی ارجاعات پیروی می شود. اما «ارجاع در پایان مقاله»، «ارجاع در پاورقی» و «ارجاع در متن»، سه شیوه ی عمده استناد است که شیوه اخیر (ارجاع درون متن) به علت سهولت، سرعت، ایجاد تمرکز ذهنی برای خواننده و رواج جهانی آن، بر دو شیوه قبلی برتری دارد. در این روش نام صاحب اثر، تاریخ انتشار و شماره جلد و صفحه را می آورند. مانند: (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۵۰) اما نام اثر نمی آید.

درباره مشخصات کتاب شناختی منابع تحقیق (کتاب نامه) که در پایان مقاله می آید، هماهنگ ترین روش، همسویی با روش ارجاع نویسی در بدنه ی اصلی مقاله است که در پی می آید. البته همانگونه که پیش تر اشاره شد نباید در ارجاعات و نقل قول ها افراط کرد، در آن صورت مقاله به مجموعه یادداشت ها و تحلیل های دیگران تبدیل شده و از ارزش علمی آن کاسته می شود. همچنین در چگونگی ارجاعات باید مطابق

سلیقه و درخواست محلی که برای آنها مقاله تهیه می‌شود، عمل نمود. ارجاعات پاورقی و منابع به روش زیر انجام می‌گیرد:

الف) زیرنویس (پاروقی) توصیفی

توضیحات اضافی یا اصطلاحی که نمی‌توان برای حفظ انسجام متن آن را درون متن آورد، می‌تواند زیر صفحه با مشخص کردن شماره بیاید. توضیحات باید حتی‌الامکان خلاصه باشد. ترجمه آیات و روایات در متن فارسی بیاید و در صورت نیاز می‌توان متن عربی را در پاورقی آورد. کلمه‌های بیگانه در داخل متن حتماً باید به فارسی نوشته شود و در صورت لزوم معادل خارجی آنها در پاورقی بیاید. اینها در مورد اصطلاحات تخصصی یا نام اشخاص است. در موارد ضروری که باید کلمه خارجی در متن بیاید باید در کنار صورت فارسی و داخل پرانتز نوشته شود (غلامحسین‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۷). توجه کنیم در هر متن یکبار معادل انگلیسی آوردن آن واژه کفایت می‌کند.

ب) ارجاع در منابع

محقق باید در پایان مقاله، فهرستی از منابع و مآخذی که در متن به آنها استناد کرده است را به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی بیاورد. تنها منابعی می‌آید که در متن از آنها استفاده شده است. در ذکر منبع حداقل پنج دسته اطلاعات، ضروری به نظر می‌رسد: ۱- نام خانوادگی و نام مؤلف یا مؤلفان ۲- تاریخ انتشار اثر ۳- عنوان اثر ۴- نام شهر ۵- نام ناشر. (البته اگر کتاب تجدید چاپ شده باشد، شماره چاپ آن هم می‌آید) جداسازی این اطلاعات با نقطه و جداسازی اجزای مختلف هر یک با ویرگول (،) است مانند:

الف) در تک مؤلف

جوادی، آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، هدایت در قرآن (چاپ سوم)، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

ب) در ارجاع منابع از دو مؤلف یا بیشتر به شکل زیر می‌آید

سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، زهره (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ سوم)، تهران: نشر آگاه

ج) آثار دارای مترجم به شکل زیر می‌آید

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۵)، شواهد الربوبیه، ترجمه جواد مصلح، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش

د) آثار با عنوان سازمان‌ها و نهادها

مرکز اسناد و مدارک علمی، وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۲). واژه‌نامه فارسی - انگلیسی، تهران: نشر مؤلف

ه) آثار به جای مؤلف ویراستار یا چند نفر گردآورنده یا مجموعه مقالات به شکل زیر:

شفیع‌آبادی، عبدالله (گردآورنده) (۱۳۷۴)، مجموعه مقالات جنگ روانی، تهران: انتشارات سمت.

شیوه ارجاع منابع

در جهت امانت‌داری اندیشه‌های دیگران و برای اطلاع‌رسانی بیشتر خواننده برای مراجعه به متون و منابع اصلی باید ارجاعات آورده شود. بنابراین هرگاه در متن مقاله،

مطلبی از یک کتاب یا مجله یا ... به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نقل شود باید پس از بیان مطلب آن را مستند ساخت. این مستندسازی شیوه‌های مختلف دارد.

الف: شیوه ارجاع در متن

در استناد نام مؤلف و صاحب اثر بدون القاب: آقا، خانم، استاد، دکتر، پروفیسور، حجت الاسلام، آیت‌الله و امثال آن آورده می‌شود مگر در جایی که لقب جزو نام مشخص شده باشد مانند خواجه نصیرالدین طوسی، آخوند خراسانی، امام خمینی، علامه طباطبایی (دهنوی، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

۱- اثر با یک مؤلف: پس از آوردن متن، داخل پرانتز: نام خانوادگی، تاریخ انتشار، شماره صفحه به ترتیب می‌آید و پس از آن نقطه می‌گذاریم مانند (ابطحی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

۲- اثر با بیش از یک مؤلف باشد، نام خانوادگی آنان به ترتیب به همراه سال انتشار و شماره صفحه می‌آید مانند (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۷۹، ص ۵۰) و اگر بیش از سه مؤلف بود: نام خانوادگی اولین مؤلف و به دنبال آن عبارت «و همکاران» یا «و دیگران» سپس سال انتشار و شماره صفحه می‌آید مانند (نوربخش و دیگران، ۱۳۶۶، ص ۷۵).

۳- اثر با نام سازمان‌ها و نهادها: به جای نام مؤلف، نام سازمان می‌آید مانند (فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

۴- دو یا چند اثر یک مؤلف: همه آنها داخل پرانتز به ترتیب تاریخ نشر می‌آید مانند (والاس، ۱۹۸۰، ص ۱۵؛ ۱۹۸۸، ص ۲۷؛ ۱۹۹۰، ص ۵). و اگر چند اثر یک مؤلف در یک سال منتشر شده باشد آثار مختلف او با حروف الفبا از هم متمایز می‌گردند مانند (احمدی، ۱۳۶۵ الف، ص ۲۲؛ ۱۳۶۵ ب، ص ۱۶).

۵- استناد آیات و روایات: ابتدا نام سوره و سپس شماره آیه ذکر می‌شود، مانند: (بقره، ۳۹). در خصوص نهج البلاغه نام کتاب و شماره خطبه یا نامه (نهج البلاغه، خطبه ۳۳) و روایات غیر نهج البلاغه، نام گردآورنده روایات، تاریخ نشر، شماره جلد و صفحه مانند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۶، ص ۱۹۸).

ب) ارجاع‌دهی مقالات

ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سپس تاریخ انتشار، بعد عنوان مقاله، به دنبال آن نام مجله و شماره آن ذکر می‌شود آنگاه شماره صفحات آن مقاله در آن مجله با حروف مخفف صص در فارسی و PP در انگلیسی، مانند حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵)، انسان عینی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۹، صص ۴۱-۳۵.

ج) ارجاع پایان‌نامه و رساله

پس از ذکر عنوان باید ذکر شود که آن منبع پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری و به صورت چاپ نشده است، سپس نام دانشگاه به شکل زیر: ایزدپناه، عباس (۱۳۷۱)، مبانی معرفتی مشاء و اهل عرفان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. دانشگاه قم.

د) ارجاع به یک روزنامه

همانند ارجاع مقاله در مجله است مانند: محمودی، اکبر (۱۳۷۵، ۲۱ مهر) موانع توسعه در ایران، روزنامه کیهان، ص ۶.

ه) ارجاع به فرهنگ‌نامه و دایرةالمعارف

در ارجاع نام سرپرست و بقیه موارد مثل کتاب عمل می‌شود مانند:

بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران؛ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

(و) ارجاع به کنفرانس‌ها، سمینارها و گزارش‌ها

مطلبی از دایره المعارف در شبکه وب

Seven years war. Britannica online. vers. ۹۲, ۲. apr. ۱۹۹۸.

Encyclopaedia Britannica. ۰۲ nov ۲۰۳۰ <http://www.eb.om;۱۸۰/>

ارائه گزارش از همایش و سمینارها باید به شکل زیر باشد (سلطانی، ۱۳۶۳، ص ۱۹).

همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت و روان (۱۳۸۰)، چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.

(ز) نقل از منابع الکترونیکی (اینترنت)

امروز نقل از منابع اینترنتی یکی از منابع ارجاعی است که در ذکر آن اطلاعات ضروری به ترتیب زیر بیان می‌شود (ترابیان، ۱۹۸۷، ترجمه قنبری، ۱۳۸۰). بارلو، جان پی (۱۹۹۶)، درخت یوشع می‌لرزد در مجله CORE (روی خط اینترنت) ج ۸، ش ۱، (۹۲) نقل شده تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۹۶، قابل دسترسی در:

Pub/Zines/c.Re-Zine file: ptp.e text.org pirectorg .g. ^corel.

ارجاع یک مقاله در مجله الکترونیکی

Miles, Adrian. Singin in the Rain: a hypertextual Reading. "Postmodern Culture ۸, ۲ (۱۹۹۸). ۰۲ nov ۲۰۰۰

<http://muse.jhu.edu/journals/pme/v00n۸,۲ miles.html>

در ارجاع یک کتاب الکترونیکی در شبکه وب

Austen, Jane. Pride and prejudice.de. henry chur churd.

Nov۲۰۰۰.<http://www.pemberley.com/jahein;o/pridprej.html>

معرفی پژوهشگر زن و خانواده

معصومه علیزاده^۱

سرکار خانم دکتر فریبا عباسوند
استاد حوزه علمیه قم
هیات علمی مرکز زن و تحقیقات خانواده



سرکار خانم فریبا عباسوند در سال ۱۳۴۶ در شهرستان آجاجری متولد شد. او تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۶۲ آغاز کرد و بعد از سال‌ها تحصیل و کسب علم به مرتبه استادی حوزه و دانشگاه در رشته‌های فقه، اصول، فلسفه و کلام و... رسید. خانم عباسوند در حال حاضر عضو دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم است و تالیفاتی همچون «مهارت‌های زندگی با رویکردی دینی»، «زنان در موازنه حق و تکلیف»، «زنان در سیره پیامبر» و... دارد. همچنین مقالاتی با عناوین «اگر زن نباشی»، «فقه زنان»، «حیطه حضور حاکمان در عرصه خصوصی خانواده؛ بخش اول و دوم»، «اصلاحات در حکومت علی علیه السلام»، «حیات بخشی احکام در نظام کیفری اسلام»، «زن، جمعه و جماعات»، «فمینیسم؛ خاستگاه کنوانسیون زن»؛ «حقوق برابر» و... از ایشان در اینترنت قابل دسترسی می‌باشد. خانم فریبا عباسوند در زمینه شناسایی آسیب‌ها و نیازهای فرهنگی دینی بانوان و زمینه‌سازی جهت اثربخشی بیش از پیش حضور اجتماعی زنان داشته است.

^۱ استاد مدرسه علمیه آیت الله مرزبان یوسف ایروانی رحمته الله علیه قم.

در سنامه های خانواده اسلامی

فرحناز قاسمی سراب^۱

عنوان: درسنامه خانواده در اسلام
نویسنده: محمدرضا ضمیری اعظم نوری
 محبوبه جوکار طاهره جوانمرد
ناشر: جامعه الزهراء ع



این کتاب مروری بر مسایل مربوط به خانواده و عوامل و موانع تحکیم آن با استناد به آموزه‌های اسلامی است. در ابتدای کتاب تعریفی از خانواده و انواع آن ارایه شده و ماهیت نظام خانواده در اسلام و غرب با هم مقایسه شده است. در این کتاب مهمترین مسایل مربوط به خانواده، با نگرشی دینی و به سبکی آموزشی برای تدریس در حوزه‌های علمیه خواهران، بیان شده و نمونه‌هایی از مشکلات و آسیب‌های موجود در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. کتاب درسنامه خانواده در اسلام با همت معاونت پژوهشی جامعه الزهراء ع تهیه و از سوی انتشارات این موسسه علمی در ۳۶۷ صفحه به زیور طبع آراسته شده است.

^۱ معاون پژوهش مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی رحمته قم.

عنوان: خانواده در اسلام

نویسنده: حسین بستان (نجفی)

ناشر: جامعه الزهراء ع.ا.ع.



این کتاب با هدف بیان دیدگاه اسلام درباره ابعاد گوناگون زندگی خانوادگی و با نیم نگاهی به مسائل جدید در حوزه مطالعات خانواده و در قالب یک منبع درسی برای دانشجویان و طلاب علوم دینی تدوین شده است. اثر حاضر می تواند به عنوان متن «درس خانواده در اسلام» برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و طلاب سطح سه حوزه های علمیه به ویژه در رشته مطالعات زنان و خانواده مورد استفاده قرار گیرد. مباحث کتاب در قالب ۱۴ فصل تنظیم شده است. این کتاب به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است.

عنوان: نظام خانواده در اسلام
نویسنده: محمدرضا سالاری فر
ناشر: نشر هاجر



خانواده ها نیازمند توصیه های تربیتی و روان شناختی بسیاری برای مقابله با پیچیدگی های زندگی کنونی هستند. امروزه تربیت فرزند و روابط مناسب با همسر به سادگی گذشته نیست. این کتاب تلاش نموده تا ضمن توجه به نکات روان شناختی علمی در باب روابط اعضای خانواده، رشد و تربیت فرزندان، دیدگاه های کارآمد اسلام را نیز در این موضوعات تبیین نماید. این کتاب به همت نشر هاجر در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است.

معرفی مرکز مطالعات زنان و خانواده قم

طاهره حیاتی^۱

«دفتر مطالعات و تحقیقات زنان» به عنوان مرکزی پژوهشی، کارشناسی، توسط مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران در سال ۱۳۷۷ تأسیس گردید و در سال ۱۳۹۱ این دفتر از سوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، به «مرکز تحقیقات زن و خانواده» تغییر نام یافت. این مرکز با هدف تبیین دیدگاه نظام‌مند دین پیرامون مسائل زن و خانواده، و دفاع از مرزهای اعتقادی در این حوزه تأسیس شده است. این مرکز داری بخش‌های مختلفی است؛

۱. **کتاب:** تاکنون ۳۵ عنوان کتاب در حوزه زن و خانواده در این مرکز منتشر شده است و تعدادی کتاب هم در دست تدوین و انتشار است.

۲. نشریات مرکز:

۱. فصلنامه حوراء

۲. دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده

۳. بیانیه‌های تحلیلی

۴. محصولات دیجیتال:

۱. نرم‌افزار ریحانه (موسوعه آیات و روایات زن و خانواده)

۲. نرم‌افزار «آموزه»

۳. نرم‌افزار «بشری»

۵. کتابخانه تخصصی:

کتابخانه تخصصی قم با بیش از ۷۰۰۰ عنوان و ۱۰۰۰۰ نسخه و کتابخانه تخصصی تهران با ۵۰۰۰ عنوان و ۷۵۰۰ نسخه کتاب تخصصی در حوزه زن و خانواده به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی و بیش از ۳۰۰ پایان‌نامه و هزاران برگ از اسناد، از جامع‌ترین منابع علمی مربوط به مسائل زنان در کشور است که پژوهشگران را در ارائه پژوهش‌های پرمحتوا و روزآمد یاری می‌کند.

۲. بانک اطلاعات علمی

بانک جامع اطلاعات علمی از سال ۱۳۸۹ در دستور کار مرکز تحقیقات زن و خانواده قرار گرفت و در سال ۱۳۹۱ به صورت آزمایشی در سایت مرکز راه‌اندازی شد.

۳. مشاوره‌های علمی کارشناسی

مرکز تحقیقات زن و خانواده در راستای عمق‌بخشی به فعالیت دانشجویان و مؤسسات و نهادهای خصوصی و دولتی، اقدام به ارائه مشاوره‌های کارشناسی و پژوهشی کرده است. به عنوان مثال در این مرکز از سال ۸۹ تاکنون، ۹۰ مشاوره برای دانشجویان ثبت شده است.

۴. تدوین سند تحکیم خانواده

به منظور دست‌یابی به مبانی ارزشی و حقوقی اسلام درباره مسائل خانواده و تبیین اصول و قواعد حاکم بر الگوی اسلامی خانواده متناسب با تحولات دوران معاصر، طرح جامع سند ملی تحکیم خانواده تهیه گردیده است. این طرح به تبیین و توصیفی مناسب در سطوح تجربی و نظری از وضعیت خانواده ایرانی و آسیب‌شناسی آن می‌پردازد. نتیجه این بررسی‌ها، دست‌یابی به خط‌مشی‌ها و راهبردهایی است که تدوین سند و برنامه عملی ملی تحکیم خانواده را محقق خواهد کرد.

معرفی کتاب مرضیه باباخان^۱

«شخص باصفایی جلوی جماعت قرار می گیرد. همه عقدنامه ها همراه با یک دفتر همراه اوست. یک به یک نام همه عروس ها و دامادها را می خواند و تذکرات لازم را می دهد. وجه مشترک همه عقدنامه ها در میزان مهریه است. «۱۴ سکه» فقط. و البته برخی به همراه آن سفر به خانه خدا و عتبات عالیات و یا هدیه ای معنوی را نیز مطابق سلیقه و توافق آورده اند. این شرط حضور در چنین

مجلسی است. او به تذکرات خود ادامه می دهد.»

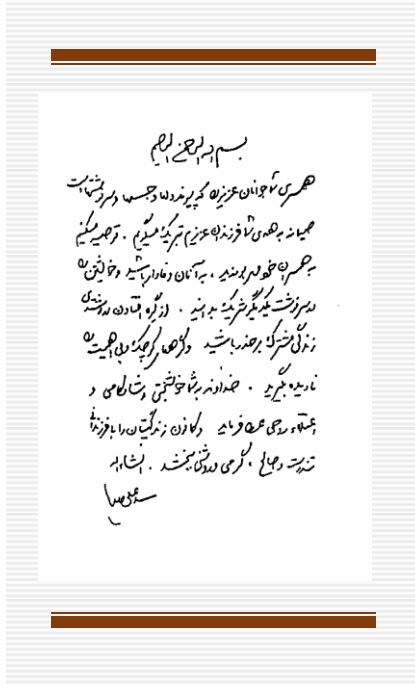


کتاب «مطلع عشق»، که گزیده‌ای از کلام‌ها و رهنمودهای حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه به زوج‌های جوان است، در چهار کلام با عناوینی همچون «ازدواج؛ ناموس طبیعت و دستور شریعت»، «کانون گرم خانواده»، «غروب عشق و قحطی عاطفه در غرب» و «حقوق متقابل زن و شوهر» (برخی

توصیه‌های ضروری در روابط زوجین) صورت‌بندی شده و علاوه بر آن ترسیم فضای معنوی و حال و هوای زوج‌های جوان در جلسات قرائت خطبه عقد توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقدمه و مؤخره این کتاب به جذابیت این اثر افزوده است. این مجموعه علاوه بر چهار کلام شامل هفت رهنمود است. کلام‌ها در حقیقت ره توشه

^۱ استاد ارزیاب مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته‌الله‌علیه قم.

نظری و رهنمودها ره توشه عملی به شمار می‌روند. در کلام‌ها با دانستنی‌های ضروری درباره ازدواج و خانواده آشنا می‌شویم و در رهنمودها، مهارت‌های زندگی شیرین در پرتو آموزه‌های اسلام را فرا می‌گیریم.



از دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام یکی از مشکلات دنیای غرب که به تدریج پایه‌های تمدن غرب را مانند موریانه از بین برده و علیرغم پیشرفت‌های صنعتی آنرا در بلندمدت به سقوط و هلاکت نزدیک می‌کند بی‌توجهی به خانواده است. از نظر ایشان غرب نتوانست حریم نهاد خانواده را حفظ کرده و در فرهنگ غربی خانواده غریب و تحقیر شده است: «یکی از گناهان کبیره تمدن غرب نسبت به

بشریت، این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد. تشکیل خانواده را کوچک کرد، مثل لباس که عوض میکنند... قضیه زن‌شوهری را اینطور کردند» (خطبه عقد مورخه ۲۴/فروردین/۷۸)

از نکات حائز اهمیت دیگر در اندیشه رهبر معظم انقلاب شناسایی رویکردهای مخرب دولت‌های استکباری در از بین بردن و متزلزل ساختن بنیان‌های خانواده در دیگر

کشورهاست: «آن کسانی که میخواهند در یک کشور یا جامعه‌ای نفوذ پیدا کنند فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده‌اند. مردها را بی-مسئولیت و زن‌ها را بداخلاق کرده‌اند» (خطبه عقد مورخه ۱۸/اسفند/۷۶)

- در رهنمودها می‌خوانیم:
- رهنمود اول: همسفر تا بهشت
- رهنمود دوم: بالاتر از واقعیت
- رهنمود سوم: هنر تقسیم کار
- رهنمود چهارم: سازش و سازگاری
- رهنمود پنجم: زندگی شیرین
- رهنمود ششم: هشدارها و یادآوری‌ها
- رهنمود هفتم: آسان‌گیری
- جلسه عقد به پایان می‌رسد.....

پروردگارا! دل‌های این‌ها را همیشه به هم مهربان و با محبت بدار.

پروردگارا! فرزندان و ذریه طیب و طاهری به آن‌ها عنایت کن.

پروردگارا! کسانی را که مسبب این کارهای نیک می‌شوند از طرف خود اجر و مزد شایسته‌ای عنایت کن.

آقا بر می‌خیزند.....

موضوعات پیشنهادی مقالات پایانی خانواده اسلامی

سرکار خانم فاطمه قنبری^۱

۱. اشتغال زنان و تاثیر آن در خانواده و جامعه با تاکید بر آیات و روایات
۲. اصلاح و فساد و تاثیر آن بر خانواده در قرآن و روایات
۳. آثار تربیتی تواضع بر نظام خانواده
۴. آثار خانوادگی همدلی بر جامعه در قرآن و روایات
۵. آثار رفق و مدارا بر زندگی خانوادگی در قرآن و روایات
۶. آثار همدلی خانوادگی بر استحکام نظام خانواده در سیره معصومین علیهم السلام با تاکید بر آیات
۷. آسیب شناسی خانواده های تک فرزندی از نظر فرهنگی
۸. آسیب شناسی خانواده های تک فرزندی از نظر اقتصادی
۹. آسیب شناسی کارکردهای خانواده با تاکید بر آیات و روایات
۱۰. تاثیر تغذیه بر اخلاق خانواده از منظر آیات و روایات
۱۱. تاثیر محبت در استحکام نظام خانواده در قرآن در قرآن و روایات
۱۲. تاثیر مدرنیته بر خانواده اسلامی ایرانی
۱۳. جهاد زن و تدبیر منزل با تاکید بر آیات و روایات
۱۴. خانواده سالم و کارکردهای تربیتی آن
۱۵. خانواده متعادل و ارتباط موثر والدین و فرزندان در منابع
۱۶. خانواده مطلوب و متعادل در منابع تفسیری آیت الله جوادی آملی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه
۱۷. رابطه نظام خانواده انقلاب اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه

^۱ استاد حوزه و دانشگاه، رئیس کارگروه تصویب مقالات پایانی مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی رحمته الله علیه قم.

۱۸. رابطه نظام خانواده با نظام معرفتی اسلام
۱۹. موانع استحکام خانواده در آیات و روایات
۲۰. موانع استحکام خانواده در منابع تفسیری
۲۱. مولفه ها و موانع آرامش در خانواده از منظر قرآن و روایات
۲۲. میزان تزلزل خانواده در فرآینده جهانی شدن و راهکارهای برون رفت از آن
۲۳. نقش اوقات فراغت در ایجاد نشاط خانوادگی با تاکید بر آیات و روایات
۲۴. نقش خانواده در پرورش عزت نفس جوانان در منابع تفسیری
۲۵. نقش خانواده در تربیت اجتماعی کودکان
۲۶. نقش خانواده در فرآینده تربیت دینی با تاکید بر فرهنگ انتظار
۲۷. نقش خانواده در مسئولیت پذیری جوانان در منابع تفسیری
۲۸. نقش ولایت پذیری در استحکام میان خانواده
۲۹. ویژگی های خانواده متعادل در اندیشه آیت الله جوادی آملی رحمته الله علیه
۳۰. ویژگی های خانواده مطلوب در ابعاد اجتماعی - فرهنگی و راهکارهای قرآنی

چکیده مقالات

نقش تربیتی و اخلاقی زنان با تأکید بر سوره قصص

سیده مرضیه نوربخش^۱

چکیده: تربیت و رسیدن هر انسانی به کمالات اخلاقی آرمان دین مبین اسلام است و در این راستا تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده و میزان را تقوا قرار داده است. خداوند متعال در سوره قصص از زنان نمونه‌ای مانند: مادر حضرت موسی علیه السلام خواهر او، آسیه همسر فرعون و دختران حضرت شعیب علیه السلام نام برده است و در ضمن بیان سرگذشت حضرت موسی علیه السلام پاره‌ای از رفتارهای عملی آنان را بیان کرده است که بیانگر نقش اخلاقی و تربیتی زنان در دو حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی است. نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این اوصاف اخلاقی پرداخته است. معتقد است با توجه به رفتار حضرت آسیه در برابر فرعون نقش زنان در برابر اندیشه انحرافی و الحادی عبارت است از حفظ هویت و استقلال فکری خویش و مبارزه با افکار الحادی و... رفتار مادر حضرت موسی در برابر فرمان الهی حاوی این پیام است که زن باایمان در برابر دستورات الهی سر تعظیم فرود می‌آورد؛ رفتار سه زن؛ مادر و خواهر موسی و حضرت آسیه نسبت به حفظ و تربیت موسی حاوی این پیام است که زن مسلمان در دفاع از دین نقش مهمی دارد و آن هم تربیت سربازان و نگهبانان دین است.

کلید واژه ها: زنان، سوره قصص، تربیت، اخلاق، رشد، کمال .

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته الله علیه قم.

The educational and moral role of women with emphasis on Surah Qasas

Seyedeh Marzieh Nourbakhsh

Abstract: Training and achieving the moral perfection of every human being is the ideal of the religion of Islam, and in this regard, it does not differentiate between men and women, and has made piety the measure. In Surah Al-Qasas, God Almighty has mentioned exemplary women such as: the mother of Prophet Moses, his sister, Asiya, the wife of Pharaoh, and the daughters of Prophet Shoaib, and while narrating the story of Prophet Moses, he has described some of their practical behaviors. The moral and educational role of women in both areas of individual and social behavior. The author has examined these moral attributes in a descriptive-analytical way. He believes that according to His Highness Asieh's behavior towards Pharaoh, the role of women in deviant and atheistic thought is to preserve their identity and intellectual independence and fight against atheistic thoughts, etc. The behavior of Moses' mother against God's command contains the message that women The believer descends in obedience to God's commands; Behavior of three women; Moses' mother and sister, Hazrat Asiya, have a message for the preservation and education of Moses that the Muslim woman plays an important role in defending the religion, and that is the training of the soldiers and guardians of the religion.

Keywords: Women, Surah Al-Qasas, Education, Ethics, Growth, Perfection.

زمینه‌های سوء ظن در خانواده و

راهکارهای برون‌رفت از آن با تاکید بر آیات و روایات

سیده زینب موسوی^۱

چکیده: از آنجا که خانواده، در معرض آسیب‌های اخلاقی و روانی فراوانی از جمله سوء ظن، قرار گرفته است. بدگمانی و اندیشه بد در مورد دیگران؛ به تنهایی قادر است که سلامت روان افراد را به خطر انداخته، بنیان مستحکم خانواده را ویران و ضربات جبران‌ناپذیری به پیکره اجتماع وارد سازد. لذا ضرورت بررسی راه‌های پیشگیری از آن به شدت احساس می‌گردد. از مهمترین اصول در پیشگیری و درمان همه بیماری‌ها؛ اعم از جسمانی و نفسانی، شناخت بیماری و آگاهی از آثار و عوامل ایجادکننده آن می‌باشد. هدف از طرح چنین موضوعی یافتن راهکارهای عملی و قابل اجرا جهت پیشگیری از سوء ظن در خانواده و کمک به ایجاد روابط سالم و سازنده در بین اعضای آن، به خصوص زن و شوهر می‌باشد. بنابراین در این تحقیق، به بررسی معنای صحیح سوء ظن، عوامل ایجادکننده و راه‌های پیشگیری از آن از منظر آیات و روایات با روش توصیفی- تحلیلی پرداخته شده است. از مهمترین راه‌های پیشگیری از سوء ظن در خانواده می‌توان به تقویت ایمان و عدم توجه به القائات شیطانی، دوری از تجسس و کنجکاوی، توجیه اعمال دیگران بر وجه شایسته و پرهیز از پیشداوری و عدم معاشرت و همنشینی با بدکاران نام برد.

کلید واژه‌ها: خانواده، زمینه‌های سوء ظن، بد گمانی، سوء ظن.

^۱-طلبه سطح دو، حوزه علمیه آیت الله میراز یوسف ایروانی رحمته قم.

Suspicious in the family and

The solutions came out of it with an emphasis on verses and hadiths

Seyedeh Zeinab Mousavi

Abstract: Because the family is exposed to many moral and psychological harms, including suspicion. Suspicion and bad thoughts about others; Alone, it can endanger people's mental health, destroy the strong foundation of the family, and inflict irreparable damage on society. Therefore, the need to study ways to prevent it is strongly felt. One of the most important principles in the prevention and treatment of all diseases; Both physical and mental, recognizing the disease and knowing the effects and factors that cause it. The purpose of such a topic is to find practical and applicable solutions to prevent suspicion in the family and help create healthy and constructive relationships among its members, especially husband and wife. Therefore, in this research, the correct meaning of suspicion, the causative factors and ways to prevent it from the perspective of verses and narrations with descriptive-analytical method have been studied. The most important ways to prevent suspicion in the family are to strengthen faith and not to pay attention to evil instincts, to avoid spying and curiosity, to justify the actions of others in a proper way and to avoid prejudice and lack of companionship with bad workers

Keywords: Family, Suspicion, Suspicion, Suspicion,

تأثیر آداب گفتگوی والدین بر استحکام خانواده از منظر آیات و روایات

فرزانه سخاوتی^۱

چکیده: خانواده، یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، بخصوص روابط والدین با فرزندان، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد موهون ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بر آن است که با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و روایات معصومین علیهم‌السلام، که مفسر و عدل آیات قرآن هستند، آداب و گفتگوی والدین و عوامل تحکیم خانواده را بررسی و تاثیر رعایت آداب گفتگو را که در تحکیم خانواده مؤثر است، استخراج کند؛ طبق تحقیقات انجام شده آداب گفتگوی والدین شامل فصاحت، بلاغت، لینت سخن، سدید بودن، میسور بودن کلام و یا بر معروف بودن کلام، آغاز سخن با سلام می‌باشد. از جمله عوامل تحکیم خانواده نیزمانند؛ ایمان و اخلاق، وجود عشق و محبت میان اعضای خانواده، تفاهم و همکاری، برخورداری از روحیه گذشت و بزرگواری، رعایت ادب و احترام متقابل در خانواده را بررسی کرده است. در زمینه تأثیرات آداب گفتگو به سلامتی جسم و روح، اصلاح ایمان، اصلاح اعمال و آمرزش گناهان، برکت در رزق، خوش خلق شدن، متخلق شدن به صفت انبیا و اولیاء دین و سالم‌سازی محیط خانواده اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: آداب گفتگو، تحکیم، خانواده، والدین

^۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته‌الله قم.

The effect of parental conversational etiquette on family strength
from the perspective of verses and hadiths

Farzaneh Sakhtouti

Abstract: The family is a small social organization whose members' relationships, especially parent-child relationships, are the most important formative element of this organization. The optimal and healthy growth of children in all dimensions is due to the effective and desirable communication of parents with their children. Therefore, the present study uses a descriptive-analytical method to use the verses of the Holy Quran, valid interpretations and infallible narrations, which are the interpreter and justice of the verses of the Quran, to examine the etiquette and dialogue of parents and family consolidation factors. Which is effective in strengthening the family, to extract; According to research, the etiquette of parents' conversation, including eloquence, rhetoric, Lynn Lint speech, being limited, being able to speak, or being famous, is the beginning of a greeting. Among the factors that strengthen the family are: Faith and morality have examined the existence of love and affection between family members, understanding and cooperation, having a spirit of forgiveness and magnanimity, respect for courtesy and mutual respect in the family. The effects of conversational etiquette on the health of body and soul, reform of faith, correction of sins, forgiveness of sustenance, good mood, creation of the attributes of prophets and saints, and health of the family environment are mentioned.

Keywords: conversation etiquette, consolidation, family, parents

نقش خانواده در تربیت اجتماعی کودکان از منظر قرآن و روایات هاجر شیخلو^۱

چکیده: تربیت دارای ابعاد و جلوه های مختلفی است که یکی از مهم ترین آن تربیت اجتماعی است زیرا طبیعت خلقت انسان به گونه است که به زندگی با دیگران گرایش و نیاز دارد و تکامل شخصیت وی بسته به حضور و نقش آفرینی او در اجتماع است. با درک این ضرورت نیاز به تربیت فرد برای زندگی و حضور اجتماعی امری بدیهی است زیرا اگر برای امر مذکور تربیت محقق نگردد بروز مشکلات فراوان برای خود فرد و حتی جامعه دور انتظار نخواهد بود. خانواده، مهم ترین کانون تربیت اجتماعی و جامعه پذیری است که در تربیت و اجتماعی کردن کودکان، به ویژه در سال های آغازین زندگی نقش مهمی دارد. اسلام به عنوان دین کامل، آیین الهی زندگی انسان هاست که از آموزه های آن می توان به عنوان منبعی مهم برای استخراج روش های تربیتی صحیح در خانواده استفاده نمود. احترام به شخصیت دیگران، نظم، محبت متقابل، رعایت حقوق دیگران، شهادت داشتن، ایثار و گذشت، مشورت کردن، تعاون و همکاری و مسئولیت پذیری و ... جزو اصول تربیتی، اجتماعی است که مورد سفارش اسلام قرار گرفته اند، و بی تردید خانواده، اولین نهادی است که این اصول در آن تجربه می شود و پدران و مادران می توانند الگوی عملی و نمونه عینی این صفات برای کودکان باشند. بر این اساس هدف این مقاله پرداختن به نقش خانواده در تربیت اجتماعی کودک بر اساس آیات قرآن و روایات است. این تحقیق با جستجو در منابع کتابخانه ای با روش توصیفی تحلیلی به بررسی این موضوع می پردازد.

کلید واژه ها: آیات، تربیت اجتماعی، خانواده، روایات، کودکان.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه آیت الله میرزا یوسف ابروانی رحمته قم.

The role of the family in the social upbringing of children from the perspective of the Quran and narrations

Hajar Sheikhlou

Abstract: Education has different dimensions and fronts, one of the most important of which is social education because the nature of human creation is such that it tends to live with others and its personality development depends on its presence and role in society. . Understanding this necessity, the need to educate the individual for life and social presence is obvious, because if this training is not achieved, many problems will not be expected for the individual and even society. The family is the most important center of social education and socialization, which plays an important role in educating and socializing children, especially in the early years of life. Islam as a complete religion is the divine religion of human life, the teachings of which can be used as an important source for extracting the correct educational methods in the family. Respect for the personality of others, order, mutual love, respect for the rights of others, courage, sacrifice and forgiveness, consultation, cooperation and accountability, etc. are among the educational, social principles that have been commissioned by Islam, and undoubtedly the family, It is the first institution in which these principles are experienced, and parents can be a practical and objective example of these qualities for children. Therefore, the purpose of this article is to address the role of the family in the child's social upbringing based on Quranic verses and hadiths. This research examines this issue by searching the library resources with an analytical descriptive method.

Keywords: Verses, Social Education, Family, Narratives, Children.

آثار تربیتی نماز بر استحکام خانواده از منظر آیات و روایات

فاطمه عباسی^۱

چکیده: نماز یک نیاز حقیقی و ضروری انسان است و به میزان ضرورتی که برای فرد و اجتماع دارد، دارای فایده‌ها و آثار نیکوی فردی و جمعی است، و به همان نسبت که وجود آن منشأ برکات و خیرات است، فقدان آن نیز زیان بار است در جهان مادی و امروز بدلیل گسترش و رشد روزافزون تکنولوژی و فناوری‌های نو، توجه جوانان و حتی گاهی خود خانواده‌ها نیز به سمت و سوی دنیای مادی گرایش یافته و از فرایض دینی به ویژه نماز روی‌گردان شده‌اند. این بی‌نمازی می‌تواند عامل مهمی در فروپاشی بنیان خانواده باشد. باید بپذیریم که این نهاد مقدس خانواده، در صورت عدم توجه به معنویات کم‌کم رو به اضمحلال، فساد و گناه خواهد رفت. حال، بزرگ‌ترین دغدغه‌ی خانواده‌ها نجات فرزندان‌شان از این منجلاب فساد می‌باشد که قرآن سال‌ها پیش راه نجات بشریت از این منجلاب را نماز معرفی کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با بررسی اسناد، مقالات و کتب مربوطه و با هدف بررسی نقش نماز در استحکام بنیان خانواده از منظر قرآن و روایات صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد نماز، بازدارنده از زشتی‌ها و پناهگاه و یاری‌دهنده‌ی مؤمنان و خروج از تسلط شیطان است حال این نماز در خانواده نیز تأثیرات بسیار عمیق و کارسازی ایفا می‌کند چرا که خانواده‌های اهل نماز از هرگونه اعمال ناشایست و خلاف دستورات اسلام مبرا هستند و بنیان خانواده‌شان محکم و استوار است. درون این چنین خانواده‌هایی فرزندان با تربیت دینی صحیح رشد و نمود پیدا می‌کنند.

کلید واژه‌ها: استحکام خانواده، آثار تربیتی، تربیت، نماز.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی رحمته قم.

The educational effects of prayer on the strength of the family
from the perspective of verses and hadiths

Fatemeh Abbasi

Abstract: Prayer is a real and necessary human need and as much as it is necessary for the individual and society, it has individual and collective benefits and effects, and as much as its existence is the source of blessings and charity, its loss is also harmful. In today's material world, due to the increasing development of new technologies and technologies, the attention of young people and sometimes even families themselves have turned to the material world and turned away from religious duties, especially prayer. This insecurity can be a major factor in the breakdown of the family foundation. We have to accept that this sacred institution of the family, if it does not pay attention to spirituality, will gradually become extinct, corrupt and sinful. Now, the biggest concern of families is to save their children from this mire of corruption. The Qur'an has introduced prayer as the way to save humanity from this mire for many years. This research has been done by descriptive-analytical method by examining the relevant documents, articles and books and with the aim of examining the role of prayer in strengthening the foundation of the family from the perspective of Quran and narrations. The findings of the present study show that prayer prevents ugliness and shelter and helps believers and get out of the domination of the devil. And the foundation of their family is strong. Within such families, children with the right religious upbringing grow up.

Keywords: Family Strength, Educational Effects, Education,
Prayer.